



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



دوران پژوهش‌های اسلامی در ایران

برپال سحر

سحر خیزی و شب‌زنده‌داری در فرهنگ اسلامی

محمد هادی قلاج



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر بال سحر: سحرخیزی و شب زنده داری در فرهنگ اسلامی

نویسنده:

محمدهادی فلاح

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	بر بال سحر: سحرخیزی و شب زنده داری در فرهنگ اسلامی
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	دیباچه
۱۴	مطلع
۱۶	مقدمه
۱۹	پیش گفتار
۲۷	بخش اول: زُفُف، اهل دل
۲۷	اشاره
۲۸	فصل اول: شب در قرآن کریم
۲۸	اشاره
۳۱	ارج و ارزش شب
۳۱	اشاره
۳۱	چَلَه نشینی حضرت موسی (ع)
۳۱	عروج شبانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به آسمان
۳۲	نزول شبانه قرآن کریم
۳۲	فصل دوم: بررسی واژگانی و مفهومی سحر
۳۲	اشاره
۳۳	سحر نزد اهل لغت
۳۶	سحر نزد اهل عرفان و تصوّف
۳۷	سحر در قرآن کریم
۳۷	سحرخیزی در قرآن کریم
۴۶	بخش دوم: بُراق، سیر

۴۶ اشاره
۴۷ فصل اول: شکوه و ارزش سحرخیزی
۵۸ فصل دوم: ضرورت اهتمام به سحرخیزی و مداومت بر نماز شب
۶۹ فصل سوم: ناب ترین لحظه
۷۴ فصل چهارم: آثار سحرخیزی در نشانه های وضعی گفتار و کردار
۷۴ اشاره
۷۵ نور نماز شب
۷۷ پاداش بی کران
۸۴ ضمانت رزق و زیبایی چهره
۸۶ ضمانت روزی معنوی
۸۹ لذت و بهجت نماز شب
۹۰ پاداش پس از مرگ
۹۴ فصل پنجم: مقام محمود
۱۰۰ بخش سوم: زمزمه های عارفانه
۱۰۰ اشاره
۱۰۱ فصل اول: شب و سحر از زبان حافظ
۱۰۱ اشاره
۱۰۱ راه هولناک
۱۰۲ دعا و گریه نیم شب
۱۰۳ شب زنده داری و پاسبانی
۱۰۳ فراخوان شب زنده داری
۱۰۵ تأثیر دولت سحر
۱۰۶ سحرخیزی حافظ
۱۰۹ بازگویی آرزمندی ها
۱۱۰ کامیابی
۱۱۳ قدرشناسی

۱۱۳	فصل دوم: تأثیر دعای سحر
۱۱۳	اشاره
۱۱۷	دعای سحر شب جمعه
۱۱۹	تنها خدا
۱۲۵	فصل سوم: اشک های سحری
۱۲۵	اشاره
۱۲۹	تحصیل معرفت
۱۴۱	بخش چهارم: آداب سحرخیزی
۱۴۱	اشاره
۱۴۱	فصل اول: بایسته ها
۱۴۱	۱. ذکر مراقبت
۱۴۵	۲. گوهر اخلاص
۱۴۹	۳. شکیبایی و همت بلند
۱۵۴	فصل دوم: آداب پیش از خواب
۱۵۸	فصل سوم: آداب پس از بیداری
۱۷۲	فصل چهارم: خانه ها و خانواده های سعادت‌مند
۱۸۰	بخش پنجم: احکام نماز شب
۱۸۰	اشاره
۱۸۰	فصل اول: وقت نماز شب
۱۸۳	فصل دوم: دستور نماز شب
۱۸۸	بخش ششم: موانع سحر خیزی
۱۸۸	اشاره
۱۸۹	دسته نخست:
۱۹۴	دسته دوم:
۱۹۴	دسته سوم:
۱۹۵	دسته چهارم:

- ۱۹۵ اشاره
- ۱۹۷ توصیه ها
- ۲۰۳ تأثیرگرایی های بی رویه به مادیات
- ۲۰۴ سخن آخر
- ۲۰۵ بخش هفتم: سخنی با برنامه سازان
- ۲۰۵ اشاره
- ۲۰۵ آموزه های دین برای زیستن ایده آل است
- ۲۰۸ چند یادسپاری:
- ۲۰۸ اشاره
- ۲۰۸ ۱. نیازهای معنوی انسان بسیار فراخ است
- ۲۰۸ ۲. خداوند به نیازمندی های معنوی انسان آگاه ترین است
- ۲۱۰ ۳. نیاز و نقص معنوی، همه فهم نیست
- ۲۱۰ ۴. سیره و شیوه تأمین نیازمندی های معنوی انسان یکسان نیست
- ۲۱۲ بایسته ها و پیشنهادهای
- ۲۱۴ پرسش های پیشنهادی از مردم
- ۲۱۶ کتاب نامه
- ۲۲۳ درباره مرکز

بر بال سحر: سحر خیزی و شب زنده داری در فرهنگ اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه: فلاح، محمدهادی، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: بر بال سحر: سحر خیزی و شب زنده داری در فرهنگ اسلامی / محمد هادی فلاح.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: [۴]، ۲۱۳ ص.

فروست: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۸۰۶.

شابک: ۱۳۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۶۰۶-۳۷-۴

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۰۹] - ۲۱۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: سحر خیزی

موضوع: سحر خیزی -- احادیث

موضوع: شب زنده داری -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: شب -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: نماز شب -- احادیث

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۵۹/ف۸ب۴ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۷۷۰۶

دبیاچه

دبیاچه

پیامبر گرامی اسلام، بهترین و مناسب ترین زمان نزدیک شدن به معبود را اوقات سحر دانسته اند؛ لحظه های خوشی که عاشقان بیدار دل ساعتی را به حضور و عشق ورزی در ساحت معشوق و عبادت و راز و نیاز با حضرت دوست می گذرانند؛ دلدادگانی که در پی گنج بی کرانند و چون طایر قدسی راه ملکوت می جویند و خویش را در زمزم سحر از آلودگی ها و پلشتی های دنیوی جلا می دهند و نور روشنی را به شبستان وجود می پراکنند. آن گاه با عزمی راسخ و دلی امیدوار از سپیده صبح راه و رسم بندگی را در پیش می گیرند.

بیداری در ساعتی از شب، به ویژه در لحظه های پایانی آن برای تهجد و راز و نیاز، بدون مشارطه، مراقبه و مراوده امکان پذیر نیست. بیداری در دل شب و به جای آوردن نماز شب و استغفار جلای جان مؤمنان است.

خداوند صدای کسانی را که سحرگاهان استغفار می کنند دوست دارد. از این رو، نزدیک ترین حال بنده به پروردگار هنگامی است که در سجده عبودیت بنده خاضع و خاشع با دیده گریان گونه بر خاک می ساید و بندگی و نیازمندی خویش را به خالق متعال اعلام می کند.

بی شک کلید دست یابی به مقام محمود و دریافت های ناب، نماز شب است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سفارشی به مولای متقیان می فرماید:

یا علی، بخشی از شب را هرچند به اندازه دوشیدن گوسفند باشد، به نماز بایست و در هر سحر خواسته های خویش را از خدا بخواه که در آن لحظات دعایی ردّ نمی شود.

روایت است که خداوند به خاطر سحرخیزی نیکوکاران جامعه، از خشم خود و عذاب گنه کاران چشم می پوشد. البته این که چگونه باید این سنت حسنه، نهادینه گردد و انگیزه برپایی آن تقویت شود، رسالتی است که بر عهده فرهنگ سازان جامعه به ویژه اصحاب صدا و سیماست. رسانه باید به منظور آگاهی مردم از اعجاز معنوی سحرخیزی و نماز شب اقدام به ساخت برنامه هایی سازنده نماید. پژوهشگر ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد هادی فلاح کوشیده اند تا توشه راهی برای برنامه ریزان و برنامه سازان گرامی فراهم آورند. با سپاسی از تلاش های ایشان، شایسته است در برنامه سازی ها مورد استفاده قرار گیرد.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مطلع

مطلع

قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

شد گاه وصل دلداری، قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

آمد زمان دیداری، قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

وقت سفر رسیده، یعنی سحر رسیده

بیدار باش بیداری، قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

مستانه گریه سر کن، غم از دلت به در کن

هشیار باش هشیاری، قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

بزم طرب بپا کن، نای و چلپ بپا کن

می خوان سرود دیداری، قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

در خلوت شبانه، با دلبر یگانه

نجوا بود سزاوار، قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

دست دعا بر آور، شور و نوا بر آور

با سوز و آه بسیار، قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

بر ماه و بر ستاره، باری نما نظاره

اندر دل شب تار، قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

اینک نه وقت خواب است، کاین خواب تو حجاب است

از نیل فیض دادار، قُمْ أَيُّهَا الْمُرْمَل

ای بی خبر ز هستی، گر از خودیت رستی

یابی به کوی دل بار، قُمْ أَيُّهَا الْمُرْمَل

بیرون ز ما و من باش، آزاده چون حسن باش

در راه وصل دلدار، قُمْ أَيُّهَا الْمُرْمَل (۱)

۱- علامه حسن زاده آملی، سروده شده در شب ۲۸ شهرالله ۱۳۹۸ ه. ق.

برخی از اوقات مانند ماه های ذی قعدة، ذی حجه، رجب، شعبان، رمضان، شب های قدر، شب ها و روزهای جمعه، عصرهای جمعه، هنگام غروب و به ویژه گاه سحر در خواستن و احوال نمازگزار و دعا کننده، بسیار تأثیر گذارند، بی گمان مناسبت های زمانیه ای که برای برگزاری نماز و دعا کردن و خواستن و حالات انسان وجود دارد، از تمام ترین مناسبات است؛ به تعبیر دانشمند جلیل القدر مرحوم سید بن طاوس:

إِنَّ لَأَوْقَاتِ الْقَبُولِ أَسْرَارًا لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ مَا تُعْرَفُ إِلَّا بِالْمَنْقُولِ (۱).

همانا وقت های پذیرش، اسراری دارد که از آن خداوند است و جز به آیات و روایات شناخته نمی شوند.

بر اساس نظر علامه حسن زاده آملی: «برخی به معقول نیز شناخته و با شعوری مرموز ادراک می شود.» (۲)

اگر ما بتوانیم ابن الوقت و یا برتر از آن ابوالوقت (۳) بشویم و بمانیم، کامروا، سعادت مند و نیک فرجام خواهیم بود؛ یعنی در خواستن، چه خواستن، چگونه خواستن و چه وقت خواستار شدن و احوال خویش،

۱- نک: اقبال، آخر باب ۶ از اعمال ذی حجه.

۲- رساله نور علی نور، (ضمیمه مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، ترجمه: علی بن طیفور بسطامی)، علامه حسن زاده آملی، فصل ۵، ص ۵۸.

۳- معنای لغوی ابن الوقت، یعنی پسر وقت و معنای لغوی ابوالوقت یعنی پدر وقت، ولی در اصطلاح تصوف و عرفان، کسی را گویند که فرصت ها را غنیمت بشمارد و با هوشیاری و راستی و به زیبایی و درستی از زمان های پیش آمده برای تقرّب به پروردگار سود ببرد.

هوشمندانه و یک دله مناسبت ها و اولویت های آن را با راستی و درستی رعایت کنیم، باشد که از احوال ناپایدار به حال و مقام ماندگار دست یابیم. (۱)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

بهترین و سودمندترین وقتی که در آن، خداوند را بخوانید، اوقات سحری است. (۲)

یعنی تمام لحظه های کثرت آلود روز و شب زندگی، پیش در آمدی بر گاه آرامش سحراند:

هان، هر چه می خواهی خیر، گاه سحر

این مجموعه هدیه ای است برای هر کسی که همتی دارد و حالی و بالی خواهد و او را هوس پرواز است.

به طفیل همه قبولم کن

ای اله من و اله همه چند نکته درباره کتاب:

۱. مطالب این کتاب با رعایت تناسب و ذیل عنوان های گزینش شده، در شش بخش و چهارده فصل و با پیش درآمدی برای ورود در مباحث آن تنظیم شده است.

۲. چون سحر خیزی، عملی است مبتنی بر توصیه های دینی، مباحث کتاب نیز رویکردی درون دینی دارد. از این رو، با نگرش ویژه به آیات و روایات رسیده از اهل بیت (ع) و با ذکر سند به ریزموضوع های برگزیده و شرح آن ها پرداخته ام.

۱- برای آگاهی بیش تر نک: رساله نور علی نور، پیشین، ص ۵۶ _ ۵۹.

۲- «خیر وقت دعوتم الله فيه الأسحار». وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۱۷.

۳. به منظور آگاهی بهتر خواننده محترم و ایجاد پیوند آسان او با مباحث کتاب برای ورود در هر فصل چکیده ای نگاشته ام.
۴. کتاب را برای مخاطبان فارسی زبان نوشته ام و به همین دلیل در متن آن، از به کارگیری زیاد عبارت های عربی پرهیز کرده ام، ولی برای بهره جویی طلاب علوم دینی و عرب زبانان، متن اصلی برخی روایات را نیز در پاورقی آورده ام.
۵. نام کتاب را بربال سحر نهادم؛ زیرا بر این باورم که گاه سحر، بالی دارد گسترده و فراخ با قدرتی حیرت انگیز که می تواند همه را بر خود نشانده و از خاک به افلاک، از مکان به لامکان و از انسان تا خدا برد.

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

شب و ویژگی‌های آن

شب پدیده‌ای است بس شگرف و رمزگونه با نمادهایی از تاریکی و سکوت و خلوت و تمرکز و وحدت و آرامش و خواب و ترس و هراس.

وای از اسرار درون دل شب

شب، چه‌ها دیده به عالم یا ربّ

وصل‌ها دیده پس از راز و نیاز

هجرها دیده پر از سوز و گداز(۱)

شب از منظر دین اسلام که برای انسان دستورهایی را ابلاغ داشته است، شناسه‌ای دارد. از این رو، در اصطلاح و زبان خود و نیز برای تحقق بخشی احکام و ارکان عبادی و تنظیم زمانی عبادت‌های درخواستی، شب را از اول مغرب تا طلوع صبح صادق می‌داند و آن را به دو نیمه (نیمه پیشین و نیمه پسین) تقسیم می‌کند. بنابراین به طور کل با تنظیمات ساعتی در زمان کنونی، ساعت ۲۳:۳۰ دقیقه شب، تقریباً آغاز نیمه دوم شب است، و همواره ساعت ۲۴، تقریباً نیم ساعت از پایان نیمه اول شب گذشته است. (۲)

شب در دین زرتشت، مظهر و نماد ظلمت و تاریکی و اهریمن است و در باور برخی از اقوام آمریکایی، خدایانی مقام ایزدشی داشته‌اند. (۳) معمولاً تفاوت شب‌ها در نظر مردم به تفاوت بهره‌جویی و احساس آن‌ها از شب

۱- شهریار.

۲- البته طبق ساعت رسمی کشور ما ایران در ۶ ماه اول سال، تقریباً ۳۰ دقیقه پس از ساعت ۲۴ شب، نیمه شب آغاز می‌شود.

۳- نک: دین واسطوره در امریکای وسطا، مهران کُندری، ص ۱۶۶.

باز می گردد. و هر کس با نگاهی که به آن دارد و به اقتضای حال و باور و پویه های ذهنی اش، گونه های بهره جویی و تعبیر او از آن نیز متفاوت است.

من که سر از فکر سنگین دارم و بر بسته لب

شب به من می خواند از راز نهانش، من به شب (۱)

برخی از اصحاب هنر نیز ویژگی های شب را با بهره جویی از واژه ها، تشبیهات، استعارات و فنون لطیف شاعرانه با شیوه کهن و نو، به تصویر می کشند:

در تمام طول شب،

کاین سیاه سالخورد انبوه دندان هاش می ریزد

وز درون تیرگی های مزور

سایه های قبرهای مردگان و خانه های زندگان درهم می آمیزد. (۲)

و یا با آگاهی از کژی های زمانه و بی عدالتی در یک جامعه، بی سرپناه بودن بی کسان و بینوایان و یتیمان در شب و گرسنه به خواب رفتن آنان در ناامنی شب، به تعبیرهای گونه گون از جلوه ها و کینه توزی شب می سرایند و به کنایه و تعریض بر رفتارهای شب گونه اهل زمانه و حاکمان آن می تازند.

شبی چون شبِ روی شسته به قیر

نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر

سپاه شب تیره بر دشت و راغ (۳)

یکی فرش افکنده چون پر زاع

۱- نیمایوشیج، در جوار سخت سر.

۲- نیمایوشیج، پادشاه فتح.

۳- صحرا.

چو پولاد زنگار خورده سپهر

تو گفתי به قیر اندر اندوده چهر

زمین زیر آن چادر قیر گون

تو گفתי شدستی به خواب اندرون

نه آوای مرغ و نه هَرّای (۱) دَد

زمانه زبان بسته از نیک و بد (۲)

مردم به رسم و عادت و طبیعت، از خستگی روزِ کثرت آلود در آغوش شب به خواب می روند. گروهی نیز از بی خبری با سیاهی آن در می آمیزند و به رفتارهای پلشت، جانشان را تیره تر از آن می سازند.

تا آن که شبی سیاه رو را

سازد به فریب خود سیه تر. (۳)

دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری

تو خود چه آدمی کز عشق بی خبری (۴)

وَ الَّذِينَ كَتَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءَ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَزَهَّوْهُمْ ذَلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا
أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (یونس: ۲۷)

جزای کسانی که مرتکب بدی شدند، به همان مقدار است و خواری آنان را در برمی گیرد و هیچ چیز نمی تواند آن ها را از عذاب خداوند ننگه دارد، گویی چهره هایشان پاره ای از شب ظلمانی است، آنان اهل دوزخند و همواره در آن خواهند ماند.

۱- غُرّش حیوان وحشی.

۲- ابوالقاسم فردوسی.

۳- نیمایوشیج، امید پلید.

۴- سعدی.

شب مگوبل نامه دوزخ دلان

دوده دود دل بی حاصلان

روز من زین شب سیه گون می شود

شب به روز من شیخون می شود(۱)

بعضی ها نیز از شب و سیاهی آن همواره در هراسند، یا به خاطر طبیعت شان و یا به دلیل ترسی که از کودکی به آنان القا شده است و آن ها باور کرده اند.

عده ای هم تنها به این سبب که رخدادی ویژه، خوش آیند و دل خواه برایشان پیش آمده، این زمان را که تداعی گر خاطره ای است، خوش داشته و دوست می دارند. از سویی دیگر کسی به عکس، به این جهت که در شبی بر او تاخته اند و خیانت شده است، همواره، شب را بد می داند و در آن به خاطر یاد آمدن رنجوری های پیشین، در عذاب است و بر او سخت می گذرد. از این رو، شب را خوش ندارد.

گر بیند در زمانی، از کسی ظلمی کسی

هم از آن کس بد بگوید، هم از آن وقت و مکان(۲)

هان ای شب شوم وحشت انگیز

تا چند زنی به جانم آتش

یا چشم مرا ز جای بر کن

یا پرده ز روی خود فروکش(۳)

۱- ملا صدرا.

۲- نگارنده.

۳- نک: شب و شهر صبح، نیمایوشیج، ص ۶.

در این میانه کسانی هم برای رفاه و آسایش و آرامش خانواده و مردم، شبانه به کار شیفتهی اشتغال دارند و بعضی می کوشند تا راه را از چاله باز شناسند و جمعی پژوهنده با مطالعه و پژوهش، کشف حقیقت و راهی تازه می جویند و تولید علم را به انتظار نشسته اند.

شب ار بی دانشان آرام یابند

به شب ارباب دانش کام یابند(۱)

اشخاصی نیز با کردارهای شایسته روزانه، شبانگاه ساعتی را بیدار بوده، معاشقه و حضور در ساحت معشوق و عبادت و نماز و نیاز و اشک سحر و نصیبه ای از تنفس صبح را آرزو دارند و دلداده از پی دست یافتن به گنج بی کرانند.

همه روز در خیالم که شب دگر بیاید

تو و نازها که داری من و آن نیاز کردن(۲)

و چه دوستدارانی که از پی مراقبت های روزانه، هم بسته با جهان قدس و نزهت معنوی، با دعوت جمال ربوبی به عالم تودرتوی فراسویی میهمان می شوند و به هم خوردن بال های فرشتگان و چکامه های دلنشین تسبیح آنان را به گوش جان می شنوند و از سفره حقایق و علمی که صورت جمعی و وحدانی دارند، لقمه برمی گیرند و فارغ از هیاهوی جهان فرودین از کأس کوثر و شراب طهور سرمی کشند.

دلی کز عالم وحدت سماع حق شنیدست او

به گوش همتش دیگر کی آید شعر و افسانه(۳)

کسی که بر لب کوثر چشید جام مراد

۱- مرحوم حکیم الهی قمشه ای.

۲- حافظ.

۳- سعدی.

دهان خویشتن از آب شور تر نکند

شب در داشتن ذکر و خلوت و اندیشه و آرزومندی و خواستن از خداوند و ارتباط با آن حضرت، جایگاه ویژه ای در اوقات دارد. به نقلی، خداوند می فرماید: «اللَّيْلُ لِي؛ (۱) شب از آن من است».

شب دور از مردم و فارغ از شلوغی و مشغله های روزانه، انسان مستعد را به خلوت و وحدت می کشاند و او را در یگانه شدن و ادراک، منقطع از عالم طبیعت و تفرق حال و بال، یاری می رساند.

بگیر لیلی شب را کنار ای مجنون

شبست خلوت توحید و روز شرک و عدد (۲)

«لیل غیب است و انسان را به غیب و باطن می کشاند و می رساند.» (۳) ولی پراکندگی و پریشانی که ویژگی عالم طبیعت است، انسان را از ادراکات و دریافت های فراسویی محروم می سازد و انسان برای درک علم و حقایق آن سویی که صورت جمعی و وحدانی دارند، چاره ای جز یگانه شدن و یگانه ماندن ندارد و می بایست که بداند: «بین غذا و مغذی سنخیت، شرط است.» (۴)

۱- نک: مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، ترجمه: علی بن طیفور بسطامی به ضمیمه رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، نوشته علامه حسن زاده آملی، ص ۵۶.

۲- دیوان شمس تبریزی، غزل ۹۴۷.

۳- نک: مفتاح الفلاح، پیشین.

۴- مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، ترجمه: علی بن طیفور بسطامی به ضمیمه رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، نوشته علامه حسن زاده آملی، ص ۵۹.

«شب، آن هم آخر شب، مناسب ترین فرصت برای خلوت با خداست؛ زیرا انسانِ متَهَجِّد در آن حال، بدون مزاحمت می تواند فیض را از خدا دریافت کند.»^(۱)

شب دراز به امید صبح بیدارم

مگر که بوی تو آرد نسیم اسحارم^(۲)

بیداری در ساعتی از شب، به ویژه در لحظه های پسینِ آن برای تهجید و ذکر و زمزمه با خدای عزیز، بدون مراقبت و برنامه ریزی و برای بیش تر مردم که تمام روزشان را به شغلی مشغولند میسور نیست. چه معمولاً اشتغال به امری انسان را از اموری بی بهره می سازد. چون ما نمی توانیم به طور علی الدوام اراده خود را نگهداری و نگهداری کنیم و به مرتبه ای نیز نرسیده ایم که مظهر اسم «یا مَنْ لَا یَسْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ»^(۳) ای آن که کاری، او را از کاری باز نمی دارد، باشیم، از این رو توجه و تعلق به یک مسئله ما را از توخید و تعقل و برگشودن به عالم متعالی و راه یابی به درگاه خدایی، باز می دارد، ولی آنکه در پی آن است که خود را بشناسد، دردهایش را درمان کند و به راهبری شخص پخته و فرهیخته با برنامه و مراقبت از این ورطه در آید، شب را غنیمت می شمارد و در آن با یگانه مطلق انس می گیرد.

یکی پرسید از بیچاره مجنون

که ای از عشق لیلی گشته دل خون

به شب میلِت فزون تر هست یا روز

۱- نک: مراحل اخلاق در قرآن، آیت الله جوادی آملی، فصل هفتم.

۲- سعدی.

۳- دعای جوشن کبیر.

بگفتا گرچه روز است عالم افروز

و لیکن با شبنم میل است خیلی

که لیل است و بود هم نام لیلی (۱)

۱- علامه حسن زاده آملی.

بخش اول: رَفْرَف، اهل دل

اشاره

بخش اول: رَفْرَف، اهل دل (۱)

در این بخش، در دو فصل، میهمان سفره پُر نعمت کتاب آسمانی، قرآن کریم می شویم:

در فصل نخست به مقوله شب از دیدگاه قرآن پرداخته ام و با ذکر نمونه هایی، ارجمندی شب را نزد خداوند یاد کرده ام.

در فصل دوم از تعبیر و دیدگاه اهل لغت، تفسیر و عرفان در بررسی واژگانی و مفهومی سحر بهره جسته ام و از شماره و به کار رفتن واژه سحر در قرآن کریم نوشته و با ذکر تأویلات روایی به نگاه و رویکرد قرآن به موضوع سحرخیزی پرداخته ام.

حافظا در کُنْج فقر و خلوت شب های تار

تا بود وِردت دعا و درس قرآن غم مخور

فصل اول: شب در قرآن کریم

اشاره

فصل اول: شب در قرآن کریم

قرآن کریم از واژه لیل با دیگر واژه های هم خانواده آن، ۹۲ بار به مناسبت و در موضوع و فرازهای گونه گون یاد کرده است، و تنها هشت مرتبه با عنایت به لحظه و ویژگی هایی از شب، با صراحت به آن سوگند یاد کرده و علاوه بر آن، سوره ای از قرآن کریم به «لیل» نام گذاری شده است.

بر روز، مفاخرت کنی می شاید

ای شب چو چراغ تو قمّ اللیل بود

۱. «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ؛ سوگند به شب زمانی که فراگیر می شود». (لیل: ۱)
۲. «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا؛ سوگند به شب زمانی که عالم را فرا می گیرد». (شمس: ۴)
۳. «وَاللَّيْلِ وَ مَا وَسَقَىٰ؛ سوگند به شب و آنچه را گرد می آورد». (انشقاق: ۷)
۴. «وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ؛ سوگند به شب، هنگامی که آرام گیرد». (ضحی: ۲)
۵. «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ؛ سوگند به شب آن گاه که به نهایت رسد». (تکویر: ۱۷)
۶. «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ؛ سوگند به شب چون پشت کند». (مدثر: ۳۳)
۷. «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرَ؛ سوگند به شب آن گاه که به روز می گراید». (فجر: ۴)
۸. «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْرَ؛ سوگند به شب های ده گانه». (فجر: ۲)

قرآن کریم از شب و بیش تر در کنار روز به گونه های متفاوت یاد کرده است:

شب و روز، آفریده (۱) و از نشانه های خداوند به شمار می روند. (۲) در یکدیگر در آیند (۳) و ناپدید می گردند (۴) و بر هم پیچیده شده اند. (۵) شب نشانه ای است که به امر خداوند از روز برگرفته می شود (۶) و هیچ گاه بر روز پیشی نگیرد. (۷)

شب پایانه زمان روزه (۸) و رخصت گاه برخی اعمال در شب های ماه مبارک رمضان است. (۹)

تنها خداست که می تواند از پی شب، روز (۱۰) و از پی روز، شب را بیاورد. (۱۱) شب و روز مسخر خداست (۱۲) و برای اندیشمندان (۱۳) و پرهیزکاران نشانه ای است. (۱۴) امر خداوند در شب و روز جاری است. (۱۵) شب و روز نزد خداوند یکسان است و هیچ امری از نگاه خدایی، پنهان نیست. (۱۶)

۱- انبیاء: ۳۳.

۲- فصلت: ۳۷ و جاثیه: ۵.

۳- حج: ۶۱؛ آل عمران: ۲۷؛ لقمان: ۲۹؛ فاطر: ۱۳ و حدید: ۶.

۴- اسراء: ۱۲.

۵- زمر: ۵.

۶- یس: ۳۷.

۷- یس: ۴۰.

۸- اعراف: ۱۸۷.

۹- اعراف: ۱۸۷.

۱۰- قصص: ۷۱.

۱۱- قصص: ۷۲.

۱۲- ابراهیم: ۳۳.

۱۳- نحل: ۱۲؛ اعراف: ۱۶۴ و آل عمران: ۱۹۰.

۱۴- یونس: ۶.

۱۵- یونس: ۲۴.

۱۶- رعد: ۱۰.

دگرگونی شب و روز از سوی خداوند (۱) و برای صاحبان بینایی، شگفتی و پند و اندرز است. (۲) پیاپی قرار گرفتن شب و روز برای یادآوری خداوند است (۳) و فرشتگانش از تسبیح شبانه روز او خسته نمی شوند. (۴)

پوشیده شدن شب به روز (۵) نشانه ای برای اندیشمندان است. (۶) شب، پوشش (۷) و خواب شبانه از آیات خداوند (۸) و مایه استراحت است. (۹) آسایش و آرامش شبانه (۱۰) از سوی خداوند (۱۱) و نشانه رحمت او (۱۲) و مرگ ناهمیشه و گذرا است. (۱۳) خداوند از بندگانش شبانه روز نگرهبانی می کند. (۱۴)

و نیز انفاق شبانه (۱۵)، دعوت شبانه روزی حضرت نوح (ع) (۱۶)، دستور سیر شبانه به حضرت لوط (ع) (۱۷)، دستور سیر شبانه به حضرت موسی (ع) (۱۸) و چله نشینی آن حضرت، (۱۹) سیر و عروج شبانه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به آسمان (۲۰)

۱- مؤمنون: ۸۰.

۲- نور: ۴۴.

۳- فرقان: ۶۲.

۴- انبیاء: ۲۰ و فصلت: ۳۸.

۵- اعراف: ۵۴۹.

۶- رعد: ۳.

۷- نبأ: ۱۰ و نازعات: ۲۹.

۸- روم: ۲۳.

۹- فرقان: ۴۷.

۱۰- انعام: ۹۶.

۱۱- انعام: ۱۳؛ نمل: ۸۶ و غافر: ۶۱.

۱۲- قصص: ۷۳.

۱۳- انعام: ۶۰.

۱۴- انبیاء: ۴۲.

۱۵- اعراف: ۲۷۴.

۱۶- نوح: ۵.

۱۷- هود: ۸۱ و حجر: ۶۵.

۱۸- دخان: ۲۳.

۱۹- اعراف: ۱۴۲.

۲۰- اسراء: ۱.

و نزول شبانه قرآن کریم، هم چنین دستور به پیامبر صلی الله علیه و آله برای داشتن تسبیح شبانه، به منظور تسکین یافتن از گفتار و رفتار طعنه آمیز جاهلان و رسیدن به مقام رضایت (۱) از جمله آیات همگون با موضوع شب و نشانگر ارج و ارزش این گاه قدس آمیز است.

ارج و ارزش شب

اشاره

براساس رازگویی و بازگشایی قرآن کریم، بخش ارجمندی از بخشش ها و دهش های معنوی به انسان، در شب نمود و نمایش داشته است:

چله نشینی حضرت موسی (ع)

وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اتَّمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً. (اعراف: ۱۴۲)

و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم، به این ترتیب، میعاد پروردگار (با او) چهل شب تمام شد.

وَ اِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً. (بقره: ۵۱)

و (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم، (و او، برای گرفتن فرمان های الهی، به میعادگاه آمد).

عروج شبانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به آسمان

سُبْحَانَ الَّذِي اَنْشَرِنَا مِنْ بَعْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (اسراء: ۱)

پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجدالحرام به مسجدالاقصی _ که گرداگردش را پر برکت ساخته ایم _ برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم، چرا که او شنوا و بیناست.

نزول شبانه قرآن کریم

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ. سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ. (قدر: ۱ - ۳)

ما آن [=قرآن] را در شب قدر نازل کردیم و تو چه می دانی شب قدر چیست؟! شب قدر بهتر از هزار ماه است. فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند. شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ. (دخان: ۳)

ما آن (قرآن) را در شبی پر برکت نازل کردیم.

«گرچه انسان در روز هم در محضر خداست، ولی فیض شب، بهره خاصی است که نصیب انسان می شود. حضور و توجه و تمرکز انسان در شب زیاد است و همین سبب قوت و ازدیاد فیض می شود».^(۱)

و هر که آماده تر و توحشش بیش تر و به توحید نزدیک تر باشد، بهره جویی اش از دهش های شبانه آسمانی افزون تر خواهد بود.

عاشقی را که چنین باده شبگیر دهند

کافر عشق بود، گر نشود باده پرست^(۲)

فصل دوم: بررسی واژگانی و مفهومی سحر

اشاره

فصل دوم: بررسی واژگانی و مفهومی سحر

زیر فصل ها

سحر نزد اهل لغت

سحر نزد اهل عرفان و تصوف

سحر در قرآن کریم

سحر نزد اهل لغت

سحر نزد اهل لغت

سحر به فتح سین و راء چند معنی دارد:

۱. نشانه پشت ریش شتر و بالای سینه آن؛

۲. از حد گذر کردن، «انتفخ سحره» و هم چنین «انتفخ مساحره»، یعنی از حدّ مرتبه خود تجاوز کرد؛

۱- نک: قرآن در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱.

۲- حافظ.

۳. زمان پیش از صبح و سپیدی که [درافق] بالای سیاهی ظاهر می شود؛

۴. برخی نیز یک ششم باقی مانده از شب را سحر گویند؛

در زبان عرب به مجاز، طعام چاشت و شام را سحوری گویند.

سحر به یاد تو خون جگر خورم تا صبح

که روزه دارم و سنت بود سحر خوردن (۱)

سحور و اسحار جمع سحراند. (۲)

سحری، با یای نسبت، پیشک از صبح را گویند. (۳)

به صبح کاذب، سحره گفته می شود. (۴)

سحر یعنی پاره ای از شب، (۵) پایانه شب (۶)، سپیده دم، پگاه (۷)، ابتدای تنفس صبح، کرانه شب که برابر صبح قرار گرفته است، یک سوم از آخر شب که به طلوع فجر باقی مانده است (۸).

«و الثلث الأخير من الليل كله سحر» (۹) یک سوم پایان شب، تمامش سحر است.

برخی نیز گفته اند:

به نهایت دشت پهناوری که ارتفاع آن زیاد باشد، سحر گفته می شود و سحر هر چیز، نهایت آن است و چون آخر شب، پایانه قسم نهایی آن به

۱- باقر کاشی.

۲- نک: فرهنگ جامع فارسی، محمد پادشاه متخلص به شاد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۳- فرهنگ جامع فارسی، محمد پادشاه متخلص به شاد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۴- فرهنگ جامع فارسی، محمد پادشاه متخلص به شاد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۵- الازهری: السحر قطعه من الليل. نک: لسان العرب.

۶- کتاب العین: السحر آخر الليل.

۷- فرهنگ عمید.

۸- لسان العرب: السحر اول تنفس الصبح؛ السحر و السحر آخر الليل قبيل الصبح؛ قيل: هو من ثلث الآخر الى طلوع الفجر.

شمار می رود _ و ارتفاع ویژه ای بر دیگر ساعات شبانه روز دارد _ به سحر تشبیه شده است. (۱)

سحر نزد اهل عرفان و تصوّف

سحر نزد اهل عرفان و تصوّف

سحر، آخر شب است و مراد از آن پایان عدم از روی نیستی نسبت به شب _ است، _ و چون آغاز صبح می باشد، ابتدای عشق و نیز «زمان تجلیات فیوضات غیبی» را گویند. (۲)

«تألّوء انوار حق، و نیز مقام راز و نیاز عبد را سحر گویند.» (۳)

«هنگام راز و نیاز و نزد محی الدین عربی: هنگام تجلی نور در زمان طلوع انوار الهی را گویند.» (۴)

گروهی از مفسران نیز بر این باورند که «واژه سحر بر وزن بشر در اصل به معنی «پوشیده و پنهان بودن» است و چون در ساعات آخر شب، پوشیدگی خاصی بر همه چیز حکومت می کند، نام آن سحر گذاشته شده است.

عرب به ریه و شش نیز گاهی سحر بر وزن بشر می گوید و این به خاطر پوشیده بودن درون آن است.

لغت سحر بر وزن شجر نیز از همین ماده است؛ زیرا شخص ساحر دست به کارهایی می زند که اسرار آن از دیگران پوشیده و پنهان است.» (۵)

۱- لسان العرب: السحر اول تنفس الصبح؛ السحر و السحر آخر الليل قبيل الصبح؛ قيل: اسحار الفلأه اطرافها؛ و سحر كل شئی ء طرفه؛ شبه بالأسحار اللیالی و هی اطراف مأخرها.

۲- فرهنگ عرفانی محی الدین ابن عربی، ترجمه و تألیف قاسم میرآخوری و حیدر شجاعی، ص ۱۰۰.

۳- فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سید جعفر سجادی، ص ۴۶۰.

۴- اشارات فرهنگ اصطلاحات صوفیه، حیدر شجاعی، ص ۱۳۴ و فرهنگ عرفانی محی الدین ابن عربی، پیشین.

۵- همان و تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۷، آل عمران.

باور یاد شده با این حالت که شخص، در تاریکی، پوشیده از نگاه‌های برهم شده و پنهان از گوش‌های به خواب رفته، آرام و آهسته زمزمه می‌کند، همگون است و نیز با این گاه ویژه و ارج و ارزش آنکه در دامان خویش رازها و نعمت‌های گسترده و فراوانی را نهفته دارد، هم خوان می‌باشد.

سحر در قرآن کریم

سحر در قرآن کریم

واژه سحر با کلماتی که از آن گرفته و گفته شده تنها سه بار در قرآن کریم آمده است. یک بار به صورت مفرد و دو بار به صورت جمع:

۱. «نَجِّنَاهُمْ بِسَحْرِ؛ آنان (لوط و اهل و آلش) را گاه سحر نجات بخشیدیم». (قمر: ۳۴)

۲. «... الْمُسْتَعْفِرِينَ بِالسَّحَرِ؛ (پرهیزکاران) آمرزش طلبان در سحراند». (آل عمران: ۱۷)

۳. «... وَ بِالسَّحَرِ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ؛ و آنان (پرهیزکاران) سحرگاهان آمرزش می‌طلبند». (ذاریات: ۱۸)

سحرخیزی در قرآن کریم

سحرخیزی در قرآن کریم

آیات قرآن کریم در موضوع سحر و سحرخیزی، فراخوانی است که گاه از برتری وقت سحر و شکوه سحرخیزی و نشانه‌ها و یادگارها و نکات باریک و حقیقت‌های آن به گونه آشکار و بی‌پرده یاد کرده و همه را به شب خیزی فراخوانده و نیز در آیاتی با اشاره به سحرخیزی پیروان دیگر ادیان، آن را فضیلتی آسمانی و فراشری دانسته است. و ما با بهره‌جویی از تفسیرهای روایی به هر دو دسته این آیات اشاره خواهیم کرد:

۱. يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ، قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا. (مزمل: ۱ و ۲)

ای جامه به خود پیچیده، شب را، جز اندکی بپاخیز، نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.

۲. إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً. (مزمل: ۶)

به یقین، نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و گفتاری ماندگارتر است.

مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی با سندهای معتبر به نقل هشام بن سالم از امام صادق (ع) روایت کرده اند که مقصود از این آیه، سحرخیزی کسی است که قصد او از آن جز الله عزوجل نیست. (۱)

مرحوم طبرسی می گوید: مقصود از «ناشئَةَ اللَّيْلِ» ساعات شبانه است که پی در پی پدید می آیند. از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل است که مقصود از این آیه، سحرخیزی برای نماز شب است. (۲) و نماز شب «أَشَدُّ وَطْأً» بسیار عمل سنگین و پُرمشقت است؛ زیرا شب، زمان استراحت است و عمل عبادی در آن زحمت دارد.

سپس می گوید: برخی نیز «وَطْأً» را «وِطْأً» به کسر واو و با مدّ خوانده اند. بنابراین، قرائت «أَشَدُّ وَطْأً» یعنی بین گوش و چشم، موافقت است و دل و زبان و گوش نماز گزار برای فهمیدن و اندیشیدن، هماهنگ است؛ زیرا قلب انسان در دل شب به چیزی از امور دنیا، اشتغال ندارد و نماز شب، سخن استواری است. از امام صادق (ع) ذیل این آیه نیز روایت است که مقصود سحرخیزی کسی است که جز الله تعالی را نمی خواهد. (۳)

۱- «قیام الرجل عن فراشه یزید به الله عزوجل و لایزید به غیره.» وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۳۹ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه و میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۸.

۲- «هی القیام فی آخر اللیل الی صلاه اللیل.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۷.

۳- «هو قیام الرجل عن فراشه لایزید به الا الله تعالی.» مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

پس عبادتی در دل شب پابرجاتر و پایدارتر است که هدف از آن خود الله جل و علا باشد.

حضرت آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید:

«معنای آیه شریفه (ان ناشئه اللیل...) این است که تو در روز کارهای فراوانی داری، ولی شب هنگام، مزاحمی نداری و کسب پایگاه محکم و سخن مستحکم تنها در سحر میسر است.»^(۱)

۳. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا. (اسراء: ۷۹)

و پاسی از شب را برای برپایی نافله شب (افزون بر دیگر واجبات، از خواب) برخیز؛ امید است که پروردگارت تو را به مقام محمود رساند.

واژه تهجد هم خانواده هجود است. هجود به معنی خواب است. و تهجد (از باب تفعّل) بنا بر نظر بسیاری از اهل لغت به معنای بیداری پس از خواب^(۲) برای عبادت و اقامه نماز است. کلمه «نافله» نیز از ماده «نفل» به معنای زیادی می باشد.^(۳)

پس متهجد کسی است که از خواب شبانه برای بپاداشتن نماز شب که افزون بر نمازهای واجب است برخیزد.

همه مفسران بر این باورند که این آیه درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است: ای محمد برای برپایی نماز شب که زیادی بر واجبات بر تو واجب است پاسی از شب را بیدار

۱- مراحل اخلاق در قرآن، فصل هفتم، ص.

۲- تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۴۱.

۳- تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۴۱.

باش. (۱) از امام صادق (ع) نیز روایت است که نماز شب بر رسول خدا صلی الله علیه و آله واجب بود. (۲)

درباره مقام محمود در یکی از بخش های آتی سخن خواهیم گفت.

۴.... الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ؛ (پرهیزکاران) آمرزش طلبان در سحرگاه. (آل عمران: ۱۷)

۵. كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ و آنان (پرهیزکاران) کمی از شب را به خواب می روند و سحرگاهان آمرزش می طلبند. (ذاریات: ۸)

لازمه استغفار سحری، بیداری در پایان شب است و سنت مطهر از آن به نماز شب و استغفار در قنوت نماز وتر تفسیر می کند. (۳) در برخی از روایت های دینی آمده است که مقصود از استغفارکنندگان در دو آیه یادشده، همان نمازگزاران گاه سحراند. (۴) نیز از امام رضا (ع) نقل است که پیامبر صلی الله علیه و آله در قنوت نماز وتر، هفتاد مرتبه استغفار می کرد. (۵) مقصود از پوزش طلبان در آیه هجده سوره ذاریات، کسانی اند که در پایان شب، هفتاد مرتبه در قنوت نماز وتر استغفار کرده و از خداوند پوزش می طلبند. (۶) از امام صادق (ع) روایت است که: هر کس در گاه سحر استغفار کند از اهل این آیه به شمار می آید. (۷)

۱- تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۴۱.

۲- تهذیب، ج ۲، ص ۲۴۲، ط نجف، ح ۹۵۹.

۳- عُدَّة الدَّاعِي وَ نَجَاح السَّاعِي، احمد بن فهد الجَلِّي، صححه و علق احمد الموحدي القمي، ص ۲۵۱.

۴- «المصلين وقت السحر». میزان الحکمه، ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹، ح ۱۴۸۰۶ و مجمع البیان، ط تهران، ۱۳۷۳، ج ۲.

۵- وسائل الشیعه، ج ۴، ح ۹ و ۷، باب ۱۰ از ابواب قنوت.

۶- «كانوا يستغفرون في الوتر سبعين مرّة في السحر». همان و میزان الحکمه، پیشین، ح ۱۴۸۰۷.

۷- «ان من استغفر في وقت السحر فهو من اهل هذه الآية». میزان الحکمه، پیشین، ح ۱۴۸۰۸.

از اهل بیت (ع) روایت است که:

آگاه باشید، درودهای خداوند شامل حال اهل سحر و پوزش طلبان سحری است. (۱)

رسول خدا می فرماید: همانا خدای تعالی صدای کسانی را که سحر گاهان استغفار می کنند دوست می دارد. (۲)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است که: سه گروه از (وسوسه های) ابلیس و لشکریانش، پاک (و در امان) اند: ۱. آنان که خداوند را یاد می کنند؛ ۲. کسانی که از بیم (عذاب) خدا، گریه دارند؛ ۳. گروهی که سحر گاهان استغفار می کنند. (۳)

امام صادق (ع) می فرماید: هر گاه بنده (در روز) گناهی انجام دهد تا شب او را مهلت دهند، پس اگر استغفار کند بر او نویسد. (۴)

و باز از امام صادق (ع) نقل است که: هر کس کار بدی مرتکب شود تا هفت ساعت از روز او را مهلت دهند، پس اگر سه بار بگوید: «استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم» چیزی بر او ننویسد. (۵)

۶. پهلوهایشان دل شب از بستر خواب دور می شود و با بیم و امید پروردگارشان را می خوانند و از آنچه به آنان داده ایم انفاق می کنند. و هیچ کس نمی داند چه پاداش های مهمی که مایه روشنی چشم هاست برای آن ها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می دادند. (سجده: ۱۶ و ۱۷)

۱- «ألا صلوات الله على المتسحرين و المستغرين بالأسحار.» نك: عُدَّة الدَّاعِي و نَجَاح السَّاعِي، پیشین، ص ۲۵۱.

۲- «ان الله يحب صوت الذين يستغفرون بالأسحار.» میزان الحکمه، پیشین، ح ۱۴۸۱۰.

۳- «ثلاثه معصومون من ابليس و جنوده: الذکرون لله، و الباکون من خشیه الله، و المستغفرون بالأسحار.» میزان الحکمه، پیشین، ح ۱۴۸۱۲.

۴- «ان العبد اذا اذنب ذنبا أجّل من غدوه الى الليل فان استغفر الله لم يكتب عليه.» میزان الحکمه، پیشین، ح ۱۴۸۱۸.

۵- «من عمل سيئه أجّل فيها سبع ساعات من النهار فان قال: استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم ثلاث مرّات _ لم تكتب عليه.» میزان الحکمه، پیشین، ح ۱۴۸۱۹.

از امام باقر و امام صادق (ع) روایت است که: مقصود از تهی کنندگان پهلو در آیه یادشده، همان کسانی اند که برای خواندن نماز شب از رخت خواب خود برمی خیزند. (۱)

۷. اَمَّنْ هُوَ قَانَتْ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ. (زمر: ۹)

(آیا آنکه در گرفتاری، خدایش را می خواند و در ناز و نعمت او را فراموش می کند با ارزش تر است) یا کسی که در ساعات شبانه به عبادت می پردازد و در حال سجده و قیام از عذاب خداوند می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟

از امام باقر (ع) روایت است که مقصود از این آیه، نماز شب است. (۲)

۸. فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ... مِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ... لَعَلَّكَ تَرْضَى. (طه: ۱۳۰)

پس در برابر آنچه می گویند صبر کن،... و برخی از ساعات شب (پروردگارت) را تسبیح گو، باشد که (از الطاف الهی) خوشنود شوی.

۹. وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ؛ وَ چون از خواب بر می خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گو. (طور: ۴۸)

برخی از مفسران، تسبیح و حمد در این آیه را همان نماز شب دانسته اند. (۳)

۱۰. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبَارَ النُّجُومِ؛ پاسی از شب و به گاه پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح) او (پروردگارت) را تسبیح گو. (طور: ۴۹)

۱- مجمع البیان، پیشین، ج ۸، ص ۳۳۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۷ از ابواب اعداد فرائض و نوافلها، ح ۷.

۳- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۳.

صاحب تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه، مقصود از آن را نماز شب دانسته است. از امام باقر (ع) نیز نقل شده است که از «إِذَا بَارَأَ النَّجْمُ» دو رکعت نماز، پیش از صبح، مقصود است. (۱)

۱۱. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِذَا بَارَأَ السُّجُودِ؛ پاسی از شب و پس از سجده ها او (پروردگارت) را تسبیح گو. (ق: ۴۰)

از امام صادق روایت است که مقصود از این آیه، نماز وتر است که در آخر شب قرار دارد. (۲)

۱۲. «وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْبِحْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا؛ پاسی از شب را بر او سجده کن و مقداری طولانی از شب او را تسبیح گو. (دهر: ۲۶)

امام رضا (ع) می فرماید: تسبیح در این آیه، همان نماز شب است. (۳)

۱۳. «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ... وَالَّذِينَ يَبْتُغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا؛ و بندگان خدای مهربان... کسانی اند که شب هنگام برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند». (فرقان: ۶۳ و ۶۴)

سجده و قیام در شب از ویژگی های عباد الرحمن است و مقصود از بیتوته و سجده و قیام شبانه همان نماز شب است و این ویژگی اختصاصی بدان خاطر است که اطاعت شبانه سخت تر و پسندیده تر و از روی و ریا دورتر است.

ابن عباس می گوید: هر کس در دل شب دو رکعت یا بیش تر نماز بگذارد از عباد الرحمن به شمار می آید. (۴)

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۳.

۲- «انه الوتر من آخر الليل». مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۵۰.

۳- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۳ و میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۹.

۴- «کل من صلی فی اللیل رکعتین او اکثر فهو من هؤلاء». صلاه اللیل، ص ۲۹.

امام صادق (ع) درباره آیه «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»؛ [\(۱\)](#) همانا نیکی ها بدی ها را از میان می برد». فرمود: نماز شب مؤمن، گناه روز او را از بین می برد. [\(۲\)](#)

۱۴. لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ. (آل عمران: ۱۱۳)

آنان مساوی نیستند؛ از اهل کتاب گروهی هستند که قیام می کنند و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می خوانند؛ در حالی که سجده می کنند.

مقصود از اهل کتاب کسانی اند که به رهنمونی اسلام، ره یافتند و شبانه به گاه تهجد، کتاب خدا را تلاوت می کنند و به سجده می روند؛ یعنی به نماز شب می ایستند. [\(۳\)](#)

ولی وجه تعبیر سجود از نماز شب این است که سجده با شکوه ترین رکن در فروتنی و رساترین حالت نماز گزار در ستایش خداست. امام صادق (ع) می فرماید: نزدیک ترین حالات بنده به پروردگار، گاهی است که او در سجده می گیرد. [\(۴\)](#)

مرحوم طبرسی می گوید: این آیه خود بیانگر آن است که نماز شب نزد خداوند چه عظمتی دارد. [\(۵\)](#)

۱۵. وَ رُحْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كُتِبَ لَهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ. (حدید: ۲۷)

۱- هود: ۱۱۴.

۲- «صلوه الليل تذهب بذنوب النهار»، وسائل الشیعه، ح ۴. «صلوه المؤمن بالليل تذهب بما عمل من ذنب بالنهار»: میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۱، ح ۱۰۴۶۲.

۳- تفسیر اثنی عشری، ج ۲، ص ۲۱۶.

۴- «اقرّب ما یكون العبد من الرّب و هو ساجد یبکی». عُدّه الدّاعی و نجاح السّاعی، پیشین، ص ۱۶۱.

۵- مجمع البیان، ج ۲، تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۰۹.

رهبانیتی را که (پیروان مسیح) ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته ایم گرچه هدف شان جلب رضایت خداوند بود. مقصود از رهبانیت در این آیه، نماز شب است، چنان که از ابی الحسن (ع) روایت شده است. (۱) و بنا بر اجماع مفسران، رهبان صیغه مبالغه از رهب و به معنی کمال خشیت و انقطاع در عبادت و تنها برای به دست آوردن رضایت خدایی است. (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۳۹ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه، ح ۹.

۲- صلاه اللیل، ص ۲۸.

بخش دوم: بُراق، سیر

اشاره

بخش دوم: بُراق، سیر (۱)

در این بخش از سخنان عترت و آل رسول (ع) یاری جسته و آن را در پنج بخش تنظیم کرده ام:

در فصل نخست از فضیلت و شکوه و عظمت و ارزش سحرخیزی یاد کرده ام.

در فصل دوم به بایستگی سحرخیزی و اهتمام و مداومت بر آن اشاره داشته ام.

در فصل سوم، از شرافت گاهِ سحر و برتری آن بر همه اوقات به عنوان ناب ترین لحظه نوشته ام.

در فصل چهارم از نشانه های وضعی گفتار و کردار انسان، و ذیل عنوان آثار سحرخیزی از پاداش بی کران، ضمانت رزق و

چهره زیبا، ضمانت روزی معنوی، لذت و بهجت نماز شب و پاداش پس از مرگ نگاشته ام.

۱- * نام مرکبی که حضرت رسول در شب معراج بر آن سوار شد. آن در روایات اسلامی، به هیکل اسب بالدار که رویش مانند روی انسان و سم هایش هم چون شُم گاو بوده و به سرعت برق [نور] حرکت می کرده [است] به معنی اسب تندرو نیز گفته اند. نک: فرهنگ عمید.

در فصل پنجم به اختصار، ارزشمندترین اثر سحرخیزی و نماز شب، یعنی مقام محمود، مقام رضایت و مقام دریافت های ناب را شرح داده ام.

گفتم خوشا هوایی کز باد صبح خیزد

گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید(۱)

فصل اول: شکوه و ارزش سحرخیزی

فصل اول: شکوه و ارزش سحرخیزی

هرچند در ذیل آیات یاد شده به روایاتی متناسب با آن ها نیز اشاره شده است، ولی در این بخش به برخی از احادیثی (که روایات در این باب، مُتَّظَا فِرَاسْت(۲) و به حد تواتر می رسد(۳) و) جداگانه و آزاد در سُکُوه و فضیلت و اهمیت و ارزش و آثار و نتایج سحر و سحرخیزی وارد و در اهتمام به آن سفارش شده است می پردازیم و لحظه هایی میهمان سفره کلام اهل بیت (ع) می شویم و به قدر استعداد جانمان از آن لقمه برمی گیریم:

نماز شب از جمله نمازهای نافله است که بر آن اصرار و ابرام شده است و همواره بر تارک تمام مستحبات می درخشد.

چند اندرز و سفارش از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله :

۱. فضیلت نافله شب بر نافله روز، مثال برتری انفاق پنهانی بر انفاق آشکار است.(۴)

۱- حافظ.

۲- نک: مفتاح الفلاح، ص ۳۵۵.

۳- حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، اسرار الصلوه، ص ۴۵۶.

۴- نک: کنز العمال، ج ۷، ص ۷۸۸، ح ۲۱۴۱۱.

۲. با فضیلت ترین نمازهای مستحب، نماز شب است و چه اندک است برپا دارنده آن. (۱)
۳. دو رکعت نمازی که بنده خدا در پایان دل شب به جا می آورد، برای او از دنیا و آنچه در آن است نیکوتر و سودمندتر است و اگر سخت گیر می بودم، هر آینه نماز شب را بر اتمم واجب می کردم. (۲)
۴. دو رکعت نماز در دل شب را از دنیا و هر چه در آن است، بیش تر دوست می دارم. (۳)
۵. بهترین و بابرکت ترین وقتی که بتوانید خداوند را بخوانید، اوقات سحری است. یعقوب (ع) که به فرزندانش گفته بود: «به زودی از پروردگارم برای تان استغفار می طلبم» (۴)، درخواست آنان را تا سحر وانهاد. (۵)
۶. بر شما باد به سحرخیزی؛ زیرا این عمل دأب صالحان پیش از شما بوده است، در حقیقت، سحرخیزی نزدیک شدن به خداوند و دور بودن از گناه است. (۶)
۷. فرد نباید بخوابد در حالی که نماز وتر بر اوست. (۷)

- ۱- کنز العمال، ج ۷، ص ۷۸۰، ش ۲۱۳۷۹.
- ۲- «رکعتان یرکعهما العبد فی جوف اللیل الأخریر خیر له من الدنیا و ما فیها و لولا انی اشد علی امتی لفرضتها علیها.» مجمع البیان، ج ۲، تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۰۹.
- ۳- «الرکعتان فی جوف اللیل احب الی من الدنیا و ما فیها.» علل الشرایع، ص ۱۳۸.
- ۴- «قال سوف استغفر لکم ربی.» یوسف: ۹۸.
- ۵- «قال رسول الله صلی الله علیه و آله : خیر وقت دعوتم الله عزوجل فیہ الأسحار و تلا هذه الآیه فی قول یعقوب (ع): سوف استغفر لکم ربی. قال صلی الله علیه و آله : اخرهم الی السحر.» کافی، ج ۲، ص ۳۴۶، ح ۶ و میزان الحکمه، ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹، ح ۱۴۸۱۴. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که: خواسته شان را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت: «آخرهم الی السحر لیله الجمعه.» نک: میزان الحکمه، ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹، ح ۱۴۸۱۵.
- ۶- «علیکم بقیام اللیل فانه دأب الصالحین قبلکم، و ان قیام اللیل قربه الی الله و منهاه عن الأثم.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۰، ح ۱۰۴۵۷.
- ۷- «لا یبیتن الرجل و علیه وتر.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۰، ح ۳.

امام باقر (ع) می فرماید: هر کس خدا و روز واپسین را باور دارد، شب را خواب یا بیدار به صبح نمی رساند جز آن که نماز وتر را بخواند. (۱)

از یکی از صالحان نقل است که: شبی، از نماز شب باز ماندم، در خواب شنیدم که هاتفی فریاد کرد:

آیا بندگان حق تعالی به خوابند؛ در حالی که جنت رضوان در میان آنان قسمت می شود؟ پس هر که افزون بخواهد شب را با خواب، کوتاه نکند و به خردی از بهشت، رضا ندهد. (۲)

از امام صادق (ع) روایت است که: سحرخیزی را از دست مده؛ چه، مغبون (فریب خورده و زیان دیده) کسی است که از آن بازمانده محروم شود. (۳)

۸. جبرئیل پیوسته مرا به شب زنده داری سفارش می کرد؛ چونان که من گمان بردم بهترین های امت شب را جز اندکی نمی خوابند. (۴)

امام صادق (ع) می فرماید: جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، آن حضرت فرمود: ای جبرئیل، مرا موعظه کن، جبرئیل عرض کرد:

ای محمد هر گونه که می خواهی زندگی کن، ولی بدان که می میری؛ هر گونه که می خواهی دوست بدار، ولی بدان پایان آن جدایی است و هر گونه که می خواهی عمل کن، ولی بدان برای کردارهایت جزایی است، ولی بدان و به خاطر بسپار که شرف هر کس به سحرخیزی و بی نیازی او از

۱- «من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يبيتن الا بوتر». التهذيب، ج ۲، ص ۳۴۱، ح ۱۴۲۱؛ علل الشرايع، ج ۲، باب ۲۶، ح ۲۶.

۲- ارشادالقلوب، ج ۲، باب ۲۲، ص ۲۱ و ۲۲.

۳- «لاتدع قيام الليل فان المغبون من حرم قيام الليل». وسائل الشيعه، ج ۵، باب ۴۰ از ابواب بقيه الصلوات المندوبه، ح ۲ و ميزان الحكمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۳.

۴- «ما زال جبرئيل يوصيني بقيام الليل حتى ظننت ان خيار امتي لن يناموا من الليل الا قليلا». ميزان الحكمه، پيشين، ح ۱۰۴۳۷.

مردم است. (۱)

۹. سه چیز، فخر مؤمن و زیور او در دنیا و آخرت است: اقامه نماز در پایان شب؛ ناامیدی از آنچه در دست مردم است و پذیرش ولایت امام از آل محمد صلی الله علیه و آله. (۲)

۱۰. شرف مؤمن، نماز شب و عزت او خودداری از تعرض به آبرو (و آزار رساندن به (۳))، مردم است. (۴)

امام صادق (ع) می فرماید:

خدای عزوجل فرمود: «مال و فرزندان، زینت زندگی دنیا هستند»، (اما) بی گمان هشت رکعت نمازی که بنده در پایان شب به جا می آورد زینت آخرت است. (۵)

۱۱. جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت در خطبه ای پس از سفارش اکید به نمازهای واجب روزانه و اثر مداومت بر آن در پاک شدن انسان از گناهان فرمود:

ای مردم، این چنین نیست که دست و پای شما آزاد باشد. هیچ بنده ای نیست جز آن که ریسمانی چند بر _ اعضای _ او گره خورده و محکم بسته است و آزاد نیست، [هر علاقه ای که

۱- «یا محمد عش ما شئت فانک میت و احب ما شئت فانک مفارقه و اعلم ما شئت فانک ملاقیه، واعلم ان شرف المؤمن صلوه باللیل و عزّه استغنائه عن الناس.» من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۸۴، ۴۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۸۴، ۱۳۶۸؛ امالی صدوق، ۲۴؛ وسائل الشیعه، ح ۲۷ و ۳۳.

۲- «ثلاثه هن فخر المؤمن و زینه فی الدنیا و الآخره، الصلوه فی آخر اللیل و یأسه مما فی یدئ الناس و ولایه الأمام من آل محمد علیهم السلام.» بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۴۰ و روضه الکافی، ح ۳۱۱.

۳- وسائل الشیعه، پیشین، ح ۲ و ۷ و ۱۸.

۴- «شرف المؤمن صلواته باللیل و عز المؤمن کفه عن اعراض الناس.» وسائل الشیعه، پیشین، ح ۲ و ۷ و ۱۸. و میزان الحکمه، ح ۱۰۴۳۹.

۵- «ان الله عزوجل قال «الجمال والبنون زینه الحیاه الدنیا» ان الثمانی رکعات یصلیها العبد آخر اللیل زینه الآخره.» میزان الحکمه، ح ۱۰۴۴۲.

انسان به غیر خدا پیدا می کند گره ای است که بر خویشتن خویش می زند و حزام (۱) تنگ اسب است. [هر شب در ثلث آخر شب فرشته ای به بالین انسان می آید و می گوید: برخیز به یاد خدا باش که [وقت] نماز شب [و صبح] نزدیک است، پس اگر از جای خود حرکت کرده برخیزد و خدا را یاد کند یک گره از گره ها باز می شود و اگر به پا خیزد و وضو بگیرد و به نماز بایستد همه گره ها گشوده می شود تا این که با چشمی شاد و روشن پای به عرصه صبح می نهد. (۲)

۱۲. هر که (در راه سفر از خطر) بترسد، تمام شب را در حرکت خواهد بود و آنکه همه شب را پیش رود به منزل می رسد. آگاه باشید که کالای تجارتی خداوند گران بها، خوش بو و آرام بخش دل هاست؛ آگاه باشید که کالای تجارتی او بهشت است. (۳)

اگر شب کاروان در ره شتابد

سحر سرمنزل مقصود یابد

گویند کسی از مردان خدا با همراهانش در یکی از منزل های میان راه مکه و نزدیک به منی، اتراق کرده بود، چون پاسی از شب گذشت برای نماز سحری از خواب برخاست، دید همه خوابند، آنان را آواز داد: ای راهگذران که برای آسودن کوتاه، درنگ کرده و دم گرفته اید، آیا بر آنید که

۱- «حزام چیزی را گویند که محکم به کمر می بندند؛ حازم فردی را گویند که با احتیاط مثل کسی که کمرش را بسته است حرکت می کند؛ حزم یعنی انسان محکم خود را ببندد و نلرزد و از هر آسیبی در اثر این محکم بستن مصون بماند.» نک: اسرار عبادات، عبد الله جوادی، ص ۳۰۰.

۲- نک: حکمت عبادات، عبد الله جوادی آملی، ص ۱۱۶ و اسرار عبادات، برگرفته از: امالی شیخ مفید، ص ۲۰۹، مجلس ۲۳، ح ۱۶.

۳- «من خاف ادلج و من ادلج بلغ المنزل ألا ان سلعه الله غاليه ألا ان سلعه الله الجنه.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۳، ح ۸۹۶۳.

همه شب را در خواب بمانید؟ پس چگونه کوچ می کنید و از این منزل می گذرید؟

تا شب نروی روز به جایی نرسی

از بانگ او همه از خواب بیدار شدند، وضو گرفته در دامن سحر به نماز ایستادند و بر رحمت خدایی دست رساندند.

و چون سپیده سر بر آورد گفت: «عِنْدَ الصُّبْحِ يُحْمَدُ الْقَوْمَ السَّرِيَّ» صبح هنگام، شیروان ستایش می شوند. (۱)

امام حسن عسگری (ع) می فرماید:

إِنَّ الْوَصَلَ إِلَى اللَّهِ سَفَرٌ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِإِمْتِطَاءِ اللَّيْلِ، مَنْ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يُمْنَعْ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يُعْطَى. (۲)

سیر الی الله و وصول به خدای سبحان سفری است که مرکوب راهوار آن، شب زنده داری است، برای کسی که مشتاق لقای حق است بهترین وسیله، شب زنده داری است. (۳)

۱۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی (ع) وصیت فرمود که: یا علی، چند چیز را به تو سفارش می کنم، آن ها را از من به خاطر بسپار. سپس فرمود: بار خدایا، علی را یاری رسان _ تا آنجا که فرمود: بر تو باد به نماز شب، بر تو باد به نماز شب، بر تو باد به نماز شب. (۴)

۱- نک: شب مردان خدا، سیدمحمد ضیاء آبادی، ص ۵۲ و ۵۳.

۲- بحار، ج ۷۵، ص ۳۷۹.

۳- نک: حکمت عبادات، ص ۱۱۶ و اسرار عبادات، ۳۰۰ برگرفته از: بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۹.

۴- «اوصیک فی نفسی بخصال فاحفظها ثم قال اللهم اعنه... و علیک بصلاه اللیل، علیک بصلاه اللیل، علیک بصلاه اللیل.»
الوافی، ج ۱۴، ص ۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۳۹ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه، ح ۱ و ج ۳، باب ۲۵ از ابواب اعداد فرائض و نوافلها، ح ۵.

و در برخی از نقل هاست که چهار بار تکرار فرمود. (۱)

۱۴. [یا علی،] سه شادمانی ویژه مؤمنان است: ۱. دیدار با برادران دینی؛ ۲. روزه دار را میهمان کردن؛ ۳. سحرخیزی. (۲)

امام علی (ع) این آموخته مکتب و تربیت یافته دامان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید:

۱. برترین عبادت، شب زنده داری برای ذکر خدای سبحان است. (۳)

۲. شب زنده داری بهشت و گلزار آرزومندان است. (۴)

۳. بیداری شبانه و شب زنده داری به خاطر ذکر و فرمان بری و بندگی خداوند، زمانی مناسب برای سعادت‌مندان و پاکیزگی و تخرمی (۵) و بهار دوستان خدا و گلستان افراد خوش بخت، (۶) نشان خودنگه داران و خوی و عادت آرزومندان (۷) و دوست ویژه ای برای عارفان و مؤدگان مقربان درگاه خداوند است. (۸)

از امام زین العابدین (ع) روایت است که: همانا بین شب و روز باغ و گلستانی است که نیکان در شکوفه های آن می گردند و خود نگهداران در آن بهره مندند. (۹)

۱- وسائل الشیعه، ح ۴۰، ۳۵، ۲۱، ۱۷ و ۱۰. میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۳۴.

۲- «یا علی، ثلاث فرحات للمؤمن: لقی الأخوان، و الأفطار من الصیام، و التهیّج من آخر اللیل.» همان؛ میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۳۴ و تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۱ - ۲۲۱.

۳- «افضل العباده سهر العیون بذكر الله سبحانه.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۳، ح ۸۹۶۰.

۴- «السهر روضه المشتاقین.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۳، ح ۸۹۵۱ بر گرفته از: غرر الحکم.

۵- «السهر العیون بذكر الله فرصه السعداء و نزهه الأولیاء.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۲، ح ۸۹۵۵.

۶- «سهر اللیل فی طاعه الله ربیع الأولیاء و روضه السعداء.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۲، ح ۸۹۵۶.

۷- «السهر اللیل شعار المتقین و شیمه المشتاقین.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۲، ح ۸۹۵۳.

۸- «سهر العیون بذكر الله خلصان العارفين و خلوان المقربین.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۲، ح ۸۹۵۴.

۹- «قال علی بن الحسین (ع): ان بین اللیل و النهار روضه یرتع فی نورها الابرار و یتنعم فی حدائقها المتقون.» ارشادالقلوب، دیلمی، باب بیست و یکم.

مقصود از باغ و گلستان، بین طلوعین و هنگامه سحراست.

۴. چشمانتان را (برای نماز شب بیدار کنید) و شکم هایتان را گرسنه نگاه دارید و از کالبدتان بستانید و به جان هایتان ببخشید. (۱)

۵. از (عذاب) خداوند چونان خردمندی بترسید که دل را به اندیشیدن مشغول داشته و هراس (از عقاب رنج آور) خدا، بدنش را فرا گرفته و شب زنده داری خواب را از چشمانش ربوده است. (۲)

۶. ای بندگان خدا، همانا تقوای خدایی، دوستان خدا را از انجام محرمات باز می دارد و قلب هایشان را از ترس خدا پُر می سازد، تا آن که شب های آنان با بی خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه داری سپری می گردد. (۳)

۷. همانا خدای عزوجل هر گاه بخواهد اهل زمین را به عذابی دچار کند، می فرماید: اگر نمی بودند کسانی که با جلالم دوستی دارند و مساجدم را آباد می سازند و سحرگاهان استغفار می طلبند، بی شک عذابم را فرو می فرستادم. (۴)

۸. سحرخیزی صحت بخش بدن و چنگ زدن به اخلاق پیامبران است و رضای پروردگار عالمیان را در پی دارد. (۵)

۱- «اسهروا عیونکم و اضمروا بطونکم و خذوا من اجسادکم تجودوا بها علی انفسکم.» میزان الحکمه، ح ۸۹۵۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴.

۴- «ان الله عزوجل اذا اراد ان یصیب اهل الأرض بعذاب قال: لولا الذین یتحابون بجلالی و یعمرون مساجدی و یتستغفرون بالأسحار لأنزلت عذابی.» میزان الحکمه، ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹، ح ۱۴۸۱۷.

۵- «قیام اللیل مصحّه للبدن و تمسک بأخلاق النبیین و رضی رب العالمین.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۱، ح ۱۰۴۵۹.

۹. «بَبَّهٖ بِمَالْتَفَكْرِ قَلْبِكَ، وَ جَافٍ عَنِ النَّوْمِ (۱) جَتِيكَ، وَ اتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ؛ با تفکر دلت را بیدار کن و شب هنگام برای نماز شب برخیز و از خدای خویش بهراس.» (۲)

إِنْتَبَهُ قَبْلَ السَّحْرِ يَا ذَا الْمَنَامِ

نوبت عشرت بزنی پیش آرز جام

تا سوار عقل بر دارد دمی

طبع شور انگیز را دست از لگام

دوری از بط (۳) در قدح کن پیش از آنک

در خروش آید خروس صبح بام (۴)

سال ها مر خواب را گشتی اسیر

یک شبی بیدار شو دولت بگیر (۵)

۱۰. شخصی خدمت آن حضرت رسیده و از فضیلت برپایی نماز و تلاوت قرآن در شب پرسید، آن حضرت فرمود:

مژده باد تو را که هر کس یک دهم شب را یک دله و با اخلاص برای خدا نماز گزارد و تنها خشنودی او را قصد کند، حق تعالی به فرشتگان خود می فرماید تا به عدد دانه ها، برگ ها، درختان، ریشه ها و شاخه هایی که از رود نیل بر زمین می روید برای او پاداش بنویسند.

۱- «جاف عن الليل» نیز نقل شده است. نک: اصول کافی، ج ۳، ص ۹۱، ح ۱.

۲- نک: حکمت عبادات، پیشین، ص ۱۱۶ و ۱۱۷ و اسرار عبادات، پیشین، ص ۳۰۰ برگرفته از: امالی شیخ مفید، ص ۲۹۹، مجلس ۲۳، ح ۴۲.

۳- صراحی شراب که به شکل مرغابی ساخته شده باشد.

۴- سعدی.

۵- مثنوی مولوی.

و هر کس یک نهم شب را به نماز بایستد، حق تعالی ده دعای او را به اجابت رساند و در روز واپسین نامه اعمالش را در دست راستش قرار می دهد. (۱)

و چنان چه کسی یک هشتم شب را نماز گزارد، خداوند عالم پاداش کسی را که در جهاد ثابت قدم مانده و با نیتی راستین جنگ کرده و شهید شده است به او مرحمت می فرماید؛ و شفاعت او از کسان و یارانش را پذیرا می شود.

و اگر کسی یک هفتم شب را به نماز بایستد، چون از قبرش برانگیخته شود چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشد و بی خطر از پُل صراط بگذرد.

و هر که یک ششم شب را نماز بخواند، حق تعالی نام او را در زمره توبه کنندگان می نویسد و گناهانش را می آمرزد.

و آنکه یک پنجم شب را نماز بگزارد، خداوند او را در بهشت، زیر قُبّه و سایه ابراهیم خلیل الرحمان بنشانند.

و هر که یک چهارم شب را نماز پیادارد، حق تعالی او را در روز واپسین از رستگاران قرار دهد و چونان تُندباد از صراط بگذرد و بی حساب وارد بهشت شود.

و هر که یک سوم شب را به نماز بایستد، هیچ فرشته ای نماند جز آن که ارج و جایگاهش در نزد خداوند را آرزو کند و در روز رستاخیز به او خواهند گفت: از هر در بهشت که می خواهی وارد شو.

و اگر کسی نیمی از شب را نماز بخواند، چنانچه هفتاد بار زمین را از طلا و جواهر پُر سازند و به او بدهند هرگز با پاداش نمازش برابری نکند و این عملش نزد خداوند از آزاد سازی هفتاد بنده از فرزندان اسماعیل پیامبر (ع) بهتر است.

و هر کس دو سوم شب را نماز بپا دارد، حق تعالی به او پاداش و حسنه ای به عدد ریگ بیابان عالج که کم ترین آن از کوه اُحد ده برابر سنگین تر است کرامت می فرماید.

و هر که یک شب تمام را نماز بگذارد و قرآن تلاوت کند و به رکوع و سجده و ذکر خدا مشغول باشد، مانند روزی که از مادر به دنیا آمده از گناهان پاک شود و (فرشتگان) به عدد آفریده های خداوند در نامه عملش حسنات بنویسند و بر همین اساس او را درجات دهند و بلند آوازه سازند، حق تعالی قبر او را نورانی سازد و گناه و حسادت را از دل و جانش بر دارد و او را از عذاب قبر ایمنی دهد و دوری از آتش دوزخ را برای او بنویسد و در روز رستاخیز با کسانی که از دهشت های آن در امانند محشور شود و حق تعالی به فرشتگان خود می فرماید: ای فرشتگان من، بنده ام را بنگرید که برای خشنودی من یک شب را با عبادتم زنده نگاه داشته است، او را (به وقت) در بهشت ویژه جای دهید و در آن به او صد هزار شهر و در هر شهر هر آنچه دل خواهش کند و دیده از آن لذت برد و به خاطر کسی خطور نکرده است، بدهید و برای او جز آنچه من برای او از کرامت ها و الطاف فراوان و قرب جناب مقدّس خود مهیا کرده ام، مقرر کنید. (۱)

۱- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۷۰ برگرفته از: ثواب الأعمال، صص ۴۰ و ۳۹ و امالی صدوق، ص ۱۷۵.

فصل دوم: ضرورت اهتمام به سحرخیزی و مداومت بر نماز شب

فصل دوم: ضرورت اهتمام به سحرخیزی و مداومت بر نماز شب

سحوری

مرغ شب

می دهد آواز

سحر نزدیک شد

نزدیک

نزدیک (۱)

هر چند بر اساس آیه ۷۹ سوره مبارکه اسراء، اخبار و اجماع مفسران، وجوب اقامه نماز شب به پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد، ولی این با مستحب مؤکد بودن آن برای امت پیامبر منافات ندارد، به علاوه با توجه به منطوق آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ همانا برای شما در _ سیره _ رسول خدا الگوی نیکوست». باید به سنت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اقتدا کنیم، از آن الگو بگیریم و از سحرپیشگان شویم.

البته در سوره مزمل پس از فرمان شب خیزی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در سوره دهر پس از واداشتن آن حضرت به سجده و تسبیح شبانه، دستور نماز شب برای مؤمنان، تذکره و راهی به سوی پروردگار دانسته شده است. (۲)

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا. (مزمل: ۱۹)

همانا این یادآوری است. پس هر کس که خواهد، راهی به سوی پروردگار خویش پیش گیرد.

حتی در آیه ۲۰ سوره مزمل آمده است:

۱- علی صبوری

۲- نک: عُدَّة الدَّاعِي وَ نَجَاح السَّاعِي، پیشین، ص ۲۵۱.

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَهُ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ.

خدا به حال تو آگاه است که تو و جمعی از آنان که با تو اند اغلب نزدیک دو ثلث یا نصف یا (لااقل) ثلث شب را همیشه به طاعت و نماز می پردازید.

ویژگی ها و مزیت هایی را که می توان برای بیداری در سحرگاهان و ادای نماز شب و اهتمام به برپایی و مداومت بر آن برشمرد عبارتند از:

۱. وجوب نماز شب بر پیامبر صلی الله علیه و آله به استناد دو آیه «یا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ، قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا» (مزمّل: ۱ و ۲) «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ» (اسراء: ۷۹) و اهتمام آن حضرت به سحرخیزی در تمام عمر شریف.

۲. نزول آیات متعدد و ورود بیش از ۳۰۰ روایت مستند نبوی و ولوی (۱) درباره آن.

۳. توجه ویژه برگزیدگان و دوستان خدا و بزرگان دینی به نماز شب و سحرخیزی مسلمانان باورمند و مستعد.

۴. نماز شب پیش قراول قافله نوافل است.

۵. از میان عبادت های کارگر، نماز شب تأثیر گذارترین است.

۶. امام و پیشوای نجات بخش از مهلکه های دریای زندگی و رسیدن به ساحل آن است.

۷. دستور مداومت بر اقامه و ادای آن هر چند در سفر و سواره یا پیاده، نشسته (و یا حتی درازکش) باشد و بدون سوره و پیش از وقت و قضا خوانده شود.

۸. دستور تصدق در صورتی که به خاطر عذری نتواند حتی قضای آن را به جا آورد. (۱)

حضرت امام خمینی رحمه الله در اهمیت نماز و بیداری شب و توصیه به آن می نویسد:

سیره ائمه هدی (ع) و مشایخ عظام و علمای اعلام، مواظبت بر این عمل بوده است، بلکه قطع نظر از عبادت، به بیداری در آخر شب اهمیت می دادند... (۲) اگر نمی توانی مخلص شوی، لااقل برای آن قرّه العین (۳) که حق تعالی مخفی فرموده بکوش. (۴)

شنیدم که پیری شبی زنده داشت

سحر دست حاجت به حق بفراشت

یکی هاتف انداخت در گوش پیر

که بی حاصلی رو سر خویش گیر

بر این در دعای تو مقبول نیست

به خواری برو یا به زاری بایست

شب دیگر از ذکر و طاعت نخفت

مریدی ز حالش خبر یافت گفت

۱- در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که برای هر دو رکعت یک مُد طعام معادل ۷۵۰ گرم به مسکین بدهد و یا اگر نتوانست برای هر چهار رکعت یک مد و اگر باز نتوانست برای همه رکعات یک مد طعام به مستحق آن ببخشد، ولی (به این عمل عادت نکند و بداند که) نماز افضل است، نماز افضل است، نماز افضل است. وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۸ از ابواب اعداد فرائض و نوافلها، ح ۲.

۲- نک: اربعین حدیث، حضرت امام خمینی، ص ۲۰۱.

۳- کنایه از آنچه در آیه ۱۶ و ۱۷ سوره سجده آمده است و ما در بحث سحرخیزی در قرآن کریم از آن یاد کرده ایم.

۴- نک: اربعین حدیث، ص ۲۰۴.

چو دیدی کز آن روی بسته است در

به بی حاصلی سعی چندین مبر

به دیبا چه بر، اشک یاقوت فام

به حسرت بیارید و گفت ای غلام

چو خواهنده محروم گشت از دری

چه غم گر شناسد در دیگری

شنیدم که راهم درین کوی نیست

ولی هیچ راه دگر روی نیست

توقع مدار ای پسر گر کسی

که به سعی هرگز بجایی رسی (۱)

نقل کرده اند وقتی یکی از اسرای عزیز ایرانی در جنگ تحمیلی عراق بر ایران، در اسارتگاه عراق به شهادت رسید، یکی از گروهبانیان عراقی پس از پرگشودن این شهید عزیز گفت: «او اسیری بود که هر شب در گوشه اتاق شماره ۱۲ نماز شب می خواند.» (۲)، (۳)

امام صادق (ع) می فرماید:

۱- سعدی.

۲- یکی از آرزوهای نگارنده این است که خداوند اگر بخواهد امیدم را ندیده بیانگارد و با من نه با فضل خود که به عدل خویش رفتار کند و مرا به دوزخ ببرد، از جمله خواسته هایم پیش از ورود به آتش عملم این است که اجازت می فرماید اینان را که در غربت برای آبروی دین جان فدا کردند زیارت کنم و افتخارم به آنان را ابراز دارم؛ هم چنین شگفت و حیرتم از تربیت و ادب و فداکاری حضرت عباس (ع) را بر بی بی امّ البنین علیهاالسلام اظهار و افتخار کنم و از دل و جان مادری اش را سپاس گویم و از بودنم در طریقت شان، بر خود ببالم؛ چه کنم، بینوایم همین دارم.

۳- نک: سید عبدالله حسینی، داستان های شیرین از نماز شب، ص ۹۰ برگرفته از: کتاب نماز در اسارت، ص ۱۱۲.

۱. خداوند تنها نمازهای پنج‌گانه را واجب کرده است و نماز وتر را فرض ندانست، تو اگر خواستی آن را بخوان، ولی بدان که ترک آن پسندیده نیست. (۱)

۲. هر کس نماز شب نگذارد از ما نیست (۲). و یا «از شیعیان ما نیست آنکه نماز شب نمی‌گذارد» (۳).

شیخ مفید ذیل همین روایت در المقنعه می‌نویسد: مقصود از شیعیان در این روایت، شیعیان مخلص‌اند؛ هم چنین آنکه فضیلت نماز شب را باور ندارد، از شیعیان اهل بیت (ع) به شمار نمی‌آید.

۳. هیچ بنده‌ای نیست جز آن که در شب، یک مرتبه یا دو مرتبه و یا چند بار از خواب بیدار می‌شود، پس اگر بیدار شد که هیچ، و الا شیطان در گوش او پیشاب کند؛ (۴) آیا ندیده‌اید کسی را که [پس از سحر] بیدار می‌شود، سنگین و کسل و بی‌نشاط است. (۵)

۱- «فی الوتر كتب الله الخمس و ليست الوتر مكتوبه ان شئت صلّيتها و تركها قبيح.» التهذيب، ج ۲، ص ۱۱، ح ۲۲.

۲- «ليس منا من لم يصلّ صلاة الليل.» وسائل الشيعه، ج ۵، باب ۴۰ از ابواب بقيه الصلوات المندوبه، ح ۳ و ۵ و ۸.

۳- «ليس من شيعتنا من لم يصلّ صلاة الليل.» وسائل الشيعه، ج ۵، باب ۴۰ از ابواب بقيه الصلوات المندوبه، ح ۱۰.

۴- گویا بیدار شدن در گاه سحر از صدایی است که به گوش می‌رسد؛ در بعضی از روایات است که ملکی این امر را عهده دار است، شاید به همین سبب شیطان همّت کرده در دستگاه ادراک شنوایی انسان اختلال ایجاد می‌کند تا او را از بهره مند شدن فیوضات سحری باز دارد. به علاوه حرف‌ها و لب‌گزیدن‌ها و چهره درهم کردن‌های برخی افراد که آنان را با این گاه قدس آمیز و عمل رمزآلود میانه‌ای نیست و در واقع آن را خوش نداشته و عرضه سحرخیزی ندارند، به پیشاب شیطان می‌ماند و باید از بازگویی شب‌خیزی خود حذر کرد. نعوذ بالله من همزات الشیاطین.

۵- التهذيب، ج ۲، ص ۲۳۴، ح ۱۳۷۸؛ من لایحضره الفقیه، الجزء الأول، ح ۱۳۵۸.

۴. همانا خداوند کسی را که به خاطر نماز شب بیدار است، دوست می دارد. (۱)

مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندرا راه عشق

دوست را با ناله شب های بیداران خوش است (۲)

روایت است که ترجمان آواز خروس در هر سحر: «أَذْكُرُوا اللَّهَ - وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ؛ خدا را یاد کنید و از بی خبران نباشید» است.

هنگام سپیده دم خروس سحری

دانی ز چه رو کند همی نوحه گری

یعنی که نمودند در آینه صبح

کز عمر شبی گذشت و تو بی خبری (۳)

در سفارش های لقمان حکیم به پسرش آمده است: جان پسر، مبادا خروس از تو زیرک تر باشد و وقت سحر برخیزد و از خداوند مغفرت بطلبد و تو خواب باشی. (۴) و در نقل دیگری آمده است: جان پسر، خروس از تو زیرک تر و در پاسداشت نمازها از تو کوشاتر نباشد؛ آیا ندیده ای که وقت نماز آن را اعلان می دارد و سحرگاهان آواز می دهد در حالی که تو خفته ای. (۵)

دوش مرغی به صبح می نالید

۱- «ان الله يحب المساهر بالصلاه». میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۱.

۲- حافظ.

۳- خیام.

۴- «لا يكون الديك أكيس منك، يقوم في وقت السحر و يستغفر، وانت نائم». میزان الحکمه، ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹، ح ۱۴۸۱۱.

۵- «يابني لا يكون الديك أكيس منك و اكثر محافظه على الصلوات الأتراه عند كل صلوه يؤذن لها و بالأسحار يعلن بصوته و انت نائم». ارشادالقلوب ديلمی، باب ۱۸.

عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش

یکی از دوستان مخلص را

مگر آواز من رسید به گوش

گفت باور نداشتم که تو را

بانگ مرغی چنین کند مدهوش

گفتم این شرط آدمیت نیست

مرغ تسبیح گوی و من خاموش (۱)

در رازگویی خدای عزوجل با موسی بن عمران آمده است:

ای پسر عمران، دروغ گفته است کسی که گمان برد مرا دوست دارد، ولی چون شب فراگیر شود از من صرف نظر کرده به خواب می رود، مگر نه این است که هر دوستداری دوست می دارد با محبوبه اش خلوت کند.

هان ای پسر عمران، این منم که بر (احوال و گفتار و رفتار و سحرخیزی) دوستانم آگاهم و چون شب آنان را فرا گیرد چشم دلشان را باز کنم، _ عوقت _ خود را در برابر دیدگانشان تمثّل دهم و آنان از راه مشاهده مرا خطاب کنند و از سر حضور با من به سخن می نشینند.

ای پسر عمران، در تاریکی دل شب، از قلبت خشوع و از کالبدت فروتنی و از دیدگانت اشک را به من ببخش و مرا بخوان که مرا نزدیک و پاسخگو خواهی یافت. (۲)

۱- سعدی.

۲- «کان فیما ناجی اللّٰه عزوجل به موسی بن عمران (ع) ان قال له: یابن عمران، کذب من زعم انه یحینی فاذا جنّه اللیل نام عنی، الیس کل محب یحب خلوه حبیبه ها انا ذا، یابن عمران، مطلع علی احتیائی اذا جنّهم اللیل حولت ابصارهم فی قلوبهم و مثلت عقوبتی _ نفسی _ بین اعینهم یخاطبونی عن المشاهده و یکلمونی عن الحضور، یابن عمران، هب لی من قلبک الخشوع و من بدنک الخضوع و من عینک الدموع فی ظلم اللیل و ادعنی فانک تجدنی قریبا و مجیبیا.» بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۷۲.

« _ گویند خداوند تعالی _ به داود (ع) وحی فرستاد که ای داود، دروغ گوید هر که دعوی دوستی من کند و چون شب در آید بخسبد.» (۱)

عَجَبًا لِلْمُحِبِّ كَيْفَ يَنَامُ

كُلُّ نَوْمٍ عَلَى الْمُحِبِّ حَرَامٌ (۲)

شگفتا، عاشق چگونه به خواب می رود؟ در حالی که خواب بر عاشق حرام است.

«از استاد ابوعلی [دقاق] رحمه الله شنیدم که گفت: آن گه که ابراهیم با اسمعیل علیهما السلام گفت: اِنِّی اَرِی فِی الْمَنَامِ اِنِّی اَذْبَحُكَ (۳)، اسمعیل گفت: و این جزای آن است که بخسبد، اگر تو را خواب نبود، پسر را قربان نفرمودندی.» (۴)

«مردی بنده ای خرید _ چون شب در آمد _ به بنده _ گفت: بستر فرو کن، بنده گفت: ای خواجه، تو را هیچ خداوند هست؟ گفت: هست، گفت: وی بخسبد؟ گفت: نه، گفت: _ تو _ شرم نداری که خداوند تو نخسبد و تو بخسبی؟» (۵)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که مادر حضرت سلیمان نبی به او گفت: جان پسر، از خواب زیاد در شب بپرهیز که انسان را در روز واپسین، نیازمند رها می کند. (۶)

۱- ترجمه رساله قُشیریّه، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزّمان فروزانفر، ص ۷۰۰.

۲- ترجمه رساله قُشیریّه، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزّمان فروزانفر، ص ۷۰۱.

۳- در خواب دیده ام که تو را سر می برم.

۴- ترجمه رساله قُشیریّه، ص ۷۰۰. البته این عبارت بیانگر غفلت حضرت ابرهیم خلیل (ع) نیست، بلکه برداشتی لطیف از «فی المنام» و تذکره ای عرفانی برای پرهیز از غفلت است.

۵- ترجمه رساله قُشیریّه، ص ۷۰۳.

۶- «یا بنی ایاک و کثره النوم باللیل فأن کثره النوم باللیل تدع الرّجل فقیراً یوم القیامه.» بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۲، ح ۲۹.

و گویند پسری پدرش را گفت: « تو چرا نخسبی؟ گفت: دوزخ رها نمی کند که بخسیم.» (۱)

و نیز گویند: دختری از پدر خود پرسید: « چرا _ نمی _ خسی؟ گفت: پدر تو از شیخون می ترسد.» (۲)

خواب را بگذار امشب ای پدر

یک شبی برکوی بی خوابان گذر

بنگر اینها را که مجنون گشته اند

همچو پروانه به وصلش گشته اند (۳)

امام علی پیوسته می فرمود: ما اهل بیت مأمور شده ایم تا (نیازمندان را) اطعام کنیم؛ در بلایا خودنگهدار باشیم و آن گاه که مردم خوابند، به نماز بایستیم. (۴)

ما را همه شب نمی برد خواب

ای خفته روزگار دریاب (۵)

جابرین عبدالله انصاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت می کند:

سختی های نماز در شب را پذیرا باشید و خداوند را بسیار یاد کنید تا گناهان شما را بپوشاند. (۶)

۱- ترجمه رساله قُشیریّه، ص ۷۰۳.

۲- ترجمه رساله قُشیریّه، ص ۷۰۳.

۳- مثنوی مولوی: دفتر ششم، ابیات ۶۲۱ و ۶۲۲.

۴- «کان علی (ع) یقول: انا اهل بیت امرنا ان نطعم الطعام، و نوذی فی النائبه، و نصلی اذا نام الناس.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۰.

۵- سعدی.

۶- «کابدوا اللیل بالصلوه و اذکروا الله کثیرا یکفر سیئاتکم.» بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارشی به امام علی (ع) می فرماید: یا علی، بخشی از شب را هر چند به اندازه دوشیدن گوسفند باشد به نماز بایست. و در هر سحر از خدا بخواه که در آن لحظات دعایی ردّ نمی شود. (۱)

دعای صبح و ورد شب کلید گنج مقصودست

بدین راه و روش می رو که با دلدار پیوندی (۲)

امام باقر (ع) می فرماید: دوستدارترین اعمال نزد خدای عزّ و جلّ عملی است که بنده بر آن مداومت کند، هر چند اندک باشد. (۳)

امام علی (ع) می فرماید: از آن گاهی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نماز شب نور است، من هرگز آن را رها نکرده ام.

از آن حضرت پرسیده شد: حتی در ليله الهیر (۴)؟

امام فرمود: حتی در شب هریر. (۵)

امام صادق (ع) می فرماید: پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اقامه نماز وتر فرمان دادند، امام علی (ع) با جدّیت بر آن اهتمام داشت و هرگز در ترک آن رخصت نمی داد. (۶)

از خویشان امام خمینی درباره مداومت و رعایت ایشان در برپایی نماز شب نقل شده است که:

ایشان در خمین از دوران نوجوانی و در سن پانزده سالگی، شب ها چراغ موشی را گرفته و به گوشه ای از خانه می رفتند و در خلوتی به نماز شب

۱- «یا علی، صلّ من اللیل و لو قدر حَلْب شاه، و بالأسحار فادع فأن عند ذلك لا تُردّ دعوه.» بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۶۷، ح ۱۰.

۲- حافظ.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱، ح ۵، باب ۲۱ از ابواب مقدمه العبادات.

۴- یکی از شب های جنگ صفین که از نگاه پرسشگر بسیار سخت بود و برپایی نماز در آن شرایط ناممکن می نمود.

۵- بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۷.

۶- بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۷.

می ایستادند.

از همسر امام نیز نقل شده است که: وقتی امام برای نماز شب بیدار می شدند، هرگز چراغ خانه را روشن نمی کردند و تنها از یک چراغ قوه کوچک استفاده می کردند. (۱) و حتی هنگام گرفتن وضو، اسفنجی را زیر شیر آب قرار می دادند تا کسی از صدای چکه آب بیدار نشود. (۲)

از یکی از اساتید حوزه علمیه قم نقل شده است که: شبی میهمان حاج آقا مصطفی بودم، نیمه های شب از صدای آه و ناله ای بیدار شدم، و نگران که چه رخ داده است؟

حاج آقا مصطفی را از خواب بیدار کردم، گفتم برخیز بین چه خبر است.

ایشان بیدار شد و گفت: این صدای آقا (امام خمینی) است که به نماز شب ایستاده است. (۳)

تو را آن به که چون مردان سرمست

شبی از خود به سوی حق گریزی

وقتی حضرت امام رحمه الله در قم به سر می بردند، بیماری قلبی گرفتند، به دستور پزشکان می بایست به بیمارستان قلب تهران منتقل شوند، فصل زمستان بود و هوا بسیار سرد بود و برف می بارید، امام را با آمبولانس به بیمارستان قلب تهران رساندند، ولی باز امام در آن شرایط و وضعیت نماز شب شان را ترک نکردند.

۱- داستان های شیرین از نماز شب، ص ۱۲۲ برگرفته از: کتاب گلهای باغ خاطره، ص ۱۳۰.

۲- داستان های شیرین از نماز شب، ص ۱۲۳ برگرفته از: کتاب امام در سنگر نماز، ص ۷۰.

۳- داستان های شیرین از نماز شب، ص ۱۴۰ برگرفته از: کتاب جلوه ای از خورشید، ص ۹۵.

و نقل است حتی آن شبی که با هواپیما از پاریس به تهران می آمدند در همان طبقه فوقانی هواپیما نماز شب شان را خواندند. (۱) و باز حتی زمانی که در بیمارستان معالجه می شدند و لوله تنفس در تراشه ایشان بود، باز نماز شب شان را ترک نکردند. (۲)

شب مردان خدا روز جهان افروز است

روشنان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

فصل سوم: ناب ترین لحظه

فصل سوم: ناب ترین لحظه

به باور ما مسلمانان سه ماه رجب، شعبان و رمضان از میان ماه های سال، فضیلت و شرافت ویژه ای را از سوی پروردگار برخوردارند و از میان این سه ماه، ماه رمضان و از میان شب و روز رمضان، شب قدر و از لحظه های شب قدر، سحر آن بر همه ساعات و لحظه های سال فضیلت و برتری دارد. سحر نقطه فرازین هرم لحظه های زندگی و ابوالأوقات است.

می جستم از زمین خبر صدق لب به لب

از غیب اشاره ام به دم صبحگاه شد (۳)

و ما پیش تر سوگندهایی را که خدای متعال در قرآن کریم بر این گاه قدس آمیز و ارجمند یاد کرده باز گفته ایم.

هان، هر چه می خواهی خبر، گاه سحر

۱- داستان های شیرین از نماز شب، ص ۴۷ _ ۴۵ برگرفته از: نماز در اسارت، ص ۱۱۲.

۲- داستان های شیرین از نماز شب، ص ۱۲۰ برگرفته از: جلالی عزیزیان، قصه های نماز، ص ۱۱۲.

۳- صائب تبریزی.

بی گمان میان این ناب ترین لحظه و نعمتِ نجات، فرابشری بودن آن، طهارت، اهلیت، پاداش شکرگزاری و مقام شفاعت، پیوند رمزگونه و تأثیر گذار وجود دارد.

نَجِّنَاهُمْ بِسِحْرِ نِعْمَةٍ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَاءَ كَرًّا. (قمر: ۳۴ و ۳۵)

گاه سحر آنان را نجات دادیم و این نعمتی از جانب ما برای آنان بود و ما این چنین شکر گزاران را پاداش می دهیم.

إِنَّهُمْ أَنَا سٌ يَتَطَّ هَرُونَ. فَانَجِّنَاهُ وَ أَهْلَهُ... (اعراف: ۸۲ و ۸۳)

آنان مردمی طهارت پیشه اند و ما او و اهلش را نجات دادیم.

از این آیه شریفه فهمیده می شود که بین طهارت و نجات، ارتباط و پیوند وجود دارد و طهارت پیشگان، اهل نجاتند.

رَبِّ نَجِّنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَ عْمَلُونَ. فَنَجِّنَاهُ وَ أَهْلَهُ لَهُ أَجْرٌ مَعَّيْنِ. (شعراء: ۱۶۹ - ۱۷۱)

پس ما (دعایش را اجابت کرده) و او تمامی خاندان و یارانش را نجات بخشیدیم.

«إِذْ نَجِّنَاهُ وَ أَهْلَهُ لَهُ أَجْرٌ مَعَّيْنِ؛ ياد آر هنگامی را که ما لوط و تمامی خاندان و یارانش را نجات بخشیدیم. (صافات: ۱۳۳ - ۱۳۵)

کسانی که خدا و پیامبران را باور دارند و طهارت پیشه اند و آنان را در بیم و امید دادنِ مردم یاری رسانده و همراهی می کنند و سپاس نعمت های خدایی را به جا می آورند، اولیای خدایی و از شکر گزاران به شمار می آیند و هنگامه سحر به نعمت نجات دست رسانند و شفاعت آنان پذیرش خواهد شد.

ای صبا امشبم مدد فرمای

که سحر گه شکفتنم هوس است (۱)

برخی از مفسران بر این باورند که: «فَأَنْجِنَاهُ وَأَهْلَهُ؛ أَيُّ مَنْ آمَنَ مَعَهُ»؛ اهل در این آیه شریفه، یعنی ایمان آورندگان. (۱)

علاوه بر آن از «مَعَهُ» چنین فهمیده می شود که ایمان آورندگان پس از اقرار به توحید و نبوت پیامبر، استوار مانده ایشان را در ابلاغ رسالت نیز همراهی می کردند.

ایمان و رفتارهای شایسته، تنها عامل سنخیت و مناسبت با عالم ملکوت است. و گر نه رفتار پلشت، نسبت خونی را هم برهم می زند و فرد را سزاوار سرا و عذاب بیگانگان می سازد: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ؛ بریده باد دو دستان ابی لهب (عموی پیامبر)». (مسد: ۱)

در حدیث شب های ماه رجب آمده است که خداوند فرشته ای دارد به نام «داعی» که هر شب از سوی آن حضرت به آواز بلند پیام دهد:

من هم نشین کسی هستم که با من بنشیند و به یاد کسی ام که به یاد من باشد، هر کس مرا فرمان برد، من خواسته هایش را گردن نهم. (۲)

روایت است که حضرت داود نبی (ع) از جبرئیل امین پرسید: برترین لحظه ها کدام است؟ جبرئیل گفت: نمی دانم، جز به این مقدار که عرش خداوند هنگامه سحر به جنبش در می آید. (۳)

۱- نک: کشف الأسرار و عدّه الأبرار، معروف به تفسیرخواجه عبدالله انصاری، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، ص ۶۷۴.

۲- الأقبال، ج ۳، ص ۱۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۷۷.

۳- «روی ان داود (ع) سأل عن جبرئیل عن افضل الأوقات؟ قال: لا أعلم، الا ان العرش يهتز في الأسحار.» میزان الحکمه، ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹، ح ۱۴۸۱۳.

شخصی به نام ابن ابی یعفور نقل می کند که به خدمت امام صادق (ع) رسیدم و حضورشان عرض کردم: فدایتان شوم مرا از لحظه ای که بنده در آن به خدا نزدیک تر و خداوند به او نزدیک است با خبر سازید.

امام فرمود:

هنگام سحر، وقتی که برمی خیزد در حالی چشم های دیگران از خواب بر هم است و او آرام برای گرفتن وضو به راه می افتد و وضوی کاملی می گیرد، سپس باز می گردد و بر سجاده اش می ایستد و رویش را به سوی الله می گیرد و قدم هایش را کنار هم می گذارد (نیت کرده) با صدای بلند، الله اکبر می گوید (۱) و نماز را آغاز می کند و در دو رکعت اجزای نماز را به جا می آورد، سپس برمی خیزد که دو رکعت دیگر بخواند، در این هنگام منادی از کرانه آسمان و از جانب راست عرش، بانگی سر می دهد که ای بنده ای که پروردگار خویش را می خوانی، بخشش و عطیه خداوند بر سر تو گسترده شده است و فرشتگان از قدمگاه تو تا قلمرو آسمان، تو را فرا گرفته اند و خداوند تو را می خواند: ای بنده من، اگر می دانستی با چه کسی به مناجات برخواسته ای روی بر نمی تافتی. (۲)

امام صادق (ع) می فرماید: در شب لحظه ای است که ممکن نیست بنده مؤمن در آن پاخیزد و نماز بیای دارد و خداوند را بخواند و آن حضرت خواسته هایش را به اجابت نرساند.

راوی می گوید از امام پرسیدم: آن چه لحظه ای است؟

امام: یک ششم اول از نیمه دوم شب. (۳)

و باز در روایت دیگری است که از آن حضرت پرسیده شد: مردم از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کنند که فرمود: در شب لحظه ای است که اگر

۱- البته مستحب است برای بیدار شدن اهل خانه، الله اکبر را بلند گفته و نماز شبش را نیز بلند بخواند، ولی اگر از ریا در امان نباشد و باعث آزار دیگران شود می بایست، که آهسته بخواند.

۲- بحار الأنوار برگرفته از: کتاب غایات.

۳- نک: اسرار الصلوه، ص ۴۸۰.

کسی در آن از خداوند چیزی بخواهد، به طور حتم به اجابت می رسد، آیا این نقل درست است؟

امام: بلی.

راوی: این لحظه در چه شبی است؟

امام: هر شب، بین یک دوم تا یک سوم (آخر) شب است. (۱)

هر کس بکوشد تا به نوبه و با توبه خویش و با راز و ناله و نیاز در گاهِ سَحر نیز با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همگام شود و با قلب شرحه شرحه از غربت و تنهایی در پیشگاه یگانه مطلق بر دامن نسیم سحر با گونه ای تر شده از شرحه شرحه احساس، دست به کلید درهای بسته رساند و به ساحت و جرگه حال و حضور و سجده و نجوای ملکوتی و تسلا بخش آن عزیز نائل گردد و آن حضرت در آن دم از او هم، نامی برد و به دعا نوازشش کند.

گر عاشقی بی سیم و زر در راه او شام و سحر

ز آه و دل و خون جگر برگیر زاد و راحله (۲)

در کتاب زمزمه های اشتیاق نگاشته ام:

مهدیا، هر که را دوست می داشتم به میهمانی سفره سحرش فراخوانده، او را به یادگار گفته ام:

هان، هر چه می خواهی خبر، گاهِ سحر.

سوز دل، اشک روان، آه سحر، ناله شب

این همه از نظر لطف شما می بینم

۱- رموز نماز، ص ۱۹۱ برگرفته از: اصول کافی. اختلاف این روایت با حدیث قبلی، بیانگر جواز اقامه نماز شب در زمان های گونه گون از شب است. نک: فصل پنجم همین کتاب که در آن رخصت هایی برای برپایی نماز شب در لحظه های متفاوت از شب مطرح شده است.

۲- مرحوم حکیم الهی قمشه ای.

مهدیا، سودمندترین نوبت و مجال را گاهِ سَیْحَرِ یافتم؛ سَحَر، مادر فرصت‌ها و گاهواره رحمت و آرامش است و چه عطشناک و مهربانانه، بیدارانش را به آغوش می‌کشد. چه گوارا است که جوانی از خواب شیرین شبانه خویش بکاهد، هنگامِ سَیْحَر برخیزد، طهارت بگیرد، به نماز بایستد، سر بر خاک نهد و هم گام با تو، الله، الله بگوید و بر مرکب راهوار شب، سوار شود و روزش را بیفروزد.

محو ولایی و دلت مخزن اسرار دوست

اشک و نماز شب و حال تو مرا آرزوست (۱)

با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته ای

بو که بویی بشنویم از خاک بستان شما

الهی، روزم را چو شبم روحانی گردان و شبم را چون روز نورانی. (۲)

فصل چهارم: آثار سحرخیزی در نشانه‌های وضعی گفتار و کردار

اشاره

فصل چهارم: آثار سحرخیزی در نشانه‌های وضعی گفتار و کردار

اثرها و نشانه‌های وضعی گفتار و کردار آدمی، به یک باره ظاهر نمی‌شود، بلکه آهسته آهسته جای خود را به یکدیگر می‌دهند؛ چه گفتارها و رفتارهای پسندیده و یا ناپسند. سخنان، کردارها و رفتارهای شایسته و ناشایست در روح و روان آدمی اثر ضد و عکس هم دارند و گویا هر کدام با سپاه خویش بر آنند که دیگری را شکست دهند و دست آوردهای او را نابود سازند. یکی می‌کوشد دل و جان انسان را فرود آرد، سنگین و دست و

۱- نگارنده.

۲- الهی نامه، علامه حسن زاده آملی، ص ۱۴.

پا بسته، دژم، با فهم و نگاهی در هم ریخته و کژ، و با دیدگان کم سو و بی فروغ بدون چراغ و بلد راه، او را زبون و پست ساخته از حقایق انسانی و فراسوی، گمراه و گریزپا پروانده و آن دیگری چنان است که زنگار پلشتی را از قلب او پاک کرده، درونگاه او را جلا دهد؛ وجودش را بر فراز برده از دنیای سه بُعدی بیرونش کرده، پرواز دهد و بر سفره افاضه و اشراق و خلسه و جذب و لذت های بهجت انگیز میهمان کند و از تهذیب و یقین، اثری آسمانی اش بخشد؛ روشنایی ظاهر و باطن را به او هدیه کند و وجودش را سعه داده، ادراکاتش را گسترش دهد و دیده اش را بینا و گوشش را شنوا سازد؛ به گونه ای که از این زبایش و کشش و روح مستعدش بتواند در باطن این عالم، سیرک بکشد و دیدنی ها را ببیند و از آن ها با خبر شود و به سبب آمادگی و استعدادش واردات قلبی اش افزایش یابد و دریافت های نوی نیز داشته باشد و حقایقی را کشف بنماید. و هر چند دیگران بدانند یا ندانند او خود را موظف خواهد دانست که کر و لال و دهان دوخته بگذراند و همواره از نامحرم، هر که باشد حذر کند و چونان لحظه های نخست این راه، بلکه بیش از آن به هوش باشد که دل به هیچ نسپارد.

در خلوت شب های تارت می توانی

آری بکف، سرچشمه آب بقا را (۱)

نور نماز شب

نور نماز شب

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: نماز شب، نور است. (۲)

۱- علامه حسن زاده آملی.

۲- «صلاة اللیل نور». میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۱، ح ۱۰۴۶۱.

نور آن است که در ظهور و ظاهر بودن به غیر نیاز ندارد، بلکه دیگر چیزها را نیز برای بروز و برآمدن، بهره رساند. نور چنین است که همواره هم خود را شناسا کند و هم شناسایی اشیا را که از این ویژگی برخوردار نیستند و پرده نشین عدم و برکنار از جوار وجودند و بر دامن تاری و سیاهی منزل دارند عهده دار است. نماز شب نوراست؛ یعنی در بودن و نموداری بر خود تکیه دارد و نماز گزار را نیز برآورده، به بود و وجود و فروزش و درخشش رساند و در جهانی دیگر میهمانش کند؛ بر فرازش برده تا راه را از بی راهه باز شناسد، دیدگانش را پُرفروغ و شعاع دید او را فراخ گرداند و آنچه را پیش تر نمی دیده از برکت نماز شب، در مَرَّآ و مَنظَر خویش بیابد و به قدر هوش و گنجایش و آمادگی اش، از حقیقت انواع بر او پرده بردارند. علاوه بر آن، نماز شب با توان بازدارنده و پس زننده، تیرگی و رنجش روح و روان را کنار زده و خیرگی و چموشی دل و تمایلات نفسانی را مهار کند و با نیروی زُبایش و کَشش، دارایی و ارزاق مادی و معنوی سحرخیز را ضمانت کند.

مرا در این ظلمات آنکه رهنمایی کرد

نیاز نیم شبی بود و گریه سحری (۱)

حضرت عیسی (ع) در موعظه هایش به مسیحیان می فرماید:

شما را سخنی راست و درست می گویم: سعادت مند آنانند که سحرخیزند؛ آن ها کسانی اند که نور ماندگار را به ارث می برند؛ زیرا در تاریکی شب برمی خیزند. (۲)

۱- حافظ.

۲- «من مواعظ عیسی (ع) لقومه: بحق اقول لكم: طوبی للذین یتهجدون من اللیل، اولئک الذین یرثون النور الدائم من أجل أنهم قاموا فی ظلمه اللیل...» میزان الحکمه، ج ۱۰، باب ۳۹۶۱، ص ۲۳۴، ح ۲۰۵۳۶.

«چرا تهجد و شب زنده داری و دعا از اسباب تحصیل علم است، بدین خاطر است که علم _ همان گونه که در بعضی از روایات به این مطلب تصریح شده است _ به کثرت تعلّم و مطالعه نیست، بلکه علم نوری است که خدا در دل هر یک از بندگان خود که بخواهد می افکند و شب زنده داری و مناجات در دل شب، دل را نورانی می گرداند و باعث ثبات نور در دل مؤمن می شود.... بسیاری از محصلین را می شناسم که اهل تهجد و شب زنده داری بودند و همین امر سبب استقامت فهم و باروری ذهن آن ها در وصول و دست یابی به مطالب حقه در مسایل علمی گشت و به مراتب عالیه علمی نائل آمدند به خلاف طلابی که پیوسته به مطالعه کتب علمی مشغولند که کم تر می شود فرد صاحب نظری از میان آن ها برخیزد.»^(۱)

پاداش بی کران

پاداش بی کران

از امام صادق (ع) نقل شده که برای هر عملی که بنده خدا انجام می دهد، در قرآن پاداشی هست؛ جز نماز شب؛ زیرا خداوند برای آن به دلیل شکوه و عظمتی که دارد هیچ پاداشی ذکر نکرده است.^(۲)

به چند دلیل:

الف) حقیقت و ارزشمندی برخی از مسایل فرازین در واژه های این سویی نمی گنجد و در واقع این جامه بر آن قامت، کوتاه است و راست نمی آید.

۱- اسرارالصلوه، ص ۴۶۴ _ ۴۶۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۴۰ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه، ح ۱۳.

ب) پنهان بودن پاداش برخی از کردارها، شَعْف انگیز و با فصاحت و بلاغت سازگارتر است.

ج) جزا و سزای نماز شب با خود این عمل و زمان برگزاری آن، یعنی تاریکی شب همگون است.

د) ظرف دنیا، تنگ و گنجایش آن کم و اندک است. از این رو، ممکن نیست بتواند پذیرای فراخی پاداش نماز شب باشد.

و) ویژگی های ثواب نماز شب، فراتر از نفوذ دانش و تزیینی خرد و درک انسان است. (۱)

«وَلَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ» و در بهشت هر چه رابخواهند از آن آنان خواهد بود و نزد ما افزون بر آن است. (ق: ۳۵)

«و فِيهَا مَا تَشْتَهُهُ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ»؛ و در بهشت است آنچه دلها هوس کنند و دیده ها لذت برند. (زخرف: ۷۱)

پس دور نیست که به تعبیر روایات دینی، دو رکعت نماز و سرشک و گونه تر در دل شب آن هم تنها برای پروا از خداوند و خرسندی آن عزیز، از دنیا و هر چه در آن است سودمندتر باشد و پاداشی بی نهایت به فراخور جهان بی کرانه به خود گیرد و حتی زندگی دنیایی نماز گزار را ممتاز و متعالی سازد و به نور خویش بیفزود.

همدمی با اهل سحر و هم نشینی با سرخوشان مست جام لَدَيْنَا مَزِيد و به نظاره نشستن نشانه های رحمت خدایی و استشمام بوی دلاویز بهشت گونه و

نسیم خُنکی که از جان و حکمت های دهان ملکوتی آنان می وزد و معرفت انسان را می نوازد، گواه این مدّعاست.

چو شو گیرم خیالش را در آغوش

سحر از بستم بوی گل آیو(۱)

سلیمان بن خالد از امام باقر (ع) روایت می کند که امام به او فرمود:

آیا می خواهی تو را از دروازه های خیر آگاه سازم؟

سلیمان: فدایتان گردم بفرمایید.

امام: روزه، سپری در برابر آتش دوزخ است؛ صدقه (کمک رایگان به دیگران)، گناه و اشتباه را از بین می برد؛ و بیداری در دل شب برای ذکر خداوند (و هفتاد مرتبه طلب مغفرت در نماز وتر(۲)) سپس آیه یاد شده (تتجافی...) را خواندند.(۳)

البته امام (ع) نیز با پیروی از قرآن، برای نماز شب، پاداشی ذکر نکرده است.

از امام باقر (ع) نقل شده است که آیه یاد شده درباره امیرالمؤمنین علی (ع) و شیعیان ما نازل شده است، آنان که در ابتدای شب به خواب می روند و چون از شب دو سوم یا به مقداری که خدا خواست بگذرد _ از خواب برمی خیزند _ و به سوی پروردگارشان ناله و زاری می کنند؛ در حالی که با

۱- بابا طاهر.

۲- مجمع البیان، ذیل آیه ۱۷/ذاریات؛ وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۱۰ از ابواب قنوت، ح ۹ و ۷؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۷۰ برگرفته از: تهذیب و مجمع؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶۶؛ التهجّد و قیام اللیل، ص ۹۰.

۳- اصول کافی، ثقه الأسلام کلینی، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، باب دعائم الاسلام، ص ۳۸، ح ۱۵.

میل و امید و هراس اند و در عطایایی که خداوند در کتابش برای پیامبر خویش یاد کرده، از اقامت در جوار او، ورود به بهشت ویژه و امان از ترس و وحشت، حرص می ورزند. (۱)

در شب، دل زنده را به حق میل بود

در دیده شبروان او سیل بود

امام علی (ع) می فرماید:

خوش بخت و سعادت مند کسی است که فرایض پروردگار خویش را به انجام رسانده، رنج ها را (مانند سنگ آسیا دانه را) خرد کرده و شب هنگام از خواب دوری گزیند و چون خواب بر او چیره شود، زمین را تُشک و دست خود را بالش قرار می دهد؛ در حالی که از زمره گروهی است که بیم روز واپسین، خواب را از چشمان شان روده و پهلوهایشان از خوابگاه آنان جدا شده و به ذکر پروردگارشان زمزمه دارند و گناهان خویش را با استغفار پی در پی برطرف می سازند. آنان حزب الله اند، همانا به حقیقت حزب الله رستگارست. (۲)

روایت است که خداوند به خاطر سحرخیزی نیکوکاران جامعه از خشم خود و عذاب گنه کاران صرف نظر می کند. (۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: (آثار) نماز شب:

— خشنودی خدا؛

— دوستی با ملائکه؛

— سنت پیامبران؛

۱- الفقیه، جزء اول، ط نجف، ۱۳۷۷ هجری، ص ۳۰۵، و علل الشرائع، ط نجف، ۱۳۸۵ هجری، ص ۲۶۵.

۲- «طوبی لنفس ادت الی ربها فرضها و عرکت بجنبها بؤسها و هجرت فی اللیل غمضها حتی اذا غلب الکرى علیها افترشت ارضها و توشدت کفها فی معشر اسهر عیونهم خوف معادهم و تجافت عن مضاجعهم جنوبهم و همهمت بذکر ربهم شفاهم و تقشعت بطول استغفارهم ذنوبهم، اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون.» نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳- رموز نماز، ص ۱۹۳.

— نور معرفت؛

— اساس و ریشه ایمان؛

— راحت بدن ها؛

— ناخوشایندی و دشمنی با شیطان؛

— جنگ افزاری علیه دشمنان؛

— اجابت دعا؛

— قبولی اعمال؛

— برکت در رزق و روزی؛

— میانجی نماز گزار نزد ملک الموت؛

— چراغ و روشنایی در قبر؛

— فرش پهلو در قبر؛

— جواب نکیر و منکر؛

— مونس و زیارت کننده نماز گزار در قبر تا روز قیامت؛

— سایبانی از آفتاب محشر؛

— تاجی بر سر نماز گزار؛

— لباسی بر بدن او؛

— نوری در پیشاپیش او؛

— سپری از آتش دوزخ؛

— حجت مؤمن نزد خداوند؛

— سنگینی ترازوی عمل؛

— مجوّز گذر از صراط؛

و کلید بهشت است. (۱)

راستی که نماز شب، خیر دنیا و آخرت است و نگریستن به آن از دریچه نگاه انسان کامل دل و جان آدمی را به شور و وجد می آورد.

مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله می گفت: من وقتی برای تحصیل به شهر مقدس نجف اشرف مشرف شدم، از آن جهت که با مرحوم عارف ربّانی سید علی قاضی، خویشی و نسبت داشتم، گاهی از اوقات به محضر آن حضرت شرفیاب می شدم، تا این که روزی جلو درِ مدرسه ایستاده بودم، مرحوم قاضی از آنجا می گذشتند. وقتی به من رسیدند، دست شان را بر شانه من گذاردند و گفتند: ای فرزند، دنیا می خواهی نماز شب، آخرت هم می خواهی نماز شب. (۲)

و علامه پس از آن برخورد رمز آلود و این موعظه ژرف و تأثیر گذار نه از نماز شب جدا شد و نه مرحوم قاضی را رها کرد.

هردل که پریشان شود از ناله بلبل

در دامنش آویز که با او خبری هست

خدای متعال روح استاد آیت الله ایازی را در جوار و جرگه آل الله جای داده، بر سفره رزق ربّ میهمان فرماید، ایشان همواره طلبه ها را به سحرخیزی دعوت می کرد و آنان را حتی در نحوه راه رفتن به سکوت و آرامش و رعایت حال دیگران فرا می خواند؛ در مجموعه «راز سر به مهر» که به نام ایشان نوشته ام، یاد کرده ام:

۱- بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴ و ارشاد القلوب، ص ۳۱۶.

۲- مهر تابان (یاد نامه و مصاحبات تلمیذ و علامه عالم ربّانی سید محمد حسین طباطبایی تبریزی)، علامه آیت الله سید محمد حسین حسینی طهرانی، ص ۱۶.

روزی خدمت «آقا جان» (۱) مشرف شدم. بعد از اقامه نماز ظهر به امامت آقا و صرف نهار همیشگی، آش دوغ و استفاده از محضر و بیانات آن عزیز، هنگام مرخص شدنم، گفتم: آقا جان، عرضی داشتم. او با لحن همیشگی اش فرمود: «بگو بابا». گفتم اسم من این است (محمد هادی) و نام فامیل ما این (فلاح)، شما اهل سحرید، در خواست من از شما این است که در آن اوقاتِ خوشتان، وقت سحر نزد خداوند مرا به اسم و نام فامیلم یاد کنید و برای بیچارگی ام دعایی بفرمایید که ناگه بی اختیار، اشک، امانم را برید و آن عزیز مرا به سینه خود چسبانید و فرمود: «خدا توفیقتان دهد.» من نیز بی درنگ، قلب نازنین او را که ذکر الله، الله می گفت، بوسیدم.

اگر چه مستی عشقم خراب کرد، ولی

اساس هستی من زان خراب آباد است (۲)

از امام علی (ع) روایت است که سحرخیزی چهار اثر دارد:

۱. تن درستی؛ ۲. رضایت پروردگار؛ ۳. تمسک به اخلاق پیامبران؛ ۴. دست رساندن به رحمت خداوند. (۳)

ضمانت رزق و زیبایی چهره

ضمانت رزق و زیبایی چهره

امام صادق (ع) می فرماید: دروغ می گوید کسی که نماز شب می خواند و گمان برده (می گوید) گرسنه می ماند؛ زیرا نماز شب، عهده دار رزق روزانه است. (۴)

۱- همه طلبه ها ایشان را آقا جان خطاب می کردند.

۲- حافظ.

۳- «قیام اللیل مصحح للبدن و مرضاه للرب عزوجلّ و تعرض للرحمه و تمسک بأخلاق النبیین.» وسائل الشیعه ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب القنوت، باب ۱۰، ح ۱۴.

۴- محاسن برقی، باب ۶۱، ثواب من صلی صلاه اللیل.

«گره های روز را نماز شب باز می کند.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: خدای تعالی به دنیا پیغام داد که هر کس بنده تو باشد، او را رنجور دار و آنکه تو را رها سازد در خدمت او باش. و هر گاه بنده ای با خداوند در دل شب تنها و دور از چشمان دیگران با او به مناجات بنشیند، حضرتش نور را در قلب او ماندگار سازد و چون یارب یارب بگوید از سوی خداوند خطاب رسد: لثبیک بنده من، هر چه خواهی طلب کن تا تو را بخشم و کارهایت را به من واگذار که تو را بسنده باشم؛ سپس به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگان من، بنده ام را بنگرید که در دل این شب تیره با من خلوت نشسته است؛ در حالی که دیگران به بطالت سرگرم و به غفلت خواب اند، ای فرشتگانم، گواه باشید که من از او درگذشتم. (۲)

نماز شب، چهره را زیبا، خُلق و خوی را نیکو، فرد را خوش بو، رزق را مهیا می سازد و بدهی را ادا می کند و اندوه را از میان برده و دیده را جلا می بخشد. (۳)

امام رضا (ع) می فرماید: از امام علی بن الحسین (ع) پرسیده شد: چرا چهره سحرخیزان از همه مردم زیباتر است؟ امام فرمود: زیرا آنان با خداوند خلوت می کنند و آن حضرت از نور خود بر قامت شان می پوشاند. (۴)

آن را که نشان ضرب عشق است

از چهره او چو نور پیدا است

۱- نک: اسرار عبادات، ص ۳۰۱.

۲- میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلاة، ص ۴۶۴؛ هم چنین نک: میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۲، ص ۴۱۹، ح ۱۰۴۵۱.

۳- میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلاة، ص ۴۶۴؛ هم چنین نک: میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۲، ص ۴۱۹، ح ۱۰۴۵۱.

۴- « ما بال المتهجدين بالليل من احسن الناس وجهها؟ قال لأنهم خلوا بربهم _ بالله _ فكساهم الله من نوره.» همان و میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۱، ح ۱۰۴۶۴.

ضمانت روزی معنوی

ضمانت روزی معنوی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بر شما باد به برپایی نماز شب؛ زیرا این عمل، شیوه بندگانی است که با آن به پروردگارشان نزدیک می شوند و از گناهان پاک می گردند. (۱)

حاملان قرآن و شب زنده داران، بزرگواران و آبرومندان امتم هستند. (۲)

بهترین شما کسی است که سخنان پاکیزه گوید و میهمان پذیر باشد و طعام دهد و شب هنگام در حالی که مردم خوابند، برخیزد و نماز بگذارد. (۳)

از امام صادق (ع) روایت شده که هر کس در پایان نماز وتر، هفتاد مرتبه «استغفرالله ربی و اتوب الیه» بگوید و تا یک سال بر آن مداومت کند نام او در زمره «الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران: ۱۷) نگاشته می شود. (۴)

روایت است که خدای تعالی به حضرت داود وحی فرمود:

ای داود، همواره در تاریکی شب استغفار کن، که هر کس وقتی مردم خوابند، تنها برای من به نماز بایستد، فرشتگانم را فرمان دهم تا برای او استغفار کنند و بهشت ویژه من او را آرزو کند و هر تر و خشکی برای او دعا خواند. (۵)

(ای داود)، همانا من بندگانی دارم که از میان دیگران مرا دوست می دارند و من هم آنان را دوست دارم. آن ها مشتاق من اند و من نیز مشتاق آنانم؛ آنان مرا یاد می کنند، من هم آن ها را یاد می کنم، آنان به من می نگرند، من نیز به آنان می نگرم؛ (ای داود)، اگر تو نیز به طریقت آنان گام نهی تو را هم دوست خواهم داشت و چنانچه از راه آنان باز گردی تو را دشمن می دارم.

۱- رموز نماز، ص ۱۸۹ بر گرفته از: کتاب دعوات ابن راوندی.

۲- «قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اشرف امتی حمله القرآن و اصحاب اللیل.» نک: صدوق، خصال.

۳- «خیرکم من اطاب الکلام و اطعم الطعام و صلّى باللیل و الناس نیام.» بحار الأنوار.

۴- محاسن برقی، باب ۶۳، ص ۵۲ ثواب استغفارالوتر؛ مجمع البیان و تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه یاد شده؛ خصال صدوق، ح

۱۱۸۴؛ وسائل الشیعه ج ۴، کتاب الصلاة، باب ۱۰ از ابواب القنوت، ح ۲.

۵- نک: میرزا جواد ملکی تبریزی، رساله لقاءالله، ص ۱۲۹.

(داود) گفت: پروردگارا، نشانه اینان چیست؟

خداوند فرمود: چشم به سایه روز دوخته اند؛ چنان که چوپان به رمه خود چشم دوخته است، اینان غروب آفتاب را آرزو دارند، چونان که پرنده بازگشت به سوی لانه اش را آرزو می کند و چون شب همه جا را بپوشاند و با تاریکی درآمیزد و بسترها پهن گردند و تخت خواب ها برپا شوند و هر دوستداری با دوستداری خلوت کند، اینان قدم هایشان را به سوی من می گمارند و گونه هایشان را (بر زمین) می گسترانند و با سخنان من مرا می خوانند و به خاطر نعمت هایم نشسته، ایستاده، در حال رکوع و سجده لابه کرده، ضججه می زنند و گاه گریه کنان آه می کشند و شکوه می کنند، من آنان را می بینم که به خاطر من چه تحمّلی می کنند و می شنوم که از دوستی (دوری) ام گلایه دارند.

(ای داود)، نخستین چیزهایی که به آنان می دهم سه چیز است:

۱. از نور خویش در دل هایشان می افکنم (در نتیجه) آنان از من آگاه می شوند؛ چونان که من از آنان آگاهم.

بر او علم یک ذره پوشیده نیست

که پیدا و پنهان به نزدش یکی است ۲. اگر آسمان ها و زمین و هر آنچه در آن هاست، در ترازوی عملشان قرار گیرد، من همه اینها را اندک می شمارم.

۳. رویکردم به سوی آنان است، (ای داود) از نگاه تو آنکه را من به سویش رو کنم (آیا) کسی می داند که می خواهم چه به او عطا کنم؟ (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

خداوند ابراهیم (ع) را به دوستی برگزید؛ جز به این خاطر که میهمان نواز بود و در حالی که مردم به خواب بودند او به نماز شب می ایستاد. (۱)

به نیم شب که همه مست خواب خوش باشند

من و خیال تو و ناله های دردآلود

امام خمینی ذیل همین روایت می فرماید:

در فضیلت نماز شب تنها همین روایت برای اهل آن بسنده است، ما نمی دانیم خلعت خَلَّت (دوست شدن با خداوند) چه خلعتی است و این که حق تعالی بنده ای را به دوستی برگزیند، چه مقامی است؟ تمام عقل ها از تصور آن درمانده اند؛ اگر همه بهشت ها را به خلیل (دوست خدا) بدهند، او به آن ها نگاه هم نکند؛ برای مثال، اگر کسی را دوست بداری و او نزد تو عزیز باشد و بر تو وارد شود، تو با وصال جمال و دیدار او از هر ناز و نعمتی باز مانی و بی نیاز گردی، و این مَثَل با دوستی حق تعالی بسیار بی تناسب و فرق بین مشرقین است. (۲)

«چنانچه بیداری شب انسان را به حقیقت و سرّ نماز آگاه کند و با ذکر و فکر حقّ انس بگیرد و شب ها، مَطِیَّه (۳) معراج قرب او شود، که دیگر جز جمال جمیل حقّ برای او جزایی نتواند بود.» (۴)

— از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت است که: هر گاه خداوند نماز شب را روزی مرد و زنی می فرماید و او از خواب برخیزد و یک دله و با اخلاص

۱- «ما اتخذ الله ابراهیم خلیلاً- الا- لأطعمه الطعام و صلوه باللیل و الناس نیام.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۳۸.

۲- نک: اربعین حدیث، حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۰۳.

۳- چهارپایی که بر آن سوار شوند. فرهنگ عمید.

۴- نک: اربعین حدیث، ص ۲۰۴.

تنها برای خدا وضوی کاملی بسازد و با نیتی راستین و دلی درست و دور از بدی ها و با خشوع و دیده ای گریان به نماز بایستد، خداوند نه صف از ملائکه را پشت سر او قرار می دهد؛ چونان که عدد هر صف را جز خداوند کسی نتواند بشمارد؛ به گونه ای که یک سر صف در مشرق و طرف دیگر آن در مغرب باشد و چون از نماز فارغ شود، به عدد ملائکه برای او درجات بنویسند. (۱)

لذت و بهجت نماز شب

لذت و بهجت نماز شب

یارب شب دوشین چه مبارک سحری بود.

استاد شهید مطهری می گوید:

«ما یک سلسله لذت های معنوی داریم که معنویت ما را بالا می برد. برای کسی که اهل تهجد و نماز شب است، جزو صادقین و صابریین و مستغفرین بالأسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد، آن لذتی که یک نفر نماز شب خوان حقیقی و واقعی از نماز شب خودش می برد، از آن «استغفرالله ربی و اتوب و الیه»ها می برد، از آن «العفو گفتن ها» و یاد کردن و دعا کردن های حدّ اقل چهارمؤمن می برد، و آن لذتی که از آن «یارب یارب» گفتن ها می برد، هیچ وقت یک آدم عیاش... احساس نمی کند.

لذت آن نماز شب خوان خیلی عمیق تر، نیرومندتر و

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۳۹ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۳۶؛ امالی صدوق، ص ۲۴ و میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۲، ص ۴۱۹، ح ۱۰۴۵۲.

نشاط بخش تراست. (۱)

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

بی خود از شعشعه پرتو ذاتم کردند

باده از جام تجلی صفاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

بعد از این روی من و آینه وصف جمال

که در آن جا خبر از جلوه ذاتم دادند

من اگر کامروا گشتم و خوش دل چه عجب

مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند

هاتف آن روز به من مژده این دولت داد

که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند

این همه شاهد و شکر کز سخنم می ریزد

اجر صببری است کز آن شاخ نباتم دادند

همّت حافظ و انفاس سحرخیزان بود

که ز بند غم ایام نجاتم دادند

پاداش پس از مرگ

پاداش پس از مرگ

امام حسین (ع) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند:

۱- احیای تفکر اسلامی، ص ۹۳.

آنکه عمرش را با شب خیزی و بندگی خداوند به پایان رساند اهل بهشت خواهد بود. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

در روز واپسین بعد از آن که حق تعالی همه انسان ها را گرد هم آورده، ندایی به گوش می رسد که می گوید:

آنان که در دل شب از بستر خوابشان کناره گرفته، خدا را می خواندند و از خشم او در هراس بودند، گام پیش نهند. سپس گروهی قدم فرا نهاده پیش از دیگران بر مقام خویش وارد می شوند و پس از آنان به حساب مردم رسیدگی می شود. (۲)

به سند صحیح از آن حضرت روایت است که فرمود:

در بهشتی که اقامتگاه همیشگی است، درختی وجود دارد که از آن اسب های دو رنگ (سیاه و سفید) با زین های از یاقوت و زبرجد (سنگی گران بها) و دارای بال و پر و بدون فضولات حیوانی بیرون می آید؛ دوستان خدا بر آن ها سوار می شوند و به هر کجا که بخواهند پرش می کنند و چون اهل بهشت آن ها را ببینند خطاب به آنان می گویند: ای برادران، با ما به انصاف رفتار نکردید، سپس از خداوند می پرسند: پروردگارا، این بندگانت چگونه به این مقام رسیده اند؟ ملکی از عرش، بانگ زند که اینان در دنیا شبانگاه برای نماز از خواب برمی خواستند؛ در حالی که شما خواب بودید، آنان روزه داشتند، ولی شما طعام می خوردید، آن ها در راه خدا انفاق می کردند و شما دست تنگ می داشتید، آنان خدا را بسیار به یاد می آوردند و هر چند او را دوست می داشتند، ولی از ترس و هراس (عذاب) او گریه سر می دادند. (۳)

هم چنین روایت است که حق تعالی به حضرت موسی (ع) فرمود:

ای موسی، در نماز شب، تاریکی قبر را به یاد آور. (۴)

۱- نک: سازندگی های اخلاقی امام حسین (ع)، ص ۱۴۶.

۲- ارشادالقلوب، ج ۲، باب ۲۲، ص ۳-۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۳۹؛ ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۷۳؛ امالی صدوق، ۱۷۵ مجلس ۴۸، ح ۱۴.

۴- «قم فی ظلمه اللیل اجعل قبرک روضه من ریاض الجنان». نک: بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۵.

ای موسی، در تاریکی شب از خواب برخیز (و با من به نجوا بنشین) تا قبرت را باغی از باغ های بهشت قرار دهم. (۱)

این عبادت از موعظه های ابوذر غفاری بر در کعبه به حاجیان است که می گفت:

حجّی به جای آور که تو را به اهداف بلند برساند، روزه ای بگیر که تو را از رنجش قیامت باز دارد و برای ایمنی از وحشت قبر در تاریکی شب دو رکعت نماز بگزار. (۲)

عارفی را پس از مرگش به خواب دیدند و از او پرسیدند: «خدای با تو چه کرد؟ گفت: این همه اشارت ها ناپدید شد و آن همه _ عبارت ها همه ناچیز شد و هیچ چیز به کار نیامد مگر آن تسبیح ها که بامدادان کردم.» (۳)

مرا در این ظلمات آنکه رهنمایی کرد

نیاز نیم شبی بود و گریه سحری (۴)

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۶.

۲- «حَجَّ حَجَّةً لِعِظَائِمِ الْأُمُورِ وَ صُمَّ يَوْمًا لَزَجْرَةِ النَّشُورِ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لَوْحِشَةِ الْقُبُورِ.» بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۶۰، ح ۵۱.

۳- ترجمه رساله قشیریّه، پیشین، ص ۷۱۰ «طارت تلك الأشارات و طاحت تلك العبارات و غابت تلك العلوم و اندرست تلك الرّسوم، و ما نفعنا الا رکیعات کتّا نرکعها فی السحر.»

۴- حافظ.

فصل پنجم: مقام محمود

فصل پنجم: مقام محمود

همواره اوصاف خداوند در هستی تجلی دارد و جهان آفرینش چیزی جز تجلی صفات جمال و کمال خدا نیست. در جهان یک حقیقت مکنون وجود دارد که مانند غنچه پیوسته در حال شکوفا شدن است. عرفا در بحث از وحدت وجود مبحثی را با عنوان تنزلات یا تجلیات الهی مطرح کرده اند و چند مقام یا مرحله و یا مرتبه را برای آن برشمرده اند. البته این مقامات بر یکدیگر ترتب منطقی دارند؛ نه زمانی و مکانی. به دیگر بیان، این مقامات، مراحل تحقق تجلی الهی اند:

مقام غیب الغیوب: مرتبه پیش از تجلی که برای ادراک بشری دست نیافتنی است: «کان الله و لم یکن معه شیء».

برخی نیز گفته اند: «الآن کما کان».

مقام احدیت یا فیض اقدس: مرتبه تجلی بر خویش و خود آشکاری؛ یعنی مقام شکل گیری صورت علمی حقایق هستی.

مقام فیض مقدس: عالم ملکوت ویژه مجردات و وجودات عینی.

مقام یا عالم مثال^(۱): ویژه موجودات برزخی.

مقام یا عالم طبیعت: ویژه موجودات مادی.

عرفا به اعتباری همه جهان هستی را عالم صغیر یا آدم صغیر و خود انسان را عالم کبیر^(۲) ولی چکیده و فشرده می دانند. از نظر عرفا غایت

۱- نام های دیگر این مقام: عالم خیال، عالم برزخ و عالم قبر.

۲- عرفان حافظ، ص ۸۶.

آفرینش، انسان کامل است. به تعبیر استاد شهید مطهری: «در همه دنیاها و جهان‌ها حضور دارد و به اصطلاح عرفا «انسان کامل» و «کون جامع» و «جامع همه حضرات» و دارنده همه مراتب است.»^(۱) و انسان کامل همان است که تمام صفات خدایی در او گرد آمده است. پس عالم کبیر، محل تجلی ویژه خداوند است.

حکما نیز عوالم را سه گانه و انسان را عالم صغیر^(۲) دانسته اند:

۱. عالم عقل؛

۲. عالم مثال؛

۳. عالم ماده.

گفت پیغمبر که خلاق مجید

خلق عالم را سه گونه آفرید^(۳)

هر موجودی را در گونه و نوع خود شایستگی و قابلیت است و برای آنان مقام و فعلیت و حدّ معینی ترسیم شده است. فرشتگان که در زبان دین، ملائک و در زبان فلسفه و حکمت، عقول نام دارند از آن عالم عقل اند و مقام شان معین است. موجودات عالم مثال نیز در حدّ تعیین شده، از قابلیت به فعلیت خود می رسند. موجودات عالم مادی هم در همین دایره به ابزار تکامل خود دست می رسانند و قابلیت هایشان را بود می بخشند، ولی هیچ کدام نه حق دارند و نه می توانند که پا را فراتر از مقام تعیین شده

۱- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۳۷۲.

۲- ان الأنسان عالم صغیر.

۳- مولوی.

بگذارند؛ جز انسان که مقام معلوم ندارد و خوش استعدادترین است و می تواند به مقام محمود دست یابد.

وقتی جبرئیل امین در شب معراج و در جوار انسان کامل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به حدّ معین خود رسید، پیامبر او را فرمود: جبرئیل، پیش تر بیا. جبرئیل گفت: «لو دنوت لأحترقت؛ اگر یک گام از مقام خویش پیش نهم، خواهم سوخت».

گفت جبرئیل بیا اندر پی ام

گفت رو من حریف تو نی ام (۱)

پس هر عالم به فراخور ساختار خود، موجودات مخصوص به خود دارد، ولی انسان که تفصیل عوالم سه گانه و به اعتباری اندماج این عوالم و جهانی فشرده از این سه گانگی است، جهانی بنشسته در گوشه ای است و همه جا جای اوست.

«وجود انسان یک نسخه جامعی است از جهان بزرگ؛ از هر چه در جهان بزرگ هست، نمونه ای در وجود انسان هست.» (۲)

«حقاً باید گفت منکر مقام انسان هر که هست ابلیس است.» (۳)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً. (اسراء: ۷۰)

همانا ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم... و آن ها را بر بسیار از موجوداتی که خلق کرده ای برتری (ویژه) بخشیدیم.

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ ما انسان در بهترین صورت و نظام آفریدیم. (تین: ۴)

۱- مولوی.

۲- حکمت ها و اندرزها، ص ۱۶۴.

۳- ختم نبوت، ص ۲۹.

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است. (مؤمنون: ۱۴)

گر چه بود نفس مجرد همه جا جای او

لیک در آن یاری بال تو مرا آرزوست (۱)

استاد شهید مطهری در این خصوص می نویسد:

«انسان مرز و حد ندارد، ولی راه دارد.... انسان مرحله ندارد، به هر مرحله برسد نباید توقف کند، ولی مدار دارد؛ یعنی در یک مدار خاص باید حرکت کند. حرکت انسان در مدار انسانی تکامل است، نه در مدار دیگر....» (۲) «حرکت و سیلان انسان حدّ یقف ندارد. برخی از مفسران قرآن در تعبیرات و تأویلات خود آیه کریمه «يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ» (احزاب: ۱۳) را به یثرب انسانیت حمل کرده اند و گفته اند این انسان است که هیچ مقام معلوم و منزلگاه مشخص ندارد؛ هر چه پیش برود، باز می تواند به مقام بالاتر برود.... مقصود این است که علمای اسلامی انسان را این چنین می شناختند.» (۳) «گروهی از علما را عقیده بر این است که رسول اکرم دائما در حال ترقّی و بالا رفتن است و هیچ گاه این حرکت متوقف نمی شود.» (۴)

از آن جهت که مقام محمود در آیه ۷۹ سوره اسراء، مطلق و بدون قید آمده است، معلوم می شود که این مقام مورد پسند و به سود همه خلائق است.

۱- نگارنده.

۲- مجموعه آثار، ص ۵۷۱.

۳- مجموعه آثار، ص ۵۷۰.

۴- مجموعه آثار، ص ۵۷۱.

مقام محمود یعنی منزلت ستایش برانگیز و بر اساس روایات وارده از شیعه و سنی، مقام محمود به شفاعت کبرای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز قیامت تفسیر شده است. (۱)

امام صادق (ع) می فرماید:

همه کس در روز قیامت محتاج شفاعت محمداند. (۲)

پس انسان مقام معلوم ندارد، ولی با مراقبت همیشگی و رفتارهای شایسته و مداومت بر سحرخیزی، قابلیت و ظرفیت رسیدن به مقام محمود و نائل شدن به مقام رضایت و دست رساندن به مقام دریافت های قول ثقیل و حقایق ناب و پی در پی را داراست.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا. (اسراء: ۷۹)

و پاسی از شب را برای برپایی نافله شب (افزون بر دیگر واجبات، از خواب) برخیز؛ امید است که پروردگارت تو را به مقام محمود رساند.

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ... مِنْ آتَاءِ اللَّيْلِ... لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ. (طه: ۱۳۰)

پس در برابر آنچه می گویند صبر کن،... و برخی از ساعات شب (پروردگارت) را تسبیح گو، باشد که (از الطاف الهی) خوشنود شوی.

يَا أَيُّهَا الْمَزْمُلُ قُمْ اللَّيْلَ... إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا. (مزمّل: ۱ - ۵)

ای جامه به خود پیچیده، شب را جز کمی به پاخیز... چرا که ما به زودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد.

اینک نه وقت خواب است، کاین خواب تو حجاب است

۱- نک: تفسیر نورالثقلین ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء؛ تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

۲- تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۴۷.

از نیل فیض دادار قُمْ أَيُّهَا الْمَزْمَلُ (۱)

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی می نویسد: «سبحان الله چه قدر شأن این عمل (۲) بزرگ و ارزشش والاست که جزا و پاداش آن مقام ستوده، قرار داده شده است.» (۳)

مرحوم آخوند ملاحسین قلی همدانی می گوید:

«کسانی که در مقامات دین به جایی رسیده اند، همه از شب خیزها بوده اند، از غیر آن ها دیده نشده است.» (۴)

چه شکرهاست در این شهر که قانع شده اند

شاهبازان طریقت به مقام مگسی

لَمْعُ الْبُرْقُ مِنْ الطُّورِ وَ أَنْسَتْ بِهِ

فَلِعَلِّي لَكَ آتٍ بِشَهَابٍ قَبَسٍ (۵)

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

وه که بس بی خبر از غلغل چندین جرسی

بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن

حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی (۶)

۱- علامه حسن زاده آملی.

۲- یعنی شأن سحرخیزی برای نماز شب.

۳- اسرار الصلوه، ص ۴۵۶.

۴- نک: لقاء الله، ص ۱۰۰.

۵- «اشاره است به آیه شریفه فلما قضی موسى الأجل و سار بأهله آنس من جانب الطور نارا... و نیز این آیه اذ قال موسى لأهله انی آنست نارا سأتیکم منها بخبر او آتیکم بشهاب قبس لعلکم تصطلون و آنس از باب افعال چنان که در دو آیه شریفه ملاحظه شد همیشه متعدی بنفس است و متعدی به باء استعمال نشده، بنابر این آنست به در بیت خواجه از باب ضرورت شعر و باء زائده خواهد بود.» نک: دیوان خواجه، به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی.

۶- حافظ.

بخش سوم: زمزمه های عارفانه

اشاره

بخش سوم: زمزمه های عارفانه

این بخش را زمزمه های عارفانه نام نهاده و آن را در سه فصل سامان داده ام:

در فصل نخست، از زبان شاگرد مکتب قرآن کریم، لسان الغیب حافظ شیرازی به موضوع شب و سحر پرداخته ام.

در فصل دوم، به اثرگذار بودن دعای سحری، ویژگی و تأثیر دعای شام جمعه و نزدیک بودن آن به اجابت، خواستن تنها از خدا و اعتماد و باور به وعده حضرتش اشاره کرده ام.

در فصل سوم، از بایستگی اشک ریزی و سرشک دیده در سحر، معرفت آمیز بودن و اعجاز آن نوشته ام.

به خدا که جرعه ای ده تو به حافظ سحرخیز

که دعای صبحگاهی اثری کند شما را

فصل اول: شب و سحر از زبان حافظ

اشاره

فصل اول: شب و سحر از زبان حافظ

در این بخش، شایسته و زیبنده می دانم تا از سخنان و اشارت های لسان الغیب حافظ شیرازی در بیان شب و سحر بهره بجویم. «در موضوع سحرخیزی و مناجات سحر و گریه سحر، هیچ کس از حافظ بهتر سخن نگفته، به قدری سوزناک، به قدری مؤثر، و خودش مرد شب زنده دار و سحرخیزی بوده و مکرر تصریح می کند که من هر چه دارم از سحرخیزی دارم.»^(۱)

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس

که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست^(۲)

راه هونناک

حافظ مسیر زندگانی را راهی شب گونه، تیره و تار و چونان دریایی خروشان می داند و از تاریکی و موج و گرداب فراگیر آن بیم دارد و از سبکباران راه گلایه می کند، ولی در این تیرگی راه، برای رسیدن به وادی ایمن، امیدوار از پی گیرانه ای می گردد و از وعده گاه دیدار می پرسد و جلوه گری شمع روی معشوق را به عنوان یگانه مساعدت برای طی این طریق به انتظار نشسته است و از محرومیت چراغ راه هراسان است.

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل

کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها

شب تار است و ره وادی ایمن در پیش

آتش طور کجا موعد دیدار کجاست؟

۱- عرفان حافظ، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۵۸.

۲- حافظ.

شب ظلمت و بیابان به کجا توان رسیدن

مگر آن که شمع رویت به رهم چراغ دارد

مددی گر به چراغی نکند آتش طور

چاره تیره شب وادی ایمن چه کنم

دعا و گریه نیم شب

حافظ برای دست یافتن و رسیدن به دلدار، یعنی گنج حقیقی که مقصود راستین و گم شده دل و جان همه آدمیان است، شاه کلید دعای صبح و آه شب را فرادستان نهاده ما را به مداومت بر آن فرامی خواند. و سوز و لابه و گریه سحری را هم در کارسازی و وصول به هدف و نیز در دفع صدبلا اثرگذار و آن را سپر و حربه ای در برابر رقیب ستمگر می داند. و باورمندانه دعای سحر و درس و آموخته های سحری را فراتر و از هر ورد دیگر بسنده می شمارد.

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است

بدین راه و روش می رو که با دلدار پیوندی

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند

نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند

کی یافتی رقیب تو چندین مجال ظلم

مظلومی ار شبی به در داور آمدی

به هیچ ورد دگر نیست حاجت ای حافظ

دعای نیم شب و درس صبحگاهت بس

شب زنده داری و پاسبانی

حافظ اندیشه غیر حق را بیگانه و دشمن می دارد و شب زنده داری و پاسبانی از حرم دل و منع نامحرمان وهم و خیال را در سیاهی شام زندگی ضرور می شمرد و بیداری شبانه را شمع گونه، حضور در مقام پاکبازان و نگهبانان دل و وفای به عشق می داند و باد صبا را بر مراقبت و مداومت خویش بر این عمل، گواه می گیرد.

پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب

تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

شاه بیدار بخت را هر شب

ما نگهبان افسر و کلیم

از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح

بوی زلف تو همان مونس جان است که بود

فراخوان شب زنده داری

به راستی هر که به سرمایه معنوی و ثروت حضور در غیب دست رسانید، نسبت به دارایی اش بخیل و دست تنگ نیست، «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ؛ او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل ندارد». (تکویر: ۲۴)

حافظ نیز که آموخته آموزه های قرآنی است، با گشاده دستی و دلی فراخ، همه را میهمان دارایی های سحری اش می سازد و به دارا شدن در سحر فرامی خواند.

به شکر آن که شکفتی به کام بخت ای گل

نسیم وصل ز مرغ سحر دریغ مدار

زندگی شبانه و شبانی قوای ظاهر و باطن و آشنایی با شیوه میر عسس، یعنی همان شبگردی و پاسبانی را در راه عشق توصیه دارد. زمان نزول و فرود بخشش ها و دِهش های فراسویی را ویژه گاه سحر می داند. او گذران روزگار را خاطر نشان کرده و بیداری و همراهی شبانه و دریافت خوش دلی و سیر سحری را سفارش می کند. دست یافته های خویش را از دعای شب و آموخته های سحری می داند و برخی از لحظه های زندگی مانند ماه شعبان و رمضان را برای کام یابی، ویژه برمی شمارد. معاشرت و به درازا گذراندن با یار را توصیه می کند و مداومان و مراقبان بر این عمل را امید می دهد و فرصت شمردن آنان را مبارک می خواند.

عشرت شبگیر کن می نوش کاندرا راه عشق

شب روان را آشنایی هاست با میر عسس (۱)

گفتم که بر خیالت راه نظر بیندم

گفتا که شب رو است او از راه دیگر آید

آن زمان وقت می صبح فروغ است که شب

گرد خرگاه افق پرده شام اندازد

شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما

بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد

شب صحبت غنیمت دان و داد خوشدلی بستان

که مهتابی دل افروز است و طرف لاله زاری خوش

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول
ز ورد نیم شب و درس صبحگاه رسید
می صبح و شکر خواب صبحدم تا چند
به عذر نیم شبی کوش و گریه سحری
گل مراد تو آن که نقاب بگشاید
که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد
به گوش هوش نیوش از من و به عشرت کوش
که این سخن سحر از هاتقم به گوش آمد
ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
محصول دعا در ره جانانه نهادیم
ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید
از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
معاشران گره از زلف یار باز کنید
شبی خوش است بدین قصه اش دراز کنید
ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز
فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری

تأثیر دولت سحر

آن که دل همه دل در گرو لیلی آفرینش دارد و مجنون وار در جهان فروردین می گذراند و به حقیقت در عالم فرازین طیران دارد، جهش و درخشش نوری فراسویی در سحر شیدایی اش را افزون سازد و بوی دلاویز غیب او را نیرو بخشد، پشتیبان شود و تأیید کند. آن که سحرپیشه شده

است، تأثیر دولت سحر را اندک نشمارد و گمان نبرد که عجز و ناله و لابه سحرگاهی اش به بارگاه الله تباه گردد که هر قطره آن به گاه مقزّر ثروتی بی مثال و اعجاب انگیز را پدید آورد. و گورا باد آن که را همت بلند است.

برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر

وه که با خرمن مجنون دل افگار چه کرد

صبا وقت سحر بویی ز زلف یار می آورد

دل شوریده ما را به بو در کار می آورد

سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد

به دست مرحمت یارم در امیدواران زد

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است

یارب این تأثیر دولت از کدامین کوب است

دانم دلت ببخشد بر عجز شب نشینان

گر حال بنده پرسی از باد صبحگاهی

گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت

قطره باران ما گوهر یک دانه شد

سخرخیزی حافظ

حافظ گاه از بیداری شبانه و سخرخیزی و حالات و اشک و آه و ناله و خوشی های سحری خود می گوید و به آن می بالد، ولی او نیز مانند هر آرامش یافته ای از اظهار و تظاهر به دارایی های معنوی اش بی نیاز است. از این رو، تنها بر آن است که راه بنمایاند و حیران و گمشدگی انسان باورمند را پایان دهد و او از تنهایی به سرای انس رهنمون شود و از فقر و بی چیزی

به گنج بی کرانش رساند. و چه دردناک از فروگذاری و بازماندن از سحر افسوس می خورد:

ترک افسانه بگو حافظ و می نوش دمی

که نخفتیم شب و شمع به افسانه بسوخت

به بوی مژده وصل تو تا سحر شب دوش

به راه باد نهادم چراغ روشن چشم

دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود

تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود

بر طرف گلشنم گذر افتاد وقت صبح

آن دم که کار مرغ سحر آه و ناله بود

از دست برده بود خمار غمم سحر

دولت مساعد آمد و می در پیاله بود

سحر سرشک روانم سر خرابی داشت

گرم نه خون جگر می گرفت دامن چشم

خنده و گریه عشاق ز جایی دگر است

می سرایم به شب و وقت سحر می مویم

ما را به آب دیده شب و روز ماجراست

زان رهگذر که بر سر کویش چرا رود

گرم ترانه چنگ صبح نیست چه باک

نوای من به سحر آه عذرخواه من است

دریغا عیش شب گیری که در خواب سحر بگذشت

ندانی قدر وقت ای دل مگر وقتی که درمانی

بازگویی آرزومندی ها

هر کس از خدایش خواسته ای مادی و معنوی دارد و روا شدنش را آرزو می کند و شاید گاه و بیگاه و یا هر دم که به یادش آید خواهشش را بر زبان آورد و از خداوند اجابت خواهد، ولی حافظ وقت سحر را مغتنم می شمرد و آرزومندی های ویژه را به این گاه سحرانگیز می کشاند و الطاف و دهنش های خداوند را در این زمان خواستار می شود و دل و جانش را علاج کند.

و باز یادآور می شوم که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

بهترین و سودمندترین گاهی که در آن، خداوند را بخوانید، اوقات سحری است. (۱)

سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی

خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی

ای نسیم سحری خاک در یار بیار

که کند حافظ از او دیده دل نورانی

ای نسیم سحری بندگی من برسان

که فراموش مکن وقت دعای سحرم

بیار می که چون حافظ هزارم استظهار

به گریه سحری و نیاز نیم شبی است

ساقی چو شاه نوش کند باده صبوح

گو جام زر به حافظ شب زنده دار بخش

۱- «خیر وقت دعوتم الله فيه الأسحار.» وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۱۷.

سحر به بوی گلستان دمی شدم در باغ

که تا چو بلبل بی دل کنم علاج دماغ

کامیابی

باز گفتن قصه هجران، حکایتی دراز و دامنه دار است که حتی صد رساله تنها از عهده بیان شمه ای از آن نیز بر نیایند. دم فرو بستن، شکرانه ای است و برای زودتر رسیدن به مقصد و مقصود بهترین است.

انسان مهجور در هجران و انتظار، گاه هجر را گزارش می کند و در برخی اوقات، فراق را شب گونه، تیره و دیجور، بیماری، جنون آور، اسارت، رنجوری، کاهنده و گمراه کننده می خواند و نیز گاه از مهجوریت و دورماندگی از معشوق گلایه می کند و از حالات، آرزومندی، بیداری و انتظار شبانه خویش و امید وصال می گوید. از نگاه عاشقِ دورافتاده به ویژه سحرپیشگان منتظر و آرزومند، شادی بخش ترین خبر، پیغام پایان هجران و فراق و بهترین پیغام آور پیام آور وصل و خوش ترین اوقات، حضور در ساحت محبوب و مصاحبت پنهانی با او و وصال و کام یافتن است.

دیدم به خواب دوش که ماهی بر آمدی

کز عکس روی او شب هجران سر آمدی

پیر میخانه سحر جام جهان بینم داد

واندر آن آینه از حُسن تو کرد آگام

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد

زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

صبح امید که بد معتکف پرده غیب

گو برون آی که کار شب تار آخر شد

حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد

شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

شب وصل است و طی شد نامه هجر

سلام فيه حتی مطلع الفجر

من این مراد بینم به خود که نیم شبی

به جای اشک روان در کنار من باشی

نرگشش عربده جوی و لبش افسوس کنان

نیم شب دوش به بالین من آمد بنشست

در شب قدر ار صبحی کرده ام عییم مکن

سرخوش آمد یار و جامی بر کنار طاق بود

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

کس ندیده ست ز مشک ختن و نافه چین

آن چه من هر سحر از باد صبا می بینم

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

شب تنهایی ام در قصد جان بود

خیالش لطف های بی کران کرد

خوشش باد آن نسیم صبحگاهی

که درد شب نشینان را دوا کرد

قدرشناسی

ما شیعیان بر این باوریم که عترت و آل رسول صلی الله علیه و آله راه های کامیابی در این جهان اند و حتی بهره مندی همه هستی، از فیضان وجودی و خجستگی این ناب ترین واسطه ها میان آفریدگار و جهان آفرینش است.

سوز دل اشک روان آه سحر ناله شب

این همه از نظر لطف شما می بینم

از رهگذر خاک سر کوی شما بود

هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

فصل دوم: تأثیر دعای سحر

اشاره

فصل دوم: تأثیر دعای سحر

«خواهش، با سرشت و سرنوشت آدمی، آمیخته است و خواستن در همه جای هستی، سیریان دارد. کیست که داراست، ولی هیچ نخواهد و وجودش، تداعی گر یک نیاز نباشد؟ بودنِ هر چیز، تپش یک نیازمندی است که راه های اجابت آن در گذر زمان با گرایش های گونه گون بشری، متفاوت شده است. از این رو، خرد ورزانه است که نیازهایمان را از دریچه عمل های بایسته و زمزمه های شایسته، سازمان داده، از خزانه دارنده بخشنده، سامان

دهیم؛ چه آشفته خواهی و خواستن از دست و دل تهی، نیاز انسانِ درمانده را بیش تر ساخته و خوشه سردرگمی اش را پُر بارتر می سازد.»^(۱)

«زندگی، بی دعا و بدون درخواست از خدا، خودسری است و دعای صرف بدون عمل هم، آفت زدگی، تنبلی و ایستایی در رشد و تکامل است.

دعا، به همراه عمل، بهترین ارتباط با بهترین موجود عالم است.

دعا، آرام بخش روح و قلب انسان است.

دعا، اعتماد به قدرت کامل، گسترده، بی نهایت و ماندگار است.

دعا، رسیدن به خواسته های شدنی با عنایت خداست.

دعا، بعد از عمل، کلید درهای بسته است»^(۲)

«از دعا و خواستن از خدا، ناامید نباش که شیطان بعد از امر به هُیُوط و خروج، دعا کرد و دعایش به اجابت رسید.

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ. قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ. (اعراف: ۱۴ و ۱۵)

(شیطان به خدا) گفت: تا روز قیامت مرا مهلت ده. خدا فرمود: تو (تا وقت معلوم) مهلت داده شده ای.^(۳)

دوستان را کجا کنی محروم

تو که با دشمنان نظر داری

الهی، در بسته نیست، ما دست و پا بسته ایم.^(۴)

الهی، کی الله گفت و لبیک نشنید.^(۵)

۱- نک: زمزمه های اشتیاق، چکیده بخش چهارم.

۲- نک: مناجات سبز، پیش گفتار.

۳- نک: حرف های ماندگار، بخش دعا و راز و نیاز.

۴- حرف های ماندگار، بخش دعا و راز و نیاز ص ۲۶.

۵- حرف های ماندگار، بخش دعا و راز و نیاز ص ۲۷.

شب عاشقان بی دل چه شب دراز باشد

تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد(۱)

دعا و خداگرایی تو، مخصوص روزهای نداری و بیکاری و ضعف و ناتوانی تو نباشد که فقر تو را همواره در خود پیچیده است.

وَ إِذَا مَسَّ الْأَنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ. (یونس: ۱۲)

و هرگاه آدمی برنج و زیانی در افتد همان لحظه بهر حالت باشد از نشسته و خفته و ایستاده فوراً ما را به دعا می خواند آنگاه که رنج و زیانش بر طرف شود باز به حال غفلت و غرور چنان باز می گردد که گویی هیچ ما را برای دفع ضرر و رنج خود نخوانده است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱. بهترین و سودمندترین هنگامی که در آن، خداوند را بخوانید، اوقات سحری است.(۲)

۲. هرگاه پایان شب فرا می رسد، خدای سبحان فرماید: آیا دعا کننده ای هست (که مرا بخواند) تا جوابش دهم؟ آیا خواهنده ای هست (که از من بخواهد) تا عطایش کنم؟ آیا آمرزش خواهی هست (که از من آمرزش طلب کند) تا او را بیا مرزم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟(۳)

باد گل بوی سحر خوش می وزد خیز ای ندیم

بسکه خواهد رفت بر بالای خاک ما نسیم

راه نومیدی گرفتیم رحمت دل می دهد

۱- سعدی.

۲- «خیر وقت دعوتم الله فيه الأسحار». وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۱۷.

۳- «إذا كان آخر الليل، يقول الله سبحانه: هل من داع فأجيبه؟ هل من سائل فأعطيه؟ هل من مستغفر فأغفر له؟ هل من تائب فأتوب عليه؟» وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۱۸.

کای گنه کاران هنوز امید عفوست از کریم

گر چه شیطان رجیم از راه انصافم ببرد

همچنان امید می دارم به رحمان رحیم

سعدیا، بسیار گفتن عمر ضایع کردن است

وقت عذر آوردن است استغفر الله العظيم

۳. یا علی، بخشی از شب را هر چند به اندازه دوشیدن گوسفند باشد به نماز بایست. و در هر سحر از خدا بخواه که در آن لحظات دعایی ردّ نمی شود. (۱)

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند

دعای نیم شبی رفع صد بلا بکند

ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند

هر آنکه خدمت جام جهان نما بکند (۲)

امام باقر (ع) می فرماید:

خدای عزوجل هر خواهشی را از بندگان مؤمنش دوست می دارد، پس هماره از سحر تا طلوع خورشید دعا کنید؛ زیرا در این لحظات، درهای آسمان گشوده، روزی ها قسمت و خواهش های بزرگ بر آورده می شود. (۳)

سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی

خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی

۱- «یا علی، صلّ من اللیل و لو قدر حَلْب شاه، و بالأسحار فادع فأن عند ذلك لا تُرد عوه.» بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۶۷، ح ۱۰.

۲- حافظ.

۳- «ان الله عزوجل يحب من عباده المؤمنين كل دعاء، فعليكم بالدعاء في السحر الى طلوع الشمس، فأنها ساعه تفتح فيها ابواب السماء و تقسم فيها الأرزاق و تقضى الحوائج العظام.» وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۲۷۴.

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصودست

بدین راه و روش می رو که با دلدار پیوندی (۱)

سحر گاهان برای مؤمنان و کسان و فرزندانمان هم دعایی، آهی، اشکی هم. آنکه سحر ندارد، از لطف حق خبر ندارد.

نقل است که مرحوم ملا محمدتقی مجلسی (مجلسی اول، پدر مرحوم علامه مجلسی دوم) می گفت: در یکی از شب ها به گاه سحر، حال خوشی داشتم، دریافتم که در این حال هر چه از حق تعالی بخواهم به من عطا خواهد کرد، پس در این اندیشه شدم که چه چیزی از آن عزیز طلب کنم که ناگهان محمدباقر در گهواره اش گریه سر داد، من نیز بی درنگ عرضه داشتم:

بارخدایا، به محمد و آل محمد، پسر محمدباقر را در رواج و نشر احکام بزرگ پیامبران یاری فرما و توفیق بی کرانش عطا فرما. (۲)

دعای سحر شب جمعه

امام باقر (ع) می فرماید:

همانا خدای تعالی را ملکی است که او را فرمان دهد تا از آغاز تا پایان هر شب جمعه از بالای عرش (مؤمنان را) بخواند:

آیا بنده مومنی هست که پیش از طلوع فجر مرا برای آخرت و دنیایش بخواند و من دارایی اش را بیفزایم و آن را گسترش دهم؟

آیا بنده مومن بیماری هست که پیش از طلوع فجر از من بهبودی بخواهد و من او را عافیت بخشم؟

۱- حافظ.

۲- نک: داستانهای شیرین از نماز شب، ص ۵۲ برگرفته از: کتاب وحید بهبهانی، ص ۱۰۰.

آیا بنده مومن دل افکار و دربندی هست که پیش از طلوع فجر که رهایی از بند و گشایشی از من بخواهد تا آزادی اش بخشم و راهش را هموار سازم؟

آیا بنده مومن ستمدیده ای هست که پیش از طلوع فجر، مظلومیتش را بر من عرضه دارد و من او را یاری رسانده و حقش را باز ستانم؟

امام می فرماید: این ملک پیوسته تا طلوع فجر، آواز دهد. (۱)

و چنان که پیش تر یاد آور شدیم از امام صادق (ع) نیز روایت است که: وقتی برادران یوسف از یعقوب (یعنی از پدرشان) خواستند تا برای آنان از خداوند آمرزش بطلبد، یعقوب گفت: «بزودی از پروردگارم برایتان استغفار می طلبم» (۲) و (تحقق خواهش فرزندان را) تا سحر شب جمعه پس گذاشت تا دعایش به اجابت رسد. (۳)

وعده خدا

خداوند می فرماید:

وَ قَالَ رَبُّكُمْ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ. (مؤمن: ۶۰)

پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم. کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند.

وَ اِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاَنْتَى قَرِيْبٌ اُجِيْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَا فَلْيَسْتَجِيبُوا لِيْ وَ لِيُؤْمِنُوْا بِيْ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُوْنَ. (بقره: ۱۸۶)

۱- نک: مفاتیح الجنان، اعمال شب جمعه.

۲- «قال سوف استغفر لكم ربى». يوسف: ۹۸.

۳- «لما سأل اخوه يوسف يعقوب ان يستغفر لهم، قال سوف استغفر لكم ربى، ثم أخرج الأستغفار الى السحر من ليله الجمعة كى يستجاب له». نک: مفاتیح الجنان، اعمال شب جمعه.

و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم. پس باید دعوات مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند).

«گویند: کسی بود دعا کرد که یا رب آنچه تو را زیان ندارد و ما را _ از آن _ منفعت بود از ما باز مدار، به خواب دید که _ وی را _ گفتند: آن چیز که تو را زیان دارد و به کارت نیاید دست بدار.» (۱)

«وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ یاری مؤمنان بر ما واجب و لازم است. (روم: ۴۷)

«وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ یاری و نصرت، جز از جانب خدای عزیز و حکیم نیست. (آل عمران: ۱۲۶)

تنها خدا

خداوند از پیامبران خود که به آنان عنایت های ویژه ای داشته است توقع خاصی دارد. به این معنی که گله و شکوه نکنند و به جز او پناه نجویند و از غیر او نهراسند، فرمان نبرند و هیچ نخواهند.

رُؤِيَ أَنَّ الْخَلِيلَ لَمَّا طَرِحَ فِي النَّارِ، قَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ: هَلْ لَكَ حَاجَةٌ؟ فَقَالَ: أَمَا إِلَيْكَ فَلَا. (۲)

آنگاه که ابراهیم خلیل (ع) در آتش انداخته شد، جبرئیل به او گفت: آیا حاجتی داری؟ ابراهیم (ع) گفت: ولی به تو هرگز.

یونس پیامبر (ع) آزادی و رهایی و آمرزش خود را تنها از خدا خواست و نجات یافت و سُبُك بَار شد:

۱- ترجمه رساله قشیریّه، پیشین، ص ۷۱۸.

۲- تحفه المراد، ص ۱۷۷؛ در بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۶۳، روایت ۱، باب ۲، این روایت، به بیان دیگر از امام علی بن موسی الرضا (ع) نیز نقل شده است.

وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ. (انبیاء: ۸۷ و ۸۸)

یونس را یاد آر آن گاه که [بدون فرمان ما] غضبناک از کنار قوم خود دور شد و می پنداشت ما بر او سخت نخواهیم گرفت [ولی پس از آن که طعمه نهنگ دریا شد] در تاریکی [اشتباه و دل نهنگ] فریاد برآورد: بار خدایا، معبودی جز تو نیست، تو پاک و منزهی و من از ستمکارانم. ما دعایش را مستجاب کردیم و او را از غم و اندوه رهایی بخشیدیم، و ما مؤمنان را این گونه نجات می دهیم.

در سوره صافات آمده است:

فَلَوْلَا أَنْ هُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِ هِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. (صافات: ۱۴۳ و ۱۴۴)

اگر یونس آن ذکر تسبیح را [در دل نهنگ] نمی گفت تا روز قیامت در شکم آن زندانی می ماند.

ما در مطالعه شرایط سخت و رنج آور زندگی حضرت لوط (ع)، هیچ از زبان آن حضرت گلایه، شکایت، هراس و فرمان بری و خواهش از غیر خدا را مشاهده نمی کنیم:

«رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْْمَلُونَ؛ پروردگارا، مرا و خاندان و یارانم را از عملشان نجات بخش.» (شعراء: ۱۶۹)

«رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ؛ پروردگارا، مرا بر قوم بدکار یاری ده.» (عنکبوت: ۳۰)

و نیز آنجا که فرشتگان آسمانی میهمان او بودند (و او هر چند آنان را نشناخته بود)، هیچ از آنان در برابر هجوم مستانه و وحشیانه قوم خود

یاری نخواست و به نقل از امام صادق (ع) تنها توانمندی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را آرزو داشت. (۱)

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ. قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ. (عنکبوت: ۳۰)

لوط گفت: کاش بر شما نیرویی داشتم یا تکیه گاهی و پشتیبان محکمی در اختیار من بود. فرشتگان عذاب گفتند: ای لوط، ما از فرستادگان پروردگار تو هستیم....

خدا را خدا را که تنها خدا را مخاطب راز و خواسته های خود قرار دهیم یا لاقل، اول او را، و سِرِّ نجات یونس (ع) را دریابیم که «كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ؛ ما مؤمنان را اینگونه نجات می دهیم».

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند (۲)

«مؤمنان اگر در ظلمت شب نیز ندای «إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». (صافات: ۱۴۳) سر دهند، فرشته صفا بخش به اذن حق بر آنان رحمت فرو خواهد ریخت و لذت اجابت حق را خواهند چشید.» (۳)

پس به هوش باشیم که جز بر الله تکیه نکنیم و در خواستن به دارایی او بنگریم نه به فقر خود.

شبی از نرگسی قطره چندی چکید

سحر دیده بر کرد و دنیا بدید

که حیف است از این جا فراتر شدن

۱- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۲۸ و بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۵۸.

۲- حافظ.

۳- اوصاف پارسایان، ص ۱۴۳.

دریغ است محروم از این در شدن

نرفتم به محرومی از هیچ کوی

چرا از در حق شوم زرد روی

هم این جا کنم دست خواهش دراز

که دانم نگردم تهی دست باز

سحر برد شخصی چراغش به سر

رمق دید از او چون چراغ سحر

همی گفت غلغل کنان از فرح

وَمَنْ دَقَّ بَابَ الْكَرِيمِ انْفَتَحَ (۱)

نقل است شاعری در نکوهش خواستن از خدا و نشنیدن پاسخ، سروده است:

چو رسی به طور سینا ارنی مگو و بگذر

که نیارزد این تمنا به جواب لَنْ ترانی

شاعر دیگر در پاسخ او و رهانکردن در گاه حق تعالی سروده است:

چو رسی به طور سینا ارنی بگو و مگذر

که خوش است ز او جوابی چه تری چه لَنْ ترانی

«حکایت کنند که مردی بود دائم _ می _ گفתי العافیة، العافیة، گفتند: این چه دعاست؟ گفت: من حَمَّالِی کردم، اندر ابتداء کار، روزی پاره آرد _ از آن کسی برگرفتم _ می بردم، مانده شدم و جایی بنهادم تا بیاسایم، گفتم: یا رب اگر مرا دو قرص دهی بی رنج _ من _ بدان قناعت کنم؛ دو مرد، جنگ

می کردند، فراز شدم تا میان ایشان صلح کنم یکی چیزی بر سر من زد و خصم را خواست زد بر من آمد و روی من خون آلود شد، مردسلطان بیامد ایشان را بگرفت، مرا دید خون آلود _ و مرا نیز بگرفت _ پنداشت که من خصومت کرده ام _ و همه _ به زندان بردند و مدتی _ دراز _ اندر زندان بماندم. هر روز دو قرص به من دادندی، شبی به خواب دیدم که گفتند: این دو قرص است که تو خواستی بی رنج و عافیت نخواستی _ چون _ بیدار شدم گفتم: العافیه، العافیه، در وقت، در زندان بزدند و گفتند: کجاست _ آن مرد _ حمال و مرا رها کردند.»(۱)

امام زین العابدین (ع) در مناجات با خداوند عرضه می دارد:

إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَنِي عَنْكَ حَوْلًا. (۲)

کرد گارا، کیست که طعم محبت تو را چشیده و به جای تو دیگری را خواهد؟ و کیست که با قرب تو انس گرفته و از تو روی تافته باشد؟

کسی که بر لب کوثر چشید جام مراد

دهان خویشتن از آب شور تر نکند

إِلَهِي مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ وَمَا أَعَذَّبَ شُرْبِ قُرْبِكَ. (۳)

بارالها، چه پاکیزه است طعم محبت تو و چه گواراست شراب قرب تو.

بار خدایا، ما را از کسانی قرار ده که به شیوه خویش با ناله و زاری به درگاه تو آرامش می یابند و عمرشان آه سوزناک، و پیشانی آن ها برای بزرگی و شکوه تو بر خاک، و دیده هایشان شبانه برای بندگی تو بیدار، و از هراس

۱- ترجمه رساله قشیریّه، ص ۷۱۴ و ۷۱۵.

۲- نک: مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشر، مناجات المحبین.

۳- مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشر، مناجات العارفين.

(عذاب) تو سرشک چشمانشان بر گونه های آنان روان و دل هاشان به مهر تو آویخته و درونشان از هیبت تو گسیخته است. (۱)

و در روز عرفه اظهار می دارد:

بارخدایا، شبم را به بیداری برای عبادت، تنهایی شبانه ام را برای نماز شب، و دوری گزیدن از علایق دنیوی ام را با آرامشی به سوی خویش و بر آورده شدن نیازمندی های بایسته ام آباد گردان. (۲)

۱- مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشر، مناجات المحبین.

۲- «و امر لیلی بأیقاظی فیه لعبادتک و تفردی بالتهجد لک و تجردی بسکونی الیک و انزال حوائجی بک.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۲، ح ۸۹۵۲. برگرفته از: صحیفه سجادیه، دعای ۴۷.

فصل سوم: اشک های سحری

اشاره

فصل سوم: اشک های سحری

اشک ریزی، به ویژه سترشک سحری که از یادآوری گناهان و ترس و هراس از عذاب خدای قهار و سختی های روز واپسین بر گونه های خداگرایان جاری می شود، به چند دلیل بهترین آداب به شمار می آید:

۱. گریستن بر رقت قلب، و نرمی و نازکی دل بر اخلاصی دلالت دارد که اجابت در دامانش حاصل است؛

۲. نشانه انقطاع الی الله و داشتن خشوع فراوان است؛

۳. گردن نهادن به توصیه ها و فرمانی است که خدای سبحان به پیامبرانش داشته است؛

۴. ویژگی هایی را که اشک ریزی داراست در طاعات دیگر یافت نمی شود. (۱)

۱- نک: عُدَّة الدَّاعِي وَ نَجَاح السَّاعِي، ص ۱۵۶ _ ۱۵۴.

از حضرت آیت الله جوادی آملی نقل است: دل مؤمن که عرش رحمان خوانده شده، بر اشک استوار است؛ زیرا «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ» و «كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ». (هود: ۷)

حافظ ز دیده دانه اشکی همی فشان

باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما

خداوند به حضرت موسی (ع) می فرماید:

ای پسر عمران...، از دیدگانت اشک را به من ببخش. (۱)

به حسن آنچه که دادند ندادند مگر

همه از اشک بصر بوده و آه سحری (۲)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که:

۱. هر چیزی را پیمانانه و سنجشی است، جز گریستن (برای خدا)، که یک قطره از آن دریاهایی از آتش (عذاب) را فرو می نشاند. (۳)

۲. چنانچه در یک ملت و گروهی تنها یک نفر آن ها از بیم (عذاب) خداوند بگرید، حق تعالی بر همه آنان ترحم کند. (۴)

۳. گریستن از ترس (عذاب) خداوند، موج های دریای خشم حق تعالی را فرو می نشاند. (۵)

۴. هر کس از گناهی بگرید بخشوده می شود، و هر که از ترس آتش عذاب گریه کند، خداوند او را از آتش ایمن گرداند و آنکه از شوق بهشت

۱- «یابن عمران، هب لی... من عینک الدموع.» نک: وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۳۰.

۲- علامه حسن زاده آملی.

۳- ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۹۱؛ بحارالأنوار، ج ۹۳، ۳۳۱، ح ۱۴.

۴- ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۹۱؛ بحارالأنوار، ج ۹۳، ۳۳۱، ح ۱۴.

۵- ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۹۰.

به گریه افتد، خداوند در بهشتش جای دهد و ایمنی از هراس بزرگ قیامت را برای او بنویسد. و اگر کسی از بیم (قهر) خداوند اشک بریزد، آن حضرت او را با پیامبران و صدیقان و شهدا و نیکان محشور سازد و اینان چه نیکو رفقای هستند. (۱)

۵. هیچ مؤمنی نیست که سرشک چشمانش به اندازه پر مگسی بر گونه هایش جاری گردد، جز آن که خداوند آتش را بر روی او حرام کند. (۲)

کنونت که چشم است اشکی بیار

زبان در دهان است عذری بیار

در برخی از احادیث آمده است هر چند به اندازه سر مگس هم باشد از چشمانش اشک بگیرد. (۳)

«گریه (۴) بر هر درد بی درمان دواست

از امام صادق (ع) روایت است:

من نور قلب را می جستم، آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم. (۵)

نقل است که کسی «پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید، پیامبر وی را فرمود: قرآن برخواندی، گریستن کو؟» (۶)

۱- ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۹۲ و مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۶ و ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۹۱.

۳- «عن سعید بن یسار قال: قلت لأبي عبد الله (ع): أتباكي في الدعا وليس لي بكاء؟ قال: نعم و لو مثل رأس الذباب.» نك: عده الداعي و نجاح الساعي، ص ۱۶۱ و ۱۶۰.

۴- در این شعر واقعی دست برده و می گویند: خنده بر هر درد بی درمان دواست؛ البته خنده در زندگی لازم و ضروری است، ولی گریستن به بیداری و درمان نزدیک تر و از غفلت و درد دورتر است.

۵- «طلبت نور القلب فوجدته في التفكير والبكاء» میزان الحکمه، ج ۱۰، باب ۳۹۶۱، ص ۲۳۴، ح ۲۰۵۳۶.

۶- ترجمه رساله قشیریّه، ص ۷۱۷.

پیامبر به امام علی فرمود:

یا علی، بر تو باد به گریستن از ترس و هراس (عذاب) خداوند که به ازای هر سرشک آن، خانه ای در بهشت برای تو بنا می شود. (۱)

تا به خرمن برسد کشت امیدی که تو راست

چاره کار به جز دیده بارانی نیست

گویند کسی رویی زیبا به خواب دید و می گفت: هرگز از آن نیکوتر ندیده بودم. چونان که می درخشید، به او گفتم: چه نیکو رویی داری، گفت: یاد داری آن شب که بگریستی؟ گفتم: دارم، گفت: من از آن اشک تو برگرفتم، به روی خویش اندر مالیدم، روی من چنین شد که می بینی. (۲)

همچنین در حدیث است که اگر دل و جانت بسته بود و دیدگانت بخیلی کردند، خود را به حالت گریه در آور. (۳)

تا که خویش از گریه های نیمه شب سیراب دار

کز درون او شعاع آفتاب آید برون

گر به روی تو حریم خویش را در بسته اند

سر به سنگ آستان زن، لعل ناب آید برون (۴)

ولی بدانیم که خشکی و بسته شدن دیده هامان از سنگ دلی است و برای این که در پیشگاه خداوند دلی نرم و نازک و دیدگانی سخاوتمند داشته باشیم باید که پیش تر، از خود مراقبت کنیم و در دست یافتن به آن

۱- ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۹ به هر قطره هزار خانه در بهشت؛ عدّه الدّاعی و نجاج السّاعی، ص ۱۷۱ و بحار الانوار، ج ۹۳/۳۲۳۴.

۲- ترجمه رساله قُشیریه، ص ۷۱۷.

۳- «قال الصادق (ع): و ان لم یکن بک بکاء فلتتباک [فتباک]» نک: عدّه الدّاعی و نجاج السّاعی، ص ۱۶۰.

۴- اقبال لاهور.

بکوشیم. باور کنیم که جهان را صاحبی باشد خدا نام، نگاه او را بپذیریم و نزد او آبروداری کنیم.

امام علی (ع) می فرماید:

اگر کسی از شما خواست بداند که جایگاه و منزلت او نزد خداوند چون است باید بنگرد جایگاه و منزلت خداوند نزد او در هنگام گناه چگونه است. (۱)

«شیخ بوعلی دقاق، مریدی داشت بازرگان [که] بیمار شد [ه بود]، شیخ به عیادت وی آمد و پرسید که تو را چه شد؟ _ بازرگان _ گفت: شب برخاستم که وضو سازم _ تا نماز شب به جای آرم _ تابی بر پشت من افتاد و دردی سخت پدید آمد و تب در پیوست [دردش ادامه یافت.] استاد [شیخ بوعلی دقاق] گفت: تو را به این فضولی چه کار که نماز شب کنی؟ تو را [وابستگی به] مردار دنیا از خویشتن دور می باید کرد؛ کسی را که سر [ش] درد کند _ و _ طلا (۲) بر پا نهد، هرگز به نشود و چون دست [ش] نجس گردد [و] آستین شوید، هرگز پاک نگردد.» (۳)

تحصیل معرفت

اشک و سرشک دیده می بایست که از هراس درونی و حقیقی و از سر معرفت و شناخت ژرف با پیش زمینه ای از نگاه مطالعاتی و اندیشه ای و از

۱- «من اراد منکم ان يعلم کیف منزله عند الله فلینظر کیف منزله الله منه عند الذنوب.»

۲- طلاء: قَطْران یا قَطْران، دارویی که بر عضوی بمالند، ماده دُهنی روغنی شکل و سیاه رنگ که از برخی درختان مانند صنوبر و عرعر و امثال آن می چکد، در فارسی کتران و کتیران هم گفته شده؛ قطران زغال سنگ، ماده سیاهی که از تقطیر زغال سنگ به دست می آید و در معالجه داء الصُّدْف و اکزما (نوعی بیماری پوستی) به کار می رود. نک: فرهنگ عمید، واژه های طلاء، قطران، داء الصدف و اکزوما.

۳- نفحات الأنس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمن جامی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، ص ۲۹۸.

سر عشق و مهرورزی باشد و الا جز شوری آن، چیزی به دست و دل سود، نرسد.

گوهر معرفت اندوز که با خود ببری

که نصیب دگران است نصاب زر و سیم

«کلید همه خوبی ها و سعادت ها، معرفت خدا و محبت اوست، و لذیذترین لذات و خوشی ها در انس با خداست.»^(۱)

در زیارت شریف عاشورا می خوانیم: «الحمد لله الذی اکرمنی بمعرفتکم؛^(۲) حمد و سپاس خدایی را سزااست که مرا به معرفت شما گرامی داشته است». پس گرامی شدن در نزد خدا از جمله بر معرفت آل الله مبتنی است و بر آن تکیه دارد. هم چنین است گریستن در پیشگاه خدا، و فراتر از آن. زیستن ایده آل جز بر پایه شناخت بنا نمی شود و زندگی، بی معرفت هیچ امنیت ندارد و گوارا نیست.

گر کیمیا دهندت بی معرفت گدایی

ور معرفت دهندت بفروش کیمیا را

امام علی (ع) فرمود:

چه بسا تلاشگری که نشسته باشد و پیش نرود و چه بسا بیداری که خفته باشد.^(۳)

هم چنین امام زین العابدین (ع) می فرماید: ترس این نیست که کسی گریه کند و از دیده هایش اشک بریزد، ولی از پارسایی که او را از گناهان باز دارد برخوردار نباشد که این جز ترس کاذب نیست.^(۴)

۱- اسرارالصلوه، ص ۴۷۲.

۲- بخشی از دعای زیارت عاشورا.

۳- «ربّ ساع لقاعد، ربّ ساهر لراقد.» میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۲۰، ص ۵۷۴، ح ۸۹۶۸.

۴- «و لیس الخوف من بکی و جرت دموعه مالم یکن له ورع یحجزه عن معاصی الله و انما ذلک خوف کاذب.» نک: عُدّه الدّاعی و نجاح الساعی، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

بی کمال سوز دردی نام دین هرگز مبر

بی جمال شوق وصلی تکیه بر ایمان مکن

شهید مطهری درباره گروه خوارج می نویسد: «آنان [خوارج] دوازده هزار نفر بودند که از سجده زیاد، پیشانی شان و سر زانوهایشان پینه بسته بود؛ زاهدانه می خوردند و زاهدانه می پوشیدند و زاهدانه زندگی می کردند؛ زبانشان همواره به ذکر خدا جاری بود، ولی روح اسلام را نمی شناختند و ثقافت اسلامی نداشتند؛ همه کسری ها را با فشار بر روی رکوع و سجود می خواستند جبران کنند؛ تنگ نظر، ظاهرپرست، جاهل و جامد بودند و سدی بزرگ در برابر اسلام.» (۱)

به گوش امام علی (ع) رساندند، فلانی که از خوارج است، وقت سحر برای نماز برمی خیزد و قرآن می خواند، امام فرمود: «خوابی که بر یقین استوار باشد، از نمازی که بر شک و ترید بلغزد سودمندتر است.» (۲)

و نیز از آن حضرت روایت است:

چه بسا روزه داری که از روزه گرفتنش جز گرسنگی و تشنگی سود نبرد و چه بسا نمازگزاری که از سحرخیزی اش جز بیداری و رنجوری عایدش نشود، چه خوش است خواب زیرکان و طعام خوردنشان. (۳)

امام صادق (ع) می فرماید:

اگر مردم می دانستند که در معرفه الله چیست، هرگز به زندگی دنیای

۱- مجموعه آثار، استاد شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۴۹۲.

۲- «نوم علی یقین خیر من صلاه فی شک.» میزان الحکمه، پیشین، ح ۸۹۶۹.

۳- «کم من صائم لیس له من صیامه الا- الجوع والظمأ، وکم من قائم لیس له من قیامه الا السهر و العناء، حیث اذا نوم الاکیاس و افطارهم.» میزان الحکمه، پیشین، ح ۸۹۶۹.

دشمنان و نعمت های آن که همچون شکوفه می درخشند، چشم نمی دوختند و دنیای آن ها در نظرشان از آنچه که زیر پای خود می گذارند بسی کم ارج تر می بود! و با معرفت خدا متنعم می شدند و از آن مثال شادمانی کسی که همواره در باغ های بهشت با دوستان خدا است لذت ها می بردند.

همانا معرفه الله، آشنایی در شرایط ترس و دل‌تنگی، همراهی در تنهایی، روشنایی در تاریکی، نیرویی در برابر ناتوانی و بهبودی هر دردی است. (۱)

جای دارد در این بخش از حالات سحری امام امیر المؤمنین علی (ع) یاد کنیم:

«حَبَّه عُرْنِي وَ نَوْفِ بِكَالِي، شب را در صحن حیاط دارالاماره کوفه خوابیدند. بعد از نیمه شب دیدند امیرالمؤمنین علی (ع) آهسته از داخل قصر به طرف صحن حیاط می آید، ولی با حالتی غیر عادی، دهشت فوق العاده ای بر او مستولی است، قادر نیست تعادل خود را حفظ کند، دست خود را به دیوار تکیه داده و خم شده و با کمک دیوار قدم به قدم پیش می آید و با خود آیات آخر سوره آل عمران را زمزمه می کند:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَ... تَا إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ.

همین که این آیات را به آخر رساند از سرگرفت، مکرر این آیات را _ در حالی که از خود بی خود شده بود و گویی هوش از سرش پریده بود _ تلاوت کرد.

۱- «لو يعلم الناس ما في فضل معرفه الله تعالى ما مَدَّوْا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مُتَّعَ بِهِ الْأَعْدَاءُ مِنْ زَهْرِهِ الْحَيَوِهِ الدُّنْيَا وَ نَعِيمِهَا وَ كَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلًا عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطُؤُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ وَ لَنَعْمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَلَذُّدُوا بِهَا تَلَذُّدًا مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّةِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ أُنْسٌ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ وَ صَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ وَ نُورٌ مِنْ كُلِّ ظَلَمَةٍ وَ قُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ وَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سَيْقَمٍ.»
نک: وافی، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳.

حبه و نوف هر دو در بستر خویش آرمیده بودند و این منظره عجیب را از نظر می گذرانند، حبه مانند بُهت زدگان خیره خیره می نگریست، ولی نوف نتوانست جلو اشک چشم خود را بگیرد و مرتب گریه می کرد، تا این که علی به نزدیک خوابگاه حبه رسید و گفت:

— خوابی یا بیدار؟

— بیدارم یا امیرالمؤمنین، تو که از هیبت و خشیت خدا این چنین هستی پس وای به حال ما بیچارگان!

امیرالمؤمنین چشم ها را پایین انداخت و گریست، آن گاه فرمود:

ای حبه، همگی ما روزی در مقابل خداوند نگهداشته خواهیم شد، و هیچ عملی از اعمال ما بر او پوشیده نیست، او به من و تو از رگ گردن نزدیک تر است، هیچ چیز نمی تواند بین ما و خدا حائل شود.

آن گاه به نوف خطاب کرد:

— خوابی؟

— نه یا امیرالمؤمنین، بیدارم، مدتی است که اشک می ریزم.

— ای نوف، اگر امروز از خوف خدا زیاد بگریی، فردا چشمت روشن خواهد شد.

ای نوف، هر قطره اشکی که از خوف خدا از دیده ای بیرون آید، دریاهایی از آتش را فرو می نشاند.

ای نوف، هیچ کس مقام و منزلتش بالاتر از کسی نیست که از خوف خدا بگرید و به خاطر خدا دوست بدارد.

ای نوف، آن کس که خدا را دوست بدارد و هر چه را دوست می دارد به خاطر خدا دوست بدارد، چیزی را بر دوستی خدا ترجیح نمی دهد و آن

کس که هر چه را دشمن می دارد به خاطر خدا دشمن بدارد، از این دشمنی جز نیکی به او نخواهد رسید. هر گاه به این درجه رسیدید حقایق ایمان را به کمال دریافته اید.

سپس لختی حبه و نوف را موعظه کرد و اندرز داد؛ آخرین جمله ای که گفت این بود: از خدا بترسید، من به شما ابلاغ کردم.

آن گاه از آن دو نفر گذشت و سرگرم احوال خود شد، به مناجات پرداخت، می گفت: خدایا، ای کاش می دانستم هنگامی که از تو غفلت می کنم تو از من رو می گردانی یا باز به من توجه داری؟ ای کاش می دانستم در این خواب های طولانی ام و در این کوتاهی کردنم، در شکرگزاری، حالم نزد تو چگونه است؟

حبه و نوف گفتند: به خدا قسم دائما راه رفت و حالش همین بود تا صبح طلوع کرد. ^(۱)

تا به خرمن برسد کشت امیدی که تو راست

چاره کار به جز دیده بارانی نیست یکی از صحابی امام علی (ع) در حضور معاویه از حالات شبانگاهی آن حضرت باز گفت (به گونه ای که معاویه این دشمن دیرینه علی را به گریه وا داشت):

«گواهی می دهم که من به چشم خود دیده ام آن حضرت در جاهایی از عبادتش، وقتی شب پرده اش را بر همه جا می گسترانید او در محرابش به

۱- داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری، داستان ۱۱۱ خوابی یابیدار برگرفته از: بحار الأنوار، ج ۹، چاپ تبریز، ص ۵۸۹، والکنی والألقاب، ذیل «البکالی».

نماز می ایستاد و ریش مبارکش را در مُشت خود می گرفت و چونان مار گزیده ای به خود می پیچید و مثال دل سوخته ای می گریست و می گفت:

آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و کلانی و بزرگی محل فرود. (۱)

ابودرداء می گوید: علی (ع) را در حالت سجده به گونه ای مشاهده کردم که گویی هیچ صدایی نمی شنود و حرکتی ندارد، فریاد زد: سوگند به خدا، علی (ع) مرده است، شتابان به فاطمه علیها السلام خبر دادم که علی (ع) در مسجد فوت کرده است.

فاطمه علیها السلام به من فرمود:

هِيَ وَاللَّهِ الْعُشِيَّةُ الَّتِي تَأْخُذُهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ.

به خدا سوگند این حالت، نوعی بیهوشی از ترس خداست که بر علی (ع) عارض می شود. (۲) (ابودرداء تو یکبار دیده ای، فاطمه همیشه علی را به این حال مشاهده می کند؛ این حالت علی برای فاطمه نا آشنا نیست).

علی آن شیرخدا شاه عرب

الفتی داشته با این دل شب

شب ز اسرار علی آگاه است

دل شب محرم سرالله است

شب شفته است مناجات علی

۱- «فأشهد لقد رأيتَه في بعض مواقفه و قد ارخى الليل سدوله و هو قائم في محرابه، قابض علی لحيته، يتململ تململ السليم و ييكي بكاء الحزين و يقول: ... آه من قله الزاد و طول الطرق و بعد السفر و عظيم المورد.» نك: نهج البلاغه فيض الإسلام، باب المختار من الحكم، حكمت ۷۴.

۲- نهج الحياه، محمد دشتياهمكاري جمعی از پژوهشگران مؤسسه، ح ۲۴، ص ۴۶.

جوشش چشمه عشق ازلی

در جهانی همه شور و همه شر

ها علیٰ بشر کیف بشر

شبروان مست ولای تو علی

جان عالم به فدای تو علی (۱) امام علی (ع) ضمن توصیف حالات پرهیزکاران در شب و سحر، دیگران را نیز راه می نماید و چگونه بودن و زیستن در هر سحر را به آنان می آموزد:

— پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند؛

— قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند؛

— با قرآن جان خود را محزون ساخته و داروی درد خود را می یابند؛

— وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند و با جان پرشوق در آن خیره شوند، و گمان می برند که نعمت های بهشت در برابر دیدگان شان قرار دارد؛

— هرگاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می سپارند و گویا صدای برهم خوردن شعله های آتش، در گوش شان طنین افکن است؛

— پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک می ساینند؛

— از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می طلبند؛

— در روز، دانشمندی بُردبار و نیکوکارانی با تقوا هستند. (۲)

۱- شهریار.

۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۹۳.

از پیشوایان دینی نقل شده است که از نشانه های پیروان امام علی (ع) این است که: هرگاه شب همه جا را بپوشاند، آنان زمین را بستر خود می سازند و با پیشانی شان روی به زمین، سجده هایشان بسیار و سرشک دیده هایشان فراوان و دعا و خواسته آن ها (از خداوند) فراوان است؛ مردم شادمانند؛ در حالی که آنان به دل اندوه دارند. (۱)

نقل است مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی _ این مست ولای مولایش علی و آموخته مکتب علوی _ شب ها که برای نماز شب از خواب برمی خواستند، ابتدا مدتی در همان بسترشان بلندبلند گریه می کرد.

با یاد خوشت خُسیم، در خواب خوشت بینم

از خواب چو برخیزم، اول تو به یاد آیی

سپس بیرون آمده با نگاه به آسمان آیات آخر سوره آل عمران را قرائت می کرد و سر بر دیوار می گریست و باز پس از تطهیر و پیش از وضو کنار حوض می نشست و اشک می ریخت. و تا رسیدن بر سر سجاده و شروع نماز شب چندین جا نشسته و برخاسته، گریه می کرد و چون به نماز می ایستاد، دیگر حال و وصال در نمازشان به وصف نگنجد. (۲)

در گلستان خواهش، بی شبنم سرشکی

گل دسته دعا را رنگ اثر نباشد

بی فیض گریه عاشق، از نشئه بی نصیب است

پیمانه تهی دان چشمی که تر نباشد

۱- رموز نماز، ص ۱۸۹ بر گرفته از: خصال صدوق.

۲- نک: رساله لقاء الله، ص ۱۲۸.

گریه و ناله امروز تو، به درگاه الهی، نقد و بی شک از گریه نسیه و شیون فردای دیگران برای تو، عاقلانه و سودمندتر است. خداوند به حضرت موسی و عیسی (ع) فرمود:

ای موسی، تا در دنیایی به حال خود گریه کن: «إِنَّكَ عَلَىٰ نَفْسِكَ مَا كُنْتَ فِي الدُّنْيَا». (۱)

ای عیسی در خلوت ها گریه به حال خود را پیشه کن: «يا عيسى، إِنَّكَ عَلَىٰ نَفْسِكَ فِي الْخَلَوَاتِ». (۲)

نقل است که امام صادق (ع) گاه شبانه بر مزار اهل قبور می آمد و می گفت:

ای اهل قبور، چگونه است که من شما را می خوانم و شما هیچ پاسخ نمی گوید؟

سپس می گفت: سوگند به خدا میان آنان و جواب گویی، پرده افتاده است و گویا من هم مثل آن ها خواهم شد. آن گاه تا برآمدن خورشید رو به قبله به نماز می ایستاد. (۳)

مفتقرا متاب رو، از در او به هیچ سو

زان که مس وجود را فضّه او طلا کند

نقل است که مرحوم ملامحمد اشرفی از شاگردان مرحوم سعید العلماء بارفروشی (۴) وقت سحر در نجوا و زمزمه سحری، به گونه ای بر سر و سینه

۱- تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۵۹۱.

۲- تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۵۹۳.

۳- نک: شب مردان خدا، ص ۶۰ برگرفته از: مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۸۴.

۴- مرقد این دو دانشمند بزرگ با فاصله از هم در نزدیکی مسجد جامع شهر بابل استان مازنداران قرار دارد.

می زد که صبح هنگام چهره اش چونان می نمود که گمان می رفت از بستر بیماری برخاسته است. (۱)

چون شب آمد همه را دیده بیارآمد و من

گویی اندر بُن مویم سر نشتر می شد

یکی از نزدیکان سید جلیل القدر حجت الاسلام شفتی نقل می کند که با ایشان هم سفر بودم، وقتی شب فرا رسید در یکی از روستاهای بین راه منزل کردیم. چون لختی از شب گذشت، برای خواب به جای خود رفتم، سید گمان برد که من خوابیدم، برخاست و به نماز ایستاد و گریه را سر داد؛ چونان که بندگان کالبدش مرتعش بود و دو فککش به هم می خورد و نمی توانست کلمات نماز را صحیح ادا کند.

به گواهی بزرگان او هر سحرگاه در خانه و کتاب خانه اش نیز دیوانه وار، سخت می گریست و گاه همسایگان با خبر و بیدار می شدند. (۲)

ز جور کوبک طالع سحرگهان چشمم

چنان گریست که ناهید دید و مه دانست (۳)

حضرت سید الساجدین امام زین العابدین (ع) با چشمانی اشک بار به خدای متعال عرضه می دارد:

بار الها،

مرا به گریه بر حال خودم، کمک ده؛ زیرا من حقیقتاً با مسامحه و آرزوها، عمرم را به باد فنا سپردم و آن چنان تنزل یافتم که از خیر خود

۱- قصص العلماء، ص ۱۲۳.

۲- نک: داستان های شیرین از نماز شب، ص ۵۷ _ ۵۶ برگرفته از: کتاب وحید بهبهانی، ص ۲۲۲ و قصص العلماء، ص ۱۲۳ و ۱۳۷.

۳- حافظ.

ناامیدم. پس بد حال تر از من کیست اگر بر همین حال به قبرم که برای خوابیدن و آرمیدن، آن را هموار و با عمل صالح، مفروش نساختم، پای بگذارم؟

من چرا نگریم در حالی که نمی دانم بازگشت من به چه سوی خواهد بود. و می بینم نفس (آماره ام) بر من خدعه به کار می برد و روزگارم در حالی که مرگ بالهائش را بر سرم می جنباند فریبم می دهد. چرا من نگریم؟

گریه می کنم برای جان دادنم؛ گریه می کنم برای تاریکی قبرم؛ گریه می کنم برای تنگی و فشار لَحَیدم؛ گریه می کنم برای پرسشی که (منکر و نکیر) از من خواهند داشت؛ گریه می کنم برای آن زمانی که از گورم بیرون می آیم؛ در حالی که برهنه و خوارم و سنگینی بار گناهانم را بر دوش می کشم؛ یکبار از طرف راستم و بار دیگر از طرف چپم می نگرم، آن گاه که مردم همه در کاری غیر از کار من باشند در آن روز برای هر کدام از آن ها کار و وضع خاصی است که آن ها را بس است. چهره هایی در آن روز، گشاده و خندان و شادمان، و چهره هایی غبار آلود و گرفته و مات و خوارند. (۱)

۱- «أَعْنَى بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَ الْأَمَالِ عُمْرِي وَ قَدْ نَزَلْتُ مَنزِلَهُ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أَمْهِدْهُ لِرُقْمَدَتِي وَ لَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي. وَ مَالِي لَا أَبْكِي وَ لَا أَذْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَ أَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَ أَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَ قَدْ خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَهُ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا أَبْكِي. أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي، أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي، أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِيَّايَ، أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عَزِيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَ أُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجْوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ وَجْوهٌ يُومِئِدُ عَلَيْهَا غَبْرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتْرَةٌ وَ ذَلَّةٌ». نك: دعای امام سجّاد (ع)، معروف به دعای ابو حمزه ثمالی.

بخش چهارم: آداب سحرخیزی

اشاره

بخش چهارم: آداب سحرخیزی

این بخش را در چهار فصل شکل داده ام:

در فصل نخست بایسته هایی از مراقبت، اخلاص و شکیبایی و همت بلند، و یک یادسپاری را به یادگار گذارده ام.

در فصل دوم آداب پیش از خواب و در فصل سوم آداب پس از بیداری و چند توصیه را نوشته ام.

در فصل چهارم از تأثیرپذیری و سعادت خشت و گِل خانه هایی که در آن نماز شب را برپا می دارند و نیز خانواده های سعادتمند و برخی بانوان سحرخیز یاد کرده ام.

نخفته ام ز خیالی که می پزد دل من

خمار صدشبه دارم شراب خانه کجاست (۱)

فصل اول: بایسته ها

۱. ذکر مراقبت

همواره از دل و جانمان مراقبت کنیم و به هوش باشیم گول حالی را که بدون مراقبت پیش آید نخوریم و باور کنیم که جز تقوای خدایی که مراقبت

حقیقی است، چیز دیگری در شب خیزی ما اثرگذار نخواهد بود و سحرخیزیمان نیز جز بدین طریق، ثمر نخواهد داد:

إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالزَّمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَشْهَرَتْ لِيَالِيَهُمْ وَأَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ (۱)

بی گمان تقوای خدایی دوستان خدا رادر رعایت حریم محارم او، حمایت کرده، ترس از خدا را ملازم دل های آنان قرار داده است؛ به گونه ای که شب هایشان را زنده نگاه می دارند.

«أَيَقْظُوا بِهَا نَوْمَهُمْ (۲)؛ خواب خویش را به وسیله تقوا به بیداری تبدیل کنید.»

استاد حسن زاده آملی _ حفظه الله _ می فرماید:

«ای عزیز مهم ترین ذکر، مراقبت است که مقام عندیّت است و مصاحبت با حق تعالی. هم نشین از هم نشین خو می گیرد (۳) و بدان شناخته می شود به قول فصیح لبید بن ربیعہ صحابی: «المرء يصلحه القرین الصالح (۴)؛ هم نشین شایسته، انسان را شایسته می سازد.»

مراقبت های روزانه برای رسیدن به گاه سحر و دست یافتن به فیوضات و برکات سحری و نیز «حالات اول شب در توفیق آخر شب مؤثر است» (۵). «قول و عمل انسان از حال و از صفتی که در قلب است نشأت می گیرد.» (۶)

ما هر گونه که باشیم و هر جور که روز بگذرانیم، شبمان همان را آبتن می شود و می زاید.

بدان مثل که شب آبتن است روز از تو

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳.

۳- توالی بگو با کیان زیستی پس آن گه بگویم که تو کیستی «سعدی».

۴- انسان در عرف عرفان، حسن حسن زاده آملی، ص ۳۳ و ۳۴.

۵- اسرار الصلوه، ص ۴۶۶.

۶- اسرار الصلوه، ص ۴۷۸.

ستاره می شمرم تا که شب چه زاید باز(۱)

نقل است مرحوم شیخ عباس تهرانی می گفت: من شب ها هنگام سحر صدای ملکی را که مرا از خواب بیدار می کرد، می شنیدم که خطاب به من می گفت: حاج آقا، حاج آقا، برخیز نماز شب بخوان. گاهی هم می گفت: حاجی، حاجی، نماز شب. برخی از سحرها هم می گفت: عباس، عباس، بیدار شو. و گاهی از اوقات صدا می زد: آهای، آهای، پاشو پاشو، که نماز شب از دست رفت.

شیخ می گفت: رفتارهای روزانه ام اسم و حقیقت مرا صورت می داد و آن ملک در این خطاب ها، هیچ تقصیر و غرضی نداشت، بلکه او هر جور که مرا می دید صدا می زد.

مراقبت ناتمام، دریافت ناتمام

حضرت علامه حسن زاده آملی از برخی حالات برهه جوانی خود چنین یاد می کند:

«در اواسط ماه ذی القعدة ۱۳۸۹ ه. ق، در وقت سحر به حال توجه نشسته بودم، انتقالی روی آورد، و به تعبیری روح از بدن حرکت کرد و اموری مشاهده شده است، و لکن این امور تیره و آمیخته با الوان و احوال و تعلقات و خار و خاشاک عالم ناسوت طبیعت بوده است و انتقال و حرکت روح هم بسیار کند و سنگین بوده است، و مدتش نیز کم بوده است؛ فهمیدم که مراقبت کامل و تام نیست و به کلی قطع علاقه از کدورات دنیاوی دست نداده است.(۲)

۱- حافظ.

۲- انسان در عرف عرفان، ص ۳۳ و ۳۴.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است (۱)

سزا و جزای حرف های بی مراقبه

«در سحر شب یک شنبه ۱۲ جمادی الأول سنه ۱۳۸۹ ه. ق = ۱۳۴۸ ه. ش، بعد از نافله شب و نافله و فریضه صبح، در اربعینی که ذکر جلاله «الله» را هر روز بعد از نماز صبح به عددی خاص داشتم، بعد از این ذکر به توجه نشستم که ناگهان جذبه و حالتی دست داد و بدن به طوری به صدا در آمد و می لرزید؛ آن چنان صدایی که مثلاً تراکتور روی سنگ های درشت و جاده ناهموار می رود، دیدم که جانم از بدنم مفارقت کرد و متصاعد شد، ولی در بدنی مثال بدن عالم خواب قرار دارد، تا قدری بالا رفت. دیدم در میان خانه ای هستم که تیرهای آن همه چوبی و نجاری شده است، ولی من در این خانه مانند پرنده ای که در خانه در بسته گرفتار شده است و به این طرف و آن طرف پرواز می کند و راه خروج نمی یابد، تخمیناً در مدت یک ربع ساعت گرفتار بودم و به این سو و آن سو می شتافتم، دیدم در این خانه زندانیم نمی توانم به در بروم، سخنی از گوینده ای شنیدم و خود او را ندیدم که به من گفت: این محبوس بودنت بر اثر حرف های زیاد و بی خود توست، چرا حرف ها را نمی پایی؟

من در آن حال چندین بار خدای متعال را به پیغمبر خاتم برای نجاتم قسم دادم و به تضرع و زاری افتادم که ناگهان چشم به طرف شمال خانه افتاد که دیدم دریچه ای که یک شخص آدم بتواند به در رود به رویم گشوده

شد. از آن جا در رفته و پس از به در آمدن چندی به سوی مشرق در طیران بودم و دو باره به جانب قبله رهسپار شدم.

و هنگامی که از آن حبس رهایی یافتم یعنی از خانه به در آمدم، آن خانه را بسیار بزرگ و مجلل دیدم که در میان باغی بنا شده است و آن باغ را نهایت نبود و آن را درخت های گوناگون پر از شکوفه سفید بود که در عمرم چنان منظره ای ندیدم.

و می بینم که به اندازه ارتفاع درخت ها در هوا سیر می کنم؛ به گونه ای که رویم یعنی مقادیم بدنم همه به سوی آسمان است و پشت به زمین، و به اراده و همت و فرمان خود نشیب و فراز دارم، و بسیار خدای متعال را به پیغمبر خاتم و همه انبیاء قسم می دادم که کشف حقائقی برایم دست دهد، در همین حال به خود آمدم.

آن محبوس بودن چند دقیقه بسیار در من اثر بد گذاشت؛ به گونه ای که بدنم خسته و کوفته شده است و سرم و شانه هایم همه سخت درد گرفت، و قلبم به شدت می زد.»(۱)

۲. گوهر اخلاص

و چون از سحرپیشگان شدیم، همواره پیکره و روح نمازشی را که آفریدیم، دور از گزند هواجس در چند لایه از ملحفه سپید و نورانی اخلاص بیچانیم و به دور آن حصار مراقبت کشیم و در پیچاپیچ و فراز و نشیب زندگانی و جزر و مدّ و قبض و بسط و اقبال و ادبار حالات، آن را از آسیب های روی و ریا نگاهداریم و سخته و پخته با مشعل فروزان بینش و مددجویی از بلد

راه آن را به سلامت از پلکان ملکوت بر فراز بریم و در جرگه فرشتگان و همه‌تسبیح و تقدیس آنان، عبادت آدم را به نمایش گذاریم.

ساقیا بده جامی زان شراب روحانی

تا دمی برآسایم زین حجاب جسمانی

دین و دل به یک دیدن باختیم و خرسندیم

در قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی؟

زاهدی به میخانه، سرخ روی می دیدم

گفتمش مبارک باد بر تو این مسلمانی(۱)

مرحوم آخوند ملامحمد کاشی(۲) به هنگام سحر سخت مخلصانه و در وصال تمام و با سوز و گداز به نماز می ایستاد. نقل است در یکی از روزها کسی طلبه ای را پس از پایان درس مرحوم آخوند به حضورشان آورد و گفت: آقا، این شیخ می گوید: شب گذشته از در و دیوار صدای «سُبُوحٌ قُدُوسٌ رَبُّنَا وَ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» شنیده است و به چشم خود شما را به سجده دیده و ذکر در و دیوار را از پس ذکر شما می شنید.

مرحوم آخوند گفت: این که در و دیوار ذکر را تکرار کنند دور نیست، مهم این است که او محرم شده است.(۳)

زلف آشفته و خو کرده و خندان لب و مست

پیرهن چاک و غزل خوان و صراحی در دست

۱- شیخ بهایی.

۲- استاد مرحوم آقانجفی قوچانی و حاج آقارحیم ارباب و....

۳- نک: داستان های شیرین از نماز شب، ص ۵۸ برگرفته از: کتاب تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین، ص ۷۵.

نرگس عربده جوی و لبش افسوس کنان

نیم شب دوش به بالین من آمد بنشست

سر فراگوش من آورد به آواز حزین

گفت ای عاشق دیرینه من خوابت هست

عاشقی را که چنین باده شبگیر دهند

کافر عشق بود گر نشود باده پرست (۱)

هماره بر آن باشیم که دهانه نفس خویش را به لگام کشیم و نگذاریم به عبادت های مستحب و گریه آلود در مرآ و منظر دیگران خو گیرد و دل خوش کند، بلکه او را به خلوت بکشانیم و به عبادت و اشک و حال در تنهایی و دور از چشم و خوش آیند دیگران، عادت دهیم. و به هوش باشیم که کار ثواب، روا نیست به دیده بیآید، ولی فریضه را نیز باید که با اخلاص به جا آوریم، چه به دیده بیآید، چه نیآید، و هر کس در عبادت از غیر بریده چونان گمان برد که جز او کسی بر گرده زمین سوار نیست. و هیچ گاه خود را به خاطر این توفیق، از دیگران بهتر و پیش تر ندانیم و همواره از طرح و بازگویی و به رُخ کشیدن خلوات و شب خیزی خود بر حذر باشیم که نه اظهار و فخرفروشی آن بیرزد و نه پس از باز گفتن و طعنه به دیگران، آن نماز شب را ارزش و اثری باشد. این عمل، نه دری را باز کند که درها را نیز می بندد.

سعدی در حکایتی نویسد:

«یاد دارم که در ایام طفولیت معتد بودم و شب خیز و مولع (۲) زهد و پرهیز، شبی در خدمت پدر رحمه الله علیه نشسته بودم و همه شب

۱- حافظ.

۲- حریص و آزمند.

دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه ای گرد ما خفته، پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی دارد که دو گانویی (۱) بگذارد، چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده اند.

گفت: جان پدر، تو نیز اگر بختی به از آن که در پوستین خلق افتی.

نبیند مدعی جز خویشان را

که دارد پرده پندار در پیش

گرت چشم خدا بینی بیخشند

نبینی هیچ کس عاجز تر از خویش» (۲)

نکته ای را که باید به خاطر بسپاریم این است که صحت عبادت غیر از قبولی آن است و آنچه را فقها در فقه، مبتنی بر دلایل دینی طرح کرده اند، تنها عهده دار صحت عبادت است؛ نه قبولی آن.

برای مثال، ممکن است کسی با گواهی دادن بر وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مسلمان به حساب آید، ولی قرآن کریم حقیقتش را با عبارت «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا، قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۱۴) (۳) یا با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ» (نساء: ۱۳۶) (۴) باز گوید و او را مؤمن نداند.

طاعات منکران محبت قبول نیست

۱- دو رکعت نماز.

۲- نک: گلستان، باب دوم، حکایت هفتم.

۳- اعراب گفتند: ما ایمان آوردیم، بگو که شما ایمان نیاورده اید، بلکه بگوئید: ما اسلام آوردیم، و هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است.

۴- ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و رسولش و کتابی را که بر رسول خود نازل کرده و بر کتابی که پیش تر فرو فرستاده است ایمان بیاورید.

صدبار اگر به چشمه کوثر وضو کنند

۳. شکیبایی و همت بلند

صبر کن حافظ به سختی روز و شب

عاقبت روزی بیابی کام را

«ای عزیز در قبض، صابر باش که آب را برای تشنه آفرینند؛ همان گونه که تو تشنه آبی، خود آب هم تشنه توست» (۱).

تشنه به سوی آب و خود تشنه تشنه است آب

گدا خدا خدا کند، خدا گدا گدا کند (۲).

در کتاب هزار و یک نکته آمده است:

«مرحوم آخوند مولى حسين قلى همدانى، در حکمت از شاگردان مرحوم حکيم متأله ملا هادى سبزواری است و در عرفان و سير و سلوک از شاگردان مرحوم سيد على شوشتری. جناب آخوند ملا حسين قلى بعد از بیست و دو سال سير و سلوک نتیجه گرفت و به مقصود رسید. و خود آن جناب گفت در عدم وصول به مراد سخت گرفته بودم تا روزی در نجف در جایی (گویا در گوشه ایوانی) نشسته بودم، دیدم کبوتری بر زمین نشست و پاره نانی بسیار خشکیده را به منقار گرفت و هر چه نوک می زد خورد نمی شد، نان را ترک گفت و پرواز کرد و برفت؛ پس از چندی بازگشت به سراغ آن تکه نان آمد. باز چند بار آن را نوک زد و شکسته نشد، باز برگشت و بعد از چندی آمد و بالاخره آن تکه نان را با منقارش خورد کرد و بخورد. از این عمل کبوتر مُلهم شدم که اراده و همت می باید.

۱- انسان در عرف عرفان، ص ۳۶.

۲- علامه حسن حسن زاده آملی.

در دیوان این کم ترین آمده است که:

قدم اول این مرحله خوف و رجا

باید از ترک سرت برگ سفر ساز کنی

همّت و خضر ره و بُنیت در حدّ سوا

سان تثلیث در انتاج نظر باز کنی

و نیز بدان که نیل به درجات سامیه معارف و مقامات عالیه کشف و شهود برای صاحب عزم و همت و اهل صبر و استقامت است، نه برای کسی که به مناسبتی حالی موقت بدو روی می آورد و زود می گذرد. در این موضوع، دقت و تدبّر بسزا در این آیه کریمه قرآنی لازم است که فرمود:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ (فصلت: ۳۱) (۱)

پس از چندین شکیبایی شبی یارب توان دیدن

که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت (۲) زندگی یعنی صبر

چاره اندیشی و کار؛

طاقت دانه گندم، زیر خاک

خوشه ای فصل بهار؛

صبر یعنی تدبیر. (۳)

یادسپاری

ظاهر زندگی اولیای الهی، بدون هیچ تفاوتی آن چنان به زندگی بیش تر مردم نزدیک و مانند می نماید که گاه واردات قلبی، الهامات، دریافت ها،

۱- هزار و یک نکته، علامه حسن حسن زاده آملی، نکته ۶۴۱.

۲- حافظ.

۳- نگارنده.

مشاهدات، مکاشفات و اظهاراتشان باور نمی شود و یا از سوی برخی افراد و بیش تر ندانسته یا گاه دانسته و از سر رشک ورزی و کینه توزی، در مجامع و مجالس کوچک و بزرگ، انکار و دشمنی با آنان بر زبانشان آشکار می شود.

خبرت هست که خلقی ز غمت بی خبرند؟

حال افتاده نداند که نیفتد باری(۱)

البته درک نشدن روحيات کسی که چیزی را فهمیده از سوی دیگرانی که به آن نرسیده اند، طبیعی به نظر می رسد؛ زیرا، پذیرش شخص و سازگاری با او، فرع بر پی بردن به اندیشه ها و روحيات اوست. در غیر این صورت، گویا می بایست رنجور و پُرشکیب بگذرانند.

هر شبی با دلّی و صد زاری

منم و آب چشم و بیداری

آگه از حال من شوی آن گاه

که چو من یک شبی به روز آری(۲)

به گواهی تاریخ و بی گمان بیش تر اندیشه و رانِ کارآمد و اهل دل که با اندیشه های درست و نوی، در قلمرو کلانی چون حوزه های اجتماعی و فرهنگی زمان خود، وارد و تأثیرگذار بودند، پیش تر خود را برای فروماندن، لگدکوب شدن، ستم چشیدن و قربانی شدن، آماده کرده و کمر بسته بودند و همواره با چنگ اندازی و رهنمی سطحی نگران و ستیزه گران آگاه و زیاده خواه و با حرف های مردمی، به ظاهر در حاشیه متن جامعه، منزوی

۱- سعدی.

۲- سعدی.

بودند. و راستی که گاه حتی بی حرفی، گشایش و فرازشدن را در کناره ای باید جست؛ زیرا خیلی چیزها است که با انسان، بی پرده و یا سربسته حرف می زند. برای حرف زدن، همیشه به واژه و زبان نیاز نیست.

البته این نکته جواز خوارشماری آگاهان، فرهیختگان، نخبگان و عارفان زمانه نمی شود؛ زیرا پست نمایاندن مردان خدا و شخصیت های سودمند اجتماعی، فرهنگی و... اثبات انکار، سطحی نگری، حقارت و دشمنی کسی است که ارزش و راه و رهرو نمی شناسد و مدام با تکذیب و انکار و ابرام و اصرار بر آن هیچ روزنه ای را پیش روی خود باقی نمی گذارد.

جهانیان همه گر منع من کنند از عشق

من آن کنم که خداوندگار فرماید(۱)

بوعلی درباره انکارهای بی دلیل می گوید:

هر مطلبی به نظرت غریب می آید آن را ممکن بدان و بدون برهان قاطع آن را انکار نکن.(۲)

حضرت امام خمینی رحمه الله نیز در توصیه به فرزند خود می نویسد:

سعی کن اگر اهلش نیستی و نشدی انکار مقامات عارفین و صالحین را نکنی و معاندت با آنان را از وظایف دینی نشمری. بسیاری از آنچه آنان گفته اند در قرآن کریم به طور رمز و سربسته و در ادعیه و مناجات اهل عصمت بازتر، آمده است و چون ما جاهلان از آنها محرومیم، با آن به معارضه برخاستیم.(۳)

امام العارفین، امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید:

۱- حافظ.

۲- برگرفته از: شهید مطهری، بیست گفتار، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

۳- ره عشق، ص ۳۵.

مَا بَرِحَ لِلَّهِ عَزَّتْ آلائُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي أَرْمَانِ الْفَتَرَاتِ عِبَادًا نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلَمَتِهِمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ. (۱)

همواره چنین بوده که در فاصله ها خداوند بندگانی (ذاکر) داشته که در اندیشه هاشان با آنان نجوا می کند و در عقل هایشان با آنان سخن می گوید.

امام زین العابدین (ع) چه رمزگونه در دعای خویش پیغام می رساند که:

إِلَهِي مَا أَلَدَّ خَوَاطِرُ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَ مَا أَخْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ. (۲)

بار خدایا، چه بهجت انگیز است خواطر الهام بخشی که با یاد تو بر قلب ها می گذرد و چه گواراست که با اندیشه ها در راه های پنهانی به سوی تو سیر کردن.

قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ قَوَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ. (۳)

به تحقیق پرده از برابر دیدگان شان کنار رفته... و چشمان آنان با نگاه محبوبشان روشنی یافته است.

خود را بکش ای بلبل از این رشک که گل را

با باد صبا وقت سحر جلوه گری بود (۴)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۳.

۲- نک: مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشر، مناجات العارفين.

۳- مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشر، مناجات العارفين.

۴- حافظ.

فصل دوم: آداب پیش از خواب

فصل دوم: آداب پیش از خواب

«مؤمن می بایست که از ابتدای روز و در اول شب، به فکر تهیه اسباب تهجد و شب زنده داری که عبارت از خواب در روز و اول شب، و تهیه مکان مناسب و کتب دعا و آب وضو و مسواک و چراغ است برای خود باشد.»^(۱)

دلی ده که از ناله انگیزی اش

هم از شام باشد سحر خیزی اش^(۲)

در روایتی است که:

احدی از بندگان نیست جز آن که فرشته ای از فرشتگان خداوند، هر شب دو بار او را بیدار می کند و به او می گوید: ای بنده خدا، برخیز و به یاد پروردگارت باش.^(۳)

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی می نویسد:

«مبادا که به این اخبار کافر شوی، بلکه بدان ها ایمان بیاور؛ و من خدا را گواه می گیرم که بعضی از شب زنده داران را می شناسم که در اوایل کار صدای آن ملکی که او را با لفظ «آقا» از خواب بیدار می نمود می شنید.^(۴)»

از مرحوم آیت الله آقابزرگ تهرانی نقل است که علامه محمدحسین کاشف الغطاء به استاد خود علامه محدث نوری گفت: برخی از شب ها احساس سنگینی می کنم و از نماز شب باز می مانم، مرحوم علامه عتابانه،

۱- اسرارالصلوه، ص ۴۶۵.

۲- نورالدین ظهوری.

۳- اسرارالصلوه، ص ۴۵۷.

۴- اسرارالصلوه، ص ۴۵۷.

گفت: چرا؟ چرا؟ حتماً وقت سحر برخیز. تا این که سال ها از وفات علامه گذشت، روزی مرحوم کاشف الغطاء به من گفت: فلانی، هر شب وقت سحر صدای استاد مرحوم محدث نوری را می شنوم که مرا برای نماز شب بیدار می کند. (۱)

از ساعت زنگ دار استفاده کنیم. و یا آیه آخر سوره کهف را قرائت کنیم و سپس از خداوند بخواهیم در ساعتی از شب بیدار شویم «این مسئله برای کسانی که اهل تهجد هستند، به تجربه ثابت شده است.» (۲)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.

(ای پیامبر)، بگو: من تنها بشری مانند شما هستم که به سویم وحی شده، همانا کردگار شما تنها یکی است. پس هر کس امید دارد که به لقای پروردگارش برسد، می بایست عمل شایسته انجام دهد و احدی را در عبادتش شریک نگرداند.

سپس بگوییم:

«اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ (۳)؛ بار خدایا، من از مکر تو ایمن نیستم و از یادت نروم؛ خدایا، مرا از غافلان و بی خبران قرار مده.»

اگر واقعا در هراسیم که خواب بمانیم، می توانیم نزد کسی بخواهیم که اهل سحر است و یا از او بخواهیم که (حتی با تماس تلفنی) ما را بیدار کند تا این عمل برایمان ملکه شده به آن عادت کنیم. (۴)

۱- نک: داستان های شیرین از نماز شب، ص ۱۰۶ برگرفته از: کتاب محدث نوری: روایت نوری، ص ۱۳۵.

۲- اسرار الصلوه، ص ۴۶۵.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۸.

۴- اسرار الصلوه، ص ۴۵۸.

مرحوم آقاجنقی قوچانی می نویسد: در دوران طلبگی ام در اصفهان، حجره طلبه ها به هم وصل بود، ما طاقچه حجره را سوراخ کردیم و ریسمانی را عبور دادیم که یک سر آن در حجره رفیق مان بود و سر دیگر آن را من پیش از خواب به دستم می بستم تا هر کدام موقع سحر زودتر بیدار شدیم، دیگری را بدون این که صدایی بزنیم، با کشیدن ریسمان بیدار کنیم، مبادا طلبه ای که راضی نیست از صدای ما بیدار شود. (۱)

دو آیه شریفه در پایان سوره بقره را قرائت کنیم:

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. (بقره: ۲۸۵ و ۲۸۶)

پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می باشد). و همه مؤمنان (نیز) به خدا و فرشتگان او و کتاب ها و فرستادگانش ایمان آورده اند، (و می گویند) «ما در میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی گذاریم (و به همه ایمان داریم)». و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، (انتظار) آمرزش تو را (داریم)، و بازگشت (ما) به سوی توست.» خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش، تکلیف نمی کند. (انسان) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده؛ و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می گویند): «پروردگارا، اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا، تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی. پروردگارا، آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقزّر مدار و آثار گناه را از ما بشوی

و ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.

اگر حالی داشتیم، دعاها و ذکرهای (کوتاه) رسیده از اهل بیت (ع) را پیش از خواب بخوانیم.

پیش از خواب، رفتارهای ساعات گذشته خود را محاسبه کنیم، هر چند امروزه جز اندکی معمول نیست و از رونق افتاده است. خداوند را به خاطر رفتار شایسته و نعمت هایش شکر گزاریم و از کردار ناپسند عذر بخواهیم و اگر حق (حتی پول نصف نان) و آبروی هم نوع را تباه کرده ایم بر آن باشیم که آن را عملاً (نه با نذر و دعا و لقلقه زبان) جبران کنیم؛ زیرا حقوق مردم به ویژه مؤمنان هیچ گاه با استغفار، حتی در پیشگاه خداوند جبران نمی شود؛ برای مثال، در مسئله آبرو که جای گزین ندارد، باید نزد همه آنانی که غیبت کرده ایم و آبرو ریخته ایم، حقیقت را باز گوئیم و از آنکه حرمتش را نگاه نداشته ایم و اگر حضور می داشت از او بد نمی گفتیم، حلالیت بطلبیم. البته اگر خود فریب و خودبین نباشیم و به راستی عذرخواهی باشیم. و گرنه:

شکست شیشه دل را مگو صدایی نیست

که این صدا به قیامت بلند خواهد شد

دل و جان و امورمان را به خدای متعال بسپاریم.

پیوسته با وضو باشیم و با وضو بخوابیم.

«گفته اند: هر که به طهارت بخشید، جان وی را دستور باشد تا گرد عرش طواف کند و خدای را سجود کند _ و _ خدای عزّوجلّ می گوید: و جعلنا نومکم سباتاً. (۱)» (۲)

۱- ما خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم. نبأ: ۹

۲- ترجمه رساله قشیریه، ص ۷۰۲.

درباره شهید قدوسی نوشته اند:

او همواره با وضو بود و در محضر خداوند بی طهارت نمی گذراند. (۱) و عادت به این عمل در میان طالبان قرب به پروردگار معمول است.

از امام صادق (ع) روایت است:

هر کس وضو بسازد و بعد وارد بسترش شود، خوابگاهش چونان مسجدش خواهد بود. (۲) و حتی می توانیم به جای وضو بدون عذری، تیمم کنیم. (۳)

بسم الله بگوئیم و بخوابیم.

فصل سوم: آداب پس از بیداری

فصل سوم: آداب پس از بیداری

آی آمد صبح تا که از خاک

اندوده تیرگی کند پاک

و آلوده تیرگی بشوید

آسوده پرنده ای زند پر (۴)

«مِنَ اللَّيْلِ؛ پاره ای از شب را به نماز بایست»، (اسراء: ۷۹). از قبیل اغراء تحریک و تهییج و نظیر علیک باللیل؛ بر تو باد به شب می باشد. (۵) و نیز از کلمه «مِنَ اللَّيْلِ» فهمیده می شود که هر کس به مقتضای معرفت و حال خویش می تواند بر مدت تهجد خود بیفزاید یا از آن بکاهد و به اندکی بسنده کند علاوه بر آن، در سوره مزمل آمده است: «عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ؛

۱- نک: داستان های شیرین از نماز شب، ص ۷۲_۷۰. برگرفته از: یادنامه آیت الله قدوسی، ص ۱۲۹، ۷۷، ۷۶ و ۱۳۰.

۲- «من تطهر ثم أوى الى فراشه بات و فراشه كمسجده». نک: مفتاح الفلاح، ص ۳۳۳.

۳- مفتاح الفلاح، ص ۳۳۳.

۴- نیما یوشیج امید پلید.

۵- تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۴۱.

خداوند می داند که شما توان شمارش مقدار معینی از شب را ندارید. از این رو، عذر شما را پذیرفته است. (مزمل: ۲۰)

ولی از زیاده روی به ویژه در ایام و لحظه های ادبار و بی حالی پرهیزیم تا نتیجه عکس ندهد و به سرخوردگی، دل زدگی و محرومیت از نماز شب نینجامد.

به تعبیر حضرت امام خمینی رحمه الله: «ممکن است پس از مدتی بیداری شب و انس و عادت به آن، خدای تعالی کم کم دستگیری می فرماید و با یک لطف خفی خلعت رحمت بر تو بپوشاند، ولی از سر عبادت مُجملاً غافل مباش و همه را به تجوید قرائت و تصحیح ظاهر فقط مپرداز.» (۱)

از امام علی (ع) روایت است که: «یا کَمِيلُ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْأَلُكَ إِلَّا عَلَى فَرْضٍ؛ (۲) ای کمیل، خداوند تو را جز بر (عملی که انجام یا ترک آن) واجب است پرسش نخواهد کرد.

پس قدر معینی از شب را به ذکر و حضور پردازید و در صورت داشتن وقت و حال بیش تر، باز به ذکر یا فکر و یا مناجات مشغول شود.

از امام صادق (ع) روایت است (۳) چون صدای خروس را بشنود، بخواند:

سُبُوْحُ قُمْدُوسٍ رَبُّنَا وَ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

پاک و منزّه است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح؛ (۴) مهربانی ات بر خشم تو پیشی دارد، معبودی جز تو نیست، تو را منزّه می دانم و سپاس می گویم، من بد کرده ام و بر خود ستم روا داشته ام، مرا بیامرزد، همانا جز تو، گناهان را نیامرزد.

۱- نک: اربعین حدیث، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۹، ص ۴۲۴، ح ۱۰۴۷۴.

۳- مفتاح الفلاح، ص ۳۴۹.

۴- فرشته ای بزرگ تر از ملائکه.

شرم باد از حضرت حق آدمی را هر سحر

کو به خواب غفلت است و حمد گویان فاخته(۱)

الهی، خروس را سحر باشد و حسن را نباشد.(۲)

الهی، خروس را در شب خروش باشد و حسن خاموش باشد.(۳)

گر چه همه را خواب سحر گاه بُر باید

لیکن تو مرا دیده بیدار عطا کن(۴)

چون از خواب برخاستیم سجده کنیم؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از بیداری سجده می کرد.

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ. وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ. (حجر: ۹۸ و ۹۹)

پروردگارت را به حمد و سپاس، تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش. و پروردگارت را پرستش کن تا تو را یقین فرا رسد.

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا. (انسان: ۲۶)

مقداری از شب، خدا را سجده کن و شب طولانی را به تسبیح او پرداز.

ارباب معرفت گفته اند: جدای از سجده های نمازهای واجب روزانه، سجده ای باید که به تعجیل سر از خاک برنداری و بگویی: «لا- إله إلا- أنت سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ خدایا معبودی جز تو نیست، تو پاک و منزهی و من از ستمکارانم.

(انبیاء: ۸۷)

۱- خواجه عبدالله انصاری.

۲- الهی نامه، استاد حسن حسن زاده آملی، ص ۳۷.

۳- الهی نامه، استاد حسن حسن زاده آملی، ص ۷۵.

۴- نگارنده.

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی به نقل از استاد خود مرحوم ملا حسین قلی همدانی، مداومت بر یک مرتبه سجده طولانی در هر شبانه روز را با ذکر « لا إله إلا أنت سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ » (انبیاء: ۸۷) برای اصلاح دل و دریافت و تحصیل معارف خدایی بسیار تأثیر گذار می دانست. (۱)

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

به پیام آشنایان بنوازد آشنا را (۲)

الهی، غبطه ملائکه ای می خورم که جز سجده ندانند. کاش حسن از ازل تا ابد در یک سجده بود. (۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که: سه نفراند که خداوند، فرشتگانش را مباحات کند: (یکی از آنان) کسی است که مقداری از شب را برخیزد، تنها، به سجده رفته در آن به خواب رود، پس خداوند (در این حال) به ملائکه می فرماید: بنده ام را بنگرید که روحش نزد من است و کالبدش برایم به سجده رفته است. (۴)

«خواب خداوندان مجاهده، صدقه بود از خدای _ تعالی _ بر ایشان و خدای تعالی مباحات کند _ با فریشتگان _ به بنده ای که در سجود بخشید، گوید: بنگرید به بنده من که جان وی به محل راز گفتن است و تن وی بر بساط عبادت _ گسترده _ است.» (۵)

۱- اسرار الصلوه، ص ۲۷۰ و ۲۷۱.

۲- حافظ.

۳- الهی نامه، ص ۳۹.

۴- «ان ربك يباهي الملائكة بثلاثه نفر و رجل قام من الليل يصلّي وحده فسجد و نام و هو ساجد، فيقول: انظروا الي عبدي، روحه عندي و جسده ساجد لي.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۲، ص ۴۱۹، ح ۱۰۴۵۳.

۵- ترجمه رساله قُشیریه، ص ۷۰۱.

به سجده رفته بگوییم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَخْيَانِي بَعْدَ مَا آمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَاعْبَدَهُ. (۱)

سپاس خدایی را سزااست که مرا پس از مرگم (خوابم) زنده (بیدار) کرده است، و (زنده شدن در) قیامت (بازگشت) به سوی اوست؛ سپاس از آن خدایی است که روحم را بر (کالبد) من بازگردانده تا سپاسش گویم و عبادتش کنم.

یا بگوییم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَاعْبَدَهُ وَاشْكُرَهُ.

سپاس از آن خدایی است که روحم را بر (کالبد) من بازگردانده تا سپاسش گویم و عبادتش کنم و شکر گزارش باشم.

پس از سجده، نشسته بگوییم:

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ، حَسْبِيَ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ كُنْتُ حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

پروردگار، مرا در میان بندگان کفایت کند، آنکه کفایت کند مرا بسنده است، هر گاه و زمانی که باشم او مرا بس است، خداوند مرا پشت کار و کارساز خوبی است.

طهارت و وضو بگیریم و مسواک کنیم.

امام باقر (ع) فرمود: همانا مسواک زدن پیش از گرفتن وضو در سحر از سنت (پیامبر صلی الله علیه و آله) است. (۲)

۱- نک: رموز نماز، ص ۱۹۳. و یا بگوید: «الهي لك الحمد ان بعثتني من مرقدي ولو شئت جعلته سزمدًا، حمدًا دائمًا لا ينقطع أبدًا ولا يخصي له الخلائق عبدًا؛ کردگارا، حمد و سپاسی که دایمی است و هیچ گاه قطع نگردد و آفریده ها نتوانند آن را بشمارند، از آن توست که از خوابگاهم برانگیختی، چه اگر می خواستی آن را همیشگی قرار می دادی».

۲- «ان السواك في السحر قبل الوضوء من السنه». میزان الحکمه، ج ۴، باب ۱۹۴۱، ص ۵۹۹، ح ۹۰۷۳.

اهل بیت (ع) سفارش کرده اند که: چون برای برپایی نماز شب برخاستید، به آسمان بنگرید و این آیات را بخوانید: (۱)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ - قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ. رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. (آل عمران: ۱۹۰ - ۱۹۴)

به یقین، در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است. همان ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند؛ (و می گویند): بار الها، این ها را بیهوده نیافریده ای؛ منزهی تو، مرا را از عذاب آتش نگاه دار. پروردگارا، هر که را تو (به خاطر اعمالش) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای، و برای افراد ستمگر، هیچ یآوری نیست. پروردگارا، گناهان ما را ببخش و بدی های ما را ببوشان و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران. پروردگارا، آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان؛ زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلف نمی کنی.

استاد شهید درباره این آیات می گوید:

«آیات آخر سوره آل عمران... صدای هستی است و از قلب وجود برخاسته است.» (۲)

۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲- نک: احیای تفکر اسلامی، ص ۹۳.

از امامان علی و باقر و صادق (ع) روایت است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته هر شب سه مرتبه از خواب بیدار می شدند و (مسواک کرده) (۱) به آفاق آسمان می نگریستند و پس از قرائت پنج آیه یاد شده از سوره آل عمران، به نماز می ایستادند. (۲)

و نیز از یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد که: شگفت آورترین چیزی که از پیامبر دیده ای چه بود؟ گفت: همه رفتار پیامبر اعجاب انگیز بود، ولی عجیب ترینش در شبی رخ داد که در خانه ام استراحت می کرد که ناگهان از جای برخاست و جامه اش را بر تن کرد و وضو ساخت و به نماز ایستاد و در آن حال سرشک دیدگانش از گونه های مبارک آن عزیز جاری می شد؛ به گونه ای که بخشی از جامه آن حضرت تر شد، سپس به سجده رفتند. و همچنان تا صبح می گریستند تا این که بلال به اذان ایستاد و پیامبر به مسجد رفتند، بلال آن حضرت را گریان دید و عرض کرد: ای پیامبر خدا، لطف حق تعالی که شما را فرا گرفته، چرا چنین گریانید؟

پیامبر فرمودند: «أَفَلَا أُكُونُ عَيْدًا شَكُورًا؛ آیا بنده سپاس گزاری نباشم؟» و گریان نباشم؛ چه شامی که گذشت خدای متعال آیاتی را بر من فرو فرستاد؛ در پایان فرمود: «وَيَلِّ لِمَنْ قَرَأَهَا وَ لَمْ يَتَفَكَّرْ فِيهَا؛ وای بر آنکه این آیات را بخواند و در آن نیندیشد». (۳)

شنیدستم شبی شب زنده داری

به گردون داشت چشم اشکباری

۱- تفسیر نور الثقلین.

۲- تفسیر نور الثقلین و مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۷۰ ذیل آیه ۴۹ / سوره مبارکه طور.

۳- تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۱۳.

همی دید آن نظر باز شبانه

کواکب را به چشم عاشقانه

به چشمان در تماشای سماوات

به جان با روی جانان در مناجات

نظر بر انجم رخشنده می دوخت

به حیرت همچو شمع بزم می سوخت

گهی با فکر و گه با ذکر سُبُوح

همی روشن نمود آینه روح

چو مرغ حق به دل با ناله زار

به ذکر حق سحر کردی شب تار

همی گفتا الهی یا الهی

به سوی خود مرا بنمای راهی (۱)

موهایمان را شانه کنیم و تمییز و معطر به نماز بایستیم.

نماز شب را با آداب و حال و حضور قلب و محزون برپا داریم و در تحصیل حال همت کنیم.

از گریه و ندبه و آه و دعا، دریغ نکنیم که سخت در نزول رحمت بی کران پروردگار و جلب عنایت و رضایت آن عزیز مؤثراند.

بگو به خواب که امشب میا به خانه ما

جزیره ای که مکان تو بود آب گرفت

الهی، به حرمت راز و نیاز اهل راز و نیازت، این نااهل را سوز و گداز ده. (۱)

حتماً ظهور حضرت حجت را از خداوند بخواهیم.

نگران با من استاده سحر

صبح می خواهد از من (۲)

مهدیا، تو نه دوری و نه آمدنت دیر است؛ تو زودتر از انتظاری.

به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست

که مونس دم صبحم، دعای دولت تست (۳)

همواره دل و زبانمان یکی باشد، حتی در مناجات، دعاهایی را بخوانیم که با حالمان مناسبت دارد؛ یعنی چیزی بگوییم و بخواهیم که با حال و حقیقت درونمان سازگار است.

وقت سحرگاه رحیل دعا

بر سپه غصه شیخون زخم (۴)

از مناجات و دعای اهل بیت (ع) بهره بجوییم و خود را با مفاهیم و محتوای آن همگون سازیم؛

سحرگاهان که مخمور شبانه

گرفتم باده با چنگ و چغانه (۵)

۱- تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۷۳.

۲- نیما یوشیج.

۳- حافظ.

۴- علی نقی کمره ای.

۵- حافظ.

«بر بنده مراقب، به حکم عقل واجب است که در جهات عبودیت و بندگی و در تهجد و شب زنده داری خصوصاً و دیگر اوراد و اذکاری که دارد، به پیشوایان دینی اقتدا کند و وظایف خود را در این موارد از اهل بیت (ع) نبوت اخذ نماید و آنچه را که از آنان رسیده اُسوه و الگوی خود قرار دهد، بلکه می بایست حال خود را با احوالات آنها مقایسه کند و از این مقایسه، آنچه را که از تمکن، و تذلل و تضرع و زاری بر او واجب است به دست آورد و ببیند جایی که آنها با این که مقربان درگاه الهی و مطیع فرامین او بوده اند و لحظه ای معصیت او نکرده و از یاد او غافل نشده اند این گونه در مقابل او به تضرع و زاری و گریه و ناله می پردازند، وظیفه ما با این همه گناه و اّتصاف به این همه اخلاق و زشت و ناپسند چه خواهد بود.»^(۱)

شکرگزار باشیم که در دوره کفر و کافر و معاند با اهل بیت (ع) به دنیا نیآمده ایم و از نفاق و دو رویی بر حذریم.

برای شفاعت و وساطت به اهل بیت (ع) متوسل شویم، تا خداوند از گناهانمان بگذرد و آنها را به حسنات تبدیل سازد و از ما راضی شده، ما را در جرگه خواص، پذیرا باشد.^(۲)

فرستاده حبیب _ (ملکی که او را از خواب بیدار کرده) _ را گرامی داریم؛ یعنی پس از تصدیق رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تصدیق اوصیای دوازده گانه آن حضرت که حجت های خداوند و خلفای او در زمین اند، بگوییم:

۱- اسرارالصلوه، ص ۴۸۳.

۲- اسرارالصلوه، ص ۴۶۶_۴۹۱.

ای فرشته _ ای _ که از جانب مهربان ترین مهربانان و بزرگوارترین و بخشنده ترین بزرگواران و بخشندگان ندای می دهی.... آنچه را که از سؤال، توبه، استغفار، نیاز، ذلت و انکسار بر تو عرضه داشتم به صورت امانت تسلیم تو می کنم و امیدوارم که تو آنها را از من ستانده و به آنکه تو را به سوی ما فرستاده و ابواب توّسل را به روی ما گشود عرضه بداری. (۱)

امیدی که دارم به فضل خداست

که بر سعی خود تکیه کردن خطاست

طریقت همین است که اهل یقین

نکوکار بودند و تقصیر بین

مشایخ همه شب دعا خوانده اند

سحرگاه سجاده افشانده اند (۲)

گاه به اقتضای حال و حضور بی واسطه، دارایی دل و جانش را عرضه کنیم و همه واسطه ها را که به او منتسب اند و نیز زیبایی های آسمان و زمین را نام بریم، ناز کنیم و آرزومندی هایمان را خواستار شویم.

الهی، خوشا آنان که در جوانی شکسته شدند که پیری خود شکستگی است. (۳)

الهی، شکر است که پیر نشده استغفار کردم که استغفار پیر، استهزاء را ماند. (۴)

۱- اسرارالصلوه، ص ۴۸۲.

۲- سعدی.

۳- اسرارالصلوه، ص ۲۳.

۴- اسرارالصلوه، ص ۲۳.

۱. سعی کنیم عاشقانه سحرپیشه باشیم هر چند دست ردّ بر سینه سحرخیزی کاسبانه نزده اند.

گر از دوست چشمت به احسان اوست

تو در بند خویشی، نه در بند دوست

خلاف طریقت بود که اولیا

تمنّا کنند از خدا جز خدا(۱)

۲. حق تعالی را از این نعمت سحرخیزی سپاس گزار باشیم.

هم تازه رویم هم خجل، هم شادمان هم تنگدل

کز عهده بیرون آمدن نتوانم این انعام را(۲)

۳. نماز شب و اشک و حال سحری، هدیه خدا به جان های پذیرا و با استعداد است، نباید معطل هر کسی بود.

نه هر عاشق تواند اشک ریزی

نه هر طالب تواند صبح خیزی

الهی، آدم شب کور کجا و عبد شکور کجا؟ که شب کور شکور نباشد.(۳)

من نه برای این که در بحث نماز شب حرفی را نوشته باشم، بلکه انصافا برخی از افراد در زندگی با رفتارهای دم پس و درهم و پلشت شان آن چنان

۱- سعدی.

۲- سعدی.

۳- الهی نامه، ص ۷۵.

بر سر جان شان بلا آورده و خود را خفه کرده و مرده اند که هیچ روزنه و امیدی نمی یابی. «مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛ تو نمی توانی سخن خود را به آنان که در گور خفته اند برسانی». (فاطر: ۲۲)

«إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا؛ آن (کتاب آسمانی) جز ذکر و قرآن مبین نیست تا افرادی را که زنده اند بیم دهد». (یس: ۶۹ و ۷۰)

هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق

بر او نمرده به فتوای من نماز کنید(۱)

نقل است که مرحوم علامه بحرالعلوم روزها به امور مراجعه کنندگان رسیدگی می کرد و برای طلبه ها درس می گفت و شب ها نیز به شیوه اهل بیت (ع) از کوچه های نجف می گذشت و دور از چشم مردم برای تهی دستان شهر غذا می برد، تا این که طلبه ها با خبر شدند. علامه درس را تعطیل کرد، ولی دلیل آن را نمی دانستند. از این رو، مرحوم ملا زین العابدین سلماسی را که به مرحوم علامه نزدیک تر بود شفیع قرار دادند تا از استاد بپرسد که چرا درس را تعطیل کرد؟

این پرسش چند روز به تکرار از استاد پرسیده می شد، ولی ایشان هیچ جوابی نمی داد، تا این که در یکی از روزها وقتی برای چندمین بار از استاد پرسیده شد، در پاسخ گفت:

من در نیمه های شب از کوچه های این شهر می گذرم. سزاوار نیست که طلبه ها برای نماز شب بیدار نشوند و با خدای متعال مناجات نکنند؛ من شاگردی را که سحرپیشه نباشد نمی خواهم.

و پس از اهتمام طلبه ها بر سحرخیزی بود که حضرت استاد نیز درس را دوباره آغاز کرد. (۱)

پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب

بو که سیری بکند آن مه ناکاسته ام

خوش بسوز از غمش ای شمع که امشب من نیز

به همین کار کمر بسته و برخاسته ام

نقل است که شهید قدوسی شبی در مسجد گوهرشاد می گفت: برایم بسیار ناگوار و دور از انتظار بود، وقتی شنیدم که یکی از اساتید مدرسه حقانی به نماز شب مقید نیست. با او صحبت کردم، معلوم شد که در شب، سبکی معده را رعایت نمی کند. (۲)

الهی، شب پره را در شب، پرواز باشد و حسن را نباشد. (۳)

الهی، توفیق شب خیزی و اشک ریزی به حسن ده. (۴)

۴. در تحصیل رقت قلب و نرم ساختن دل به ویژه از راه عبرت ها کوشا باشیم.

۵. در زمستان بیداری مان بیش تر از سحرخیزی ما در تابستان باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

زمستان برای مؤمن فصل خوبی است؛ زیرا روزهای آن را روزه می گیرد و شب های دراز آن را به نماز می ایستد. (۵)

۱- نک: داستان های شیرین از نماز شب، پیشین، ص ۵۸ برگرفته از: کتاب قصص العلماء، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۲- داستان های شیرین از نماز شب، پیشین، ص ۷۰-۷۲ برگرفته از: یادنامه آیت الله قدوسی، ص ۱۲۹، ۷۷، ۷۶ و ۱۳۰.

۳- الهی نامه، ص ۲۹.

۴- الهی نامه، ص ۷۳.

۵- «الشتاء ربيع المؤمن يطول فيه ليله فيستعين به على قيامه و يقصر فيه نهاره فيستعين به على صيامه.» ارشادالقلوب، ج ۲، باب ۲۲، ص ۱۷.

۶. برای سحر شب های جمعه اهمیت بیش تری قائل شویم که بر شب ها و سحرهای هفته، مزیت های فراوانی دارد. چنان که پیش تر یادآور شدم، حضرت یعقوب (ع) برای تحقق بخشی به درخواست پسران خود که پس از برملا شدن درون شان از پدر خواسته بودند: ای پدر، برای ما از خداوند آمرزش بخواه، پدر آنان را به فرارسیدن سحر شب جمعه حواله داد. (۱)

از امام صادق (ع) نیز روایت است که:

از انجام گناه در شب جمعه برحذر باشید که دو برابر به حساب آید و هم در این شب (بیش تر) به عبادت پردازید که آن نیز دو برابر شمارش شود. (۲)

فصل چهارم: خانه ها و خانواده های سعادت مند

فصل چهارم: خانه ها و خانواده های سعادت مند

با سحرخیزی و خواندن نماز شب و هر چند اشک مختصر، به زندگی مان روحی بدمیم و خانه را معطر، محل کار و کارگاه را پر نعمت، دانشگاه و حوزه را منور و همه جا را رنگ و بوی خدایی بدهیم.

امام صادق (ع) می فرماید:

خانه هایی که در آن نماز شب به پاداشته و قرآن خوانده می شود، برای اهل آسمان نور افشانی می کنند چنان که ستارگان برای اهل زمین. (۳)

نقل است که عارف ربانی مرحوم آیت الله حاجی میرزا جواد انصاری همدانی رحمه الله برای امید دادن و آرزومند کردن دیگران بارها از فرد بی سواد

۱- «قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خاطئین. قال سوف استغفر لکم ربی.» یوسف: ۹۷ و ۹۸.

۲- رموز نماز، ص ۱۹۰ برگرفته از: بحار الأنوار.

۳- «ان البيوت التي يصلی فیها باللیل بتلاوه القرآن تضيء لأهل السماء كما یضيء نجوم السماء لأهل الأرض.» وسائل الشیعه، ح ۳۸ و ۳۱، باب ۶۹ از ابواب احکام مساجد و بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۳۷.

یاد می کرد که: فلانی با این که اصلاً سواد خواندن و نوشتن ندارد، شبی برای تهجد بپا خواست و در حال ادای نماز شب، نورهایی از برخی از خانه های همدان و علاوه بر آن ستونی از تابش نور را مشاهده کرد که از زمین به آسمان شهر سر برآورده اند. او مکاشفانه دریافت که اهل این خانه ها به نماز شب ایستاده اند و این ستون نورانی و درخشنده از نماز شب حضرت حجّت در آن محل است. (۱)

شبی در خرّقه رند آسا گذر کردم به میخانه

ز عشرت می پرستان را منور بود کاشانه (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱. خداوند ببخشد مردی را که شب برخیزد و نماز شب بگذارد و همسرش را هم بیدار کند تا او نیز نماز شب بخواند و اگر برنخواست بر صورتش آب پاشد. (هم چنین) خدا رحمت کند زنی را که شب برخیزد و نماز شب بگذارد و شویش را نیز بیدار کند تا او هم نماز کند. پس اگر سرپیچید بر صورتش آب پاشد. (۳)

۲. هرگاه مرد (برای نماز شب برخیزد و) خانواده (همسرش) را بیدار کند و هر دو وضو بگیرند و به نماز بایستند، از زمره مردان و زنانی به شمار می آیند که خداوند را بسیار یاد می کنند. (۴)

۱- شمع سحر، ص ۹۱.

۲- سعدی.

۳- «رحم الله رجلا- قام من الليل فصلّي و ايقظ امرأته فصلّت، فان أبت نضح في وجهها الماء، رحم الله امرأته قامت من الليل فصلّت و أيقظت زوجها، فان أبت نضحت في وجهه الماء.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۶.

۴- «إذا ايقظ الرجل اهله من الليل و توضّيا و صلّيا، كتبنا من الذاكرين الله كثيرا و الذاكرات.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۵.

۳. سه گروه اند که خداوند آنان را دوست می دارد و از آنان شادمان است و بشارتشان دهد. (دو گروه از آنها):

الف) کسی که همسری زیبا دارد و بر بستری نرم و نیکو آرمیده، ولی شهوتش را رها کرده بخشی از شب را برمی خیزد و مرا یاد می کند و می خواند؛ هرچند می خواست و می توانست که در خوابگاهش بیارامد.

ب) دیگری کسی است که با سوارانی در سفر است، همه آنان شب بیدار مانده، خسته شده، به خواب می روند، ولی او در سختی و رنج و دشواری سحر گاهان برمی خیزد. (۱)

امام علی (ع) می فرماید: سه نفرند که خداوند در روز واپسین با گشاده رویی آنان را پذیراست: (یکی از آنان) کسی است که در بستر خود با همسرش که دوستش دارد آرمیده است، ولی (سحر گاه) برمی خیزد، وضو می گیرد و بر سجاده می ایستد؛ نماز می گزارد و پروردگارش را می خواند. (۲)

امام علی (ع) برای اقامه نماز، اتاقی را ویژه آن قرار داد و چون لختی از شب می گذشت یکی از کودکانش را که بیدار بود با خود به آن اتاق همراه می برد و به نماز می ایستاد. (۳)

فرزند مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء نقل می کند که: پدرم هرگاه برای برنامه های سحری خود برمی خاست، اهل خانه را هم برای خواندن نماز شب بیدار می کرد. (۴)

۱- میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۲، ص ۴۲۰، ح ۱۰۴۵۵.

۲- «ثلاثة يضحك الله اليهم يوم القيامة: رجل على فراشه مع زوجته و هو يحبها فيتوضأ و يدخل المسجد فيصلّي و يناجي ربّه.»

میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۲، ص ۴۱۹، ح ۱۰۴۵۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۵.

۴- قصص العلماء، ص ۱۸۵.

نقل است که مرحوم آیت الله شیخ جعفر نجفی شب عروسی دخترش، هنگام سحر، آب، گرم کرد و بر در خانه آنان رفته آنها را برای گرفتن طهارت و خواندن نماز شب بیدار کرد. (۱)

بانوان سحرخیز

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که:

دخترم فاطمه سرور همه زنان عالم از اولین تا آخرین شان است.... هر گاه او در محراب و در پیشگاه پروردگارش می ایستد، نورش بر فرشتگان آسمان آشکار می شود؛ چونان که نور ستارگان بر اهل زمین. و (در این هنگام) خداوند به ملائکه هم می فرماید: ای فرشتگانم، بنده ام فاطمه را بنگرید که در پیشگاهم از ترس من، لرزان ایستاده است، من (نیز) به او روی کردم و گواه باشید که شیعیانش را از آتش ایمن دارم. (۲)

زینب علیها السلام با همه رنج و محنت های پیش آمده در شام اسارت، هر چند مصیبت زده بود و غم هجرت برادر و غربت در کربلا، دل و جانش را در هم می فشرد و سوخته تر از خیمه های سوخته می نمود، ولی باز سحرخیزی اش را ادامه داد و نماز شبش را ولی نشسته بر پاداشت. و چه پیام رسایی که این بانو در اهمیت سحرخیزی و برپایی نماز شب به همه ابلاغ کرده است.

حسین (ع) که از نماز شب و حال و حضور خواهرش زینب با خبر بود، در آخرین وداع خود از اهل خيام، خواهرش را فرا خواند و از او خواست: جان خواهر، حسین را در نماز شب فراموش نکن. (۳)

۱- نک: داستان های شیرین از نماز شب، ص ۸۲ بر گرفته از: کتاب تذکره العلماء، ص ۶۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۲۸۲، ص ۳۸۲، ح ۱۰۳۰۶.

۳- نک: زینب بنت الامام امیرالمؤمنین (ع)، ص ۱۷ و ۱۸.

امام حسین (ع) درباره دخترش فاطمه (۱) فرمود: او در دینداری به گونه ای بود که شب را به نماز می گذراند. (۲)

بانو نفیسه از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) و عروس امام صادق (ع) است، برادر زاده اش درباره او می گوید: من چهل سال خدمتگزارش بودم، او در این مدت همواره وقت سحر برای نمازش بیدار بود. (۳)

روایت است که حضرت عیسی مسیح (ع) پس از مرگ مادرش مریم عذرا علیهاالسلام او را فراخواند و از مادرش پرسید:

مادر، آیا میل داری به دنیا باز گردی؟

مادر پاسخ گفت: آری، ولی برای برپا داشتن نماز در شب سرد و گرفتن روزه در روز گرم.

در زمان حضرت عیسی مسیح (ع) زنی زندگی می کرد که بسیار شایسته بود و در عبادت خدا و ادای نماز در وقت آن، زیاده اهتمام داشت. روزی مشغول پختن نان بود که زمان ادای نماز فرا رسید، او خمیری را که در تنور گذارده بود رها کرد و به نماز ایستاد، شیطان بر خاطره در آویخت و به وسوسه او پرداخت که:

«تا نماز را به پایان برسانی نانت همه سوخته است».

__ زن بی اعتنا، در دل، او را پاسخ گفت: که اگر همه نان بسوزد بهتر که من در آتش دوزخ بسوزم.

__ شیطان: پسرت در تنور می سوزد.

۱- هم او که به نقلی همسر حسن مثنی و عروس امام حسن مجتبی (ع) بوده است.

۲- نک: فاطمه بنت الحسین (ع)، ص ۱۴.

۳- نک: داستان های شیرین از نمازشب، ص ۸۶ برگرفته از: کتاب داستان های نماز، ص ۷۳.

زن به دل گفت: اگر قضای خدایی است که پسر من در نماز به آتش در افتد، من به قضای او سر سپارم و از نماز دست برندارم و اگر نه که او در نماز نگاهدار پسر من است.

در این هنگام، همسرش به خانه درآمد و دید زن، به نماز ایستاده و نان، سالم بر دیواره تنور و پسرش نیز بی هیچ سوزشی در آتش چونان که در چمن زاری بازی می کند.

شوهر در شگفت از این حادثه، پس از نماز همسرش او را از این معجزه با خبر ساخت. زن به سجده افتاد و خداوند را سپاس گفت.

مرد، کودک خود را در آغوش گرفت و به نزد حضرت عیسی مسیح (ع) آمد و ماجرا را باز گفت:

عیسی (ع) فرمود: از همسر خود بپرس که چه رازی با خدای تعالی داشت که با او چنین معامله کرده است؟ اگر او مرد می بود، به پیامبری برگزیده و جبرئیل بر او نازل می شد.

مرد به خانه بازگشت و از همسر خویش، پرسش عیسی (ع) را باز پرسید. زن پاسخ داد:

کار آخرت پیش گرفتم، کار دنیا را پس گذاردم، جز چند روزی در ماه، همواره با طهارت گذراندم، نماز را در وقتش، بر هزار کار دیگرم مقدم داشتم. کینه و دشمنی آنکه مرا دشنام می داد و بر من جفا می کرد به دل نمی گرفتم. امورم را به خدا واگذار کردم، به قضای او رضا دادم، فرمانش را

بزرگ داشتم، با آفریده هایش مهربان بودم، نیازمندان و تهی‌دستان را هر چند اندک بخشیدم و هر سحر نمازشب را برپا داشتم. (۱)

نقل است که یکی از عرفا کنیزکی داشت و آن را به دیگران فروخت. چون پاسی از شب گذشت کنیزک از خواب برخاست و اهل خانه را به نمازشب فراخواند. همه در عجب شدند که مگر صبح در آمده است؟

کنیزک گفت: نه، مگر شما فقط واجب به جا می‌آورید؟

گفتند: آری،

کنیزک صبح گاهان به نزد صاحب پیشین خود آمد و گفت: ای شیخ، مرا از اینان باز پس گیر که ایشان اهل سحر نیستند. (۲)

یکی از بزرگان کنیزی داشت که شب هنگام از نظرها دور می‌شد و کسی نمی‌دانست که کجاست یا دیر وقت به کجا می‌رود. مولایش با خود اندیشید که نکند او هرزه باشد. به همین خاطر بر آن شد که او را بپاید. شبی خود را به خواب زد، ولی بیدار و مراقب رفتار کنیز، پاسی از شب گذشت کنیز در خانه را باز کرده از آن خارج شده است، بی آن که کنیزش خبردار شود، از پی او روانه شد، از کوچه‌ها گذر کرد تا این که به گورستانی رسید، نزدیک قبری خالی شد و در آن نشست و ذکر الله سر داد و گاه شنیده می‌شد که می‌گفت: ای خدایی که مرا دوست داری. ارباب از خود پرسید: «او چگونه دانست خدا او را دوست دارد؟ من این را به

۱- نک: عرفان اسلامی، حسین انصاریان، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲- نک: داستان‌های شیرین از نمازشب، ص ۱۲۵ برگرفته از: کتاب یک کهکشان اشک، ۷۱ و ۷۲.

طور حتم از او خواهم پرسید.» و گاه نیز با دیدن این منظره زیر لب می گفت: بار خدایا، تو را از داشتن چنین کنیزی سپاس می گویم.

صبح هنگام جریان شب پیش را برای کنیزش بازگفت و اظهار داشت: من تنها یک پرسش از تو دارم

تو از کجا می دانی که خدا تو را دوست دارد؟

کنیز: از آنجا که مرا به هم نشینی با خود دعوت می کند و گرنه من نیز مانند دیگران به خواب رفته بودم.

زنی به حضور امام صادق (ع) رسید و عرضه داشت:

ای پسر پیامبر خدا، شوهرم مرا دوست نمی دارد، چه کنم که مهمرم به جانم در آید؟

امام فرمود: گاه سحر برخیز و نماز شب بخوان.

پس از چندی این زن برای سپاسگزاری به خدمت امام رسید. گفت: اکنون با عمل به دستور شما، شوهرم کسی را به اندازه من دوست ندارد. (۱)

بخش پنجم: احکام نماز شب

اشاره

بخش پنجم: احکام نماز شب

در این بخش، در دو فصل، کوتاه به احکام نماز شب پرداخته ام؛ یعنی در فصل نخست آن به وقت و رخصت هایی در نماز شب و در فصل دوم به دستور و چگونگی برپایی آن اشاره داشته ام.

جهانیان همه گر منع کنند از عشق

من آن کنم که خداوندگار فرماید (۱)

فصل اول: وقت نماز شب

فصل اول: وقت نماز شب

ادای نماز شب به هنگام سحر، یعنی در ثُلث یا سُدس پایانی شب فضیلت بیش تری دارد و هر چه به صبح نزدیک تر باشد با فضیلت تر است.

بر اساس روایات دینی آغاز وقت ادای نماز شب برای آنان که مختارند (وادار نیستند) و عذری ندارند، از نصف شب است، خواه مسافر باشند و یا در وطن. (۲)

وقت فضیلت نماز شب، (نزدیک) پایان شب است و هر چه به طلوع فجر اول نزدیک تر باشد بهتر و فضیلت و ثواب آن بیش تر است؛ همانا

۱- حافظ.

۲- نک: صلاه اللیل، ص ۳۸_۳۵.

دوستدارترین لحظه های شبانه برای اولیای خدا برای ادای نماز وتر، اول فجر است. (۱)

هر کس به خاطر مانعی بیم آن کند که در وقت فضیلت نماز شب از او فوت شود، می تواند آن را بر نصف شب مقدم بدارد.

هر کس به خاطر مانعی نتواند نماز شب را در وقتش بخواند، مانند جوانی که خوابش زیاد و سنگین است و اگر بخواهد بیدار نشود، یا مانند افراد کهن سال، کسانی که در زمستان از سردی هوا هراس دارند، مسافر، مریض و کسی که برای خود احتمال جنابت دهد، اینان نیز می توانند پیش از نصف شب نماز شب بخوانند. (۲)

شخصی از امام صادق (ع) پرسید: آیا می توانم در شب های کوتاه تابستان نماز شب را اول شب بخوانم؟ امام فرمود: بلی. (۳)

البته سزاوار است که به نیت تعجیل (پیش از وقت مقرر) بخواند؛ نه به قصد اداء؛ زیرا در وقت رسمی خود خوانده نمی شود.

قضای نماز شب فضیلت بسیار دارد، پس اگر کسی نماز شب را از دست داد می تواند آن را قضا کند و بهتر آن است که تا از شب باقی است آن را قضا کند؛ هر چند در وقت دیگر نیز ممکن است. (۴)

۱- صلاه اللیل، ص ۳۹-۳۸.

۲- صلاه اللیل، ص ۴۱-۳۹.

۳- التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۸، ح ۶۶۸.

۴- صلاه اللیل، ص ۴۴-۴۲ و ۴۸ و ۴۹.

از امام علی (ع) درباره قضای نماز شب پس از فجر و پیش از طلوع خورشید پرسیده شد، امام فرمود: در آن ساعت اشکالی ندارد، هم چنین پس از غروب تا شب. (۱)

مفصل به خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد: فدایتان شوم، گاه توفیق بر پایی نماز شب را ندارم، آیا می توانم پس از ادای نماز صبح و پیش از طلوع آفتاب آن را قضا کنم؟

امام فرمود: بلی، ولی کسی از اهل خانه با خبر نشود تا از تو نیاموزد و این عمل را سنت نداند. (۲) البته قضای نماز شب بر اقامه پیش از نیمه شب رجحان دارد.

در روایتی است که خداوند بر فرشتگانش نسبت به بنده ای که نماز شبش را قضا کند مباحثات کرده و می فرماید: ای فرشتگانم، بنده ام (را بنگرید که) آنچه را بر او واجب نکرده ام قضا می کند، گواه باشید که از او در گذشتم. (۳)

کسی که چهار رکعت از نماز شب را خوانده به صبح رسیده، باید پس از نماز صبح، الباقی را قضا کند، ولی اگر کم تر از چهار رکعت خوانده باشد می تواند به همان بسنده کند.

۱- «قال نعم و بعد العصر الی اللیل فهو من سر آل محمد صلی الله علیه و آله المخزون.» التهذیب، پیشین، ح ۶۸۹.

۲- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۶.

۳- «ان الله یباهی بالعبد یقضی صلوه اللیل بالنهار یقول: ملائکتی، عبدی یقضی ما لم افترضه علیه اشهدوا انی قد غفرت له.» وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۷۸ و بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۰۲.

فصل دوم: دستور نماز شب

فصل دوم: دستور نماز شب

نماز شب ۱۱ رکعت است و جز رکعت آخر آن، بقیه دو رکعتی خوانده می شود.

۸ رکعت آن یعنی چهارتا دو رکعتی اول، به نیت نماز شب و دو رکعتی پنجم به نیت نماز شفع و یک رکعت پایانی به نیت نماز وتر خوانده می شود.

فضیلت برپایی نماز شفع و وتر از باقی رکعات بیش تر است.

نماز گزار می تواند به نماز شفع و وتر بسنده کند.

مستحب است ایستادن در نماز وتر را طول دهد تا از ایستادنش در قیامت کاسته شود.

مستحب است در رکعت اول نماز شفع بعد از حمد، سوره ناس و در رکعت دوم آن، بعد از حمد سوره فلق را بخواند و نیز می تواند به جای این دو، سوره توحید را بخواند.

مستحب است نماز گزار در نماز وتر بعد از حمد سه بار سوره توحید و سپس معوذتین (ناس و فلق) را بخواند و نیز می تواند به جای اینها تنها به سوره توحید بسنده کند.

نماز گزار می تواند نماز شبش را حتی در حال اختیار نشسته بخواند، البته در این صورت بهتر آن است که هر دو رکعت نمازی را که نشسته خوانده یک رکعت ایستاده به حساب آورد، و یک رکعت نماز وتر را دو بار نشسته بخواند.

نماز گزار می تواند با الگوگیری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز شبش را در چند نوبت از سحر و با فاصله بخواند که فضیلت بیش تری دارد.

مستحب است برای بیدار شدن اهل خانه، الله اکبر را بلند گفته و نماز شبش را نیز بلند بخواند، ولی اگر از روی و ریا در امان نباشد و باعث آزار دیگران می شود باید که آهسته بخواند.

نماز گزار می تواند در قنوت نماز وتر به سه بار «سبحان الله» گفتن بسنده کند.

از جمله می تواند با الگوگیری از امام زین العابدین (ع) در قنوت بگوید:

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ.

پروردگارا، (مرا) بیامرز و (به من) رحم کن و از آنچه (درباره ام) می دانی بگذر که تو عزیزترین، بزرگوارترین و گرامی ترینی.

مستحب است قنوت نماز وتر را طولانی کرده و در آن گریه کند و یا خود را به حال گریه در آورد، و با الگوگیری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ۷۰ مرتبه بگوید: «استغفرالله ربی و اتوب الیه» و ۷ مرتبه بخواند: «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ» (۱) سپس با اقتدا به امام زین العابدین (ع) ۳۰۰ مرتبه «الْعَفْو» (۲) بگوید و در حق ۴۰ مؤمن (مرده یا زننده) دعا کند. (۳) مثلاً بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِعَلِيٍّ يَا لِفَاطِمَةَ) و نیز می تواند به چهار نفر اکتفا کند، سپس پس از آن بخواند:

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ.

پروردگارا، (مرا) بیامرز و (به من) رحم کن و توبه ام را بپذیر که تو بسیار توبه پذیر، بخشنده و مهربانی.

۱- این جایگاه کسی است که از آتش دوزخ به تو پناه آورده.

۲- بارخدایا، بخشش، بخشش....

۳- از امام صادق (ع) روایت است: «من قدم اربعین رجلا من اخوانه فدعا لهم ثم دعا لنفسه، استجيب له فيهم و في نفسه؛ هر کس دعا در حق چهل مؤمن را بر خود مقدم بدارد و نخست برای آنان و سپس برای خود دعا کند خواسته اش درباره آنها و خودش به اجابت خواهد رسید.» نک: وسائل الشیعه، ج ۴، کتاب الصلوه، ابواب الدعاء، باب ۴۵، ح ۴.

کسی که از خواب بیدار شده و دید چیزی به صبح نمانده و جز برای نماز وتر وقت نیست، می تواند تنها همان را بخواند. حتی در صورت نبودن وقت می تواند به دو رکعت نماز شب، بدون قرائت سوره، قنوت و ذکرهای مستحب در نماز و به حمد تنها و ادای حد اقل واجبات نماز اکتفا کند.

نماز شب را مانند هر نافله دیگر می توان حتی در حال اختیار، سواره، پیاده، ایستاده، نشسته و در حال راه رفتن و رکوع و سجده آن را با اشاره و با قرائت حمد تنها و بدون سوره و قنوت و هر مستحب زائد بر اصل نماز است به جا آورد. و به ازای هر چه از صورت نماز کاسته، بیش تر از آن بر روح نماز و توجه و حضور قلب خود بیفزاید.

پس همه به آسانی می توانند در این مهمانی شرکت کنند، پیر و جوان، زن و مرد، باسواد و بی سواد، دانشور و دانشجو، رانندگان در حال رانندگی، کارگر و کارمندان و پرستاران شیفت شب، زفته گران، نانوایان، نگهبانان، دست اندرکاران و بازیگران رادیو و تلویزیون و سینما، همه و همه بر بال سحر به میهمانی سفره آسمان فراخوانده شده اند. «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ؛ روزی شما و آنچه وعده داده شده اید تنها در آسمان است». (ذاریات: ۲۲)

از یاد نبریم که: شیردهی آسمان به دوشندگی ما بستگی دارد.

خوش دمی بوده این سحر، خوش وصالی این وصال

من می ناب ناب کشیده ام که مپرس (۱) عزیز، بدان که:

«آسمان، بخیل نیست، تو لایق و قابل و پر ظرفیت باش. اراده خدای عزیز به یک امر محال تعلق نمی گیرد؛ محال است دلی که ظرفیتی ندارد اسرار الهی در آن جای بگیرد:

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا (رعد: ۱۷)

خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شد.

«اللَّهُمَّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ خدایا شرح صدرم عطا فرما». (طه: ۲۵)

خداوند وعده کرده است آب را به تشنه و تشنه را به آب برساند؛ تو تشنگی آور به دست.

لِوَأَسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا. (ص: ۱۶)

اگر بر طریقه اسلام و ایمان، پایدار بودند، البته به آنها آب فراوان (علم) می نوشانیدیم.

الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا. (عنکبوت: ۶۹)

آنانکه در راه ما مجاهده کردند، آن ها را به راه خویش رهنمون خواهیم شد.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ. (عنکبوت: ۹)

آنانکه ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، ما آنها را در صف نیکوکاران وارد خواهیم ساخت.

الحمد لله رب العالمين که این دروازه خدایی بی هیچ قید و شرطی به روی همه باز است و این نيزمانند بسیاری از امور خدایی به دست ناهلان و مدیریت های فرودین و قرطاس بازی و قانون های تبعیض گونه و ستمگرانه اداری بشری نیست. به حقیقت این رخصت، ذهن و دل و جان باورمندان را به اسم «یا من يعطی الكثير بالقلیل» معطوف می دارد.

نقل است علامه طباطبایی رحمه الله همواره بر لب و زبانشان ذکر داشتند و در انجام نوافل بسیار مقید بودند. گاه ایشان را در میانه راه و در حال حرکت،

مشغول خواندن نمازهای نافله می دیدند. شب های ماه مبارک رمضان را نمی خوابیدند و بخشی از شب را به مطالعه می پرداختند و بیش تر آن را به دعا، قرائت قرآن، نماز و اذکار دل گرم بودند.^(۱)

۱- نک: سیمای فرزندگان، ج ۳، ص ۱۶۳.

بخش ششم: موانع سحر خیزی

اشاره

بخش ششم: موانع سحر خیزی

در بخش پایانی موانع سحر خیزی، موارد بازدارنده و امور دامن گیر افرادی که از فیض نماز شب باز می مانند، احادیث و نیز سخنانی را برشمرده و توصیه هایی را خاطر نشان شده ام.

بگذر ز منزل ما و من، بنما به ملک فنا وطن

فَإِذَا فَعَلْتَ بِمِثْلٍ ذَا فَلَقَدْ بَلَغْتَ بِمَا تَشَاءُ (۱)

چنان که برپایی نماز شب، آثاری را به همراه دارد، ترک آن نیز پیامدهایی دارد که به علل و عواملی انسان را از فیوضات و فیضان سحر باز می دارد.

حاج شیخ عباس قمی صاحب کتاب مفاتیح الجنان همواره در گذار سال و در هر چهار فصل حداقل یک ساعت پیش از طلوع فجر بیدار شده و به نماز می ایستادند. (۲) فرزند ایشان نقل می کند که یک روز صبح دیدم پدرم

۱- صحبت لاری. ترجمه مصرع دوم: پس اگر چنین کنی، به هر آنچه بخواهی خواهی رسید.

۲- نک: داستان های شیرین از نماز شب، ص ۵۱. برگرفته از: کتاب حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت، ص ۶۱ و ۹۱.

گریه می کند، سحر از دست داده ای که گویامی گفت: «يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي؛ کاش برای زندگی ام پیش می فرستادم». (فجر: ۲۴)

«يَا حَسْرَتَا عَلَي مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ؛ دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم». (زمر: ۵۶)

گفتم:

پدرجان، چرا گریه می کنید؟

— پسر، شب گذشته نمازشب را از دست دادم.

— پدرجان، شما که واجبی را ترک نکرده و حرامی را نیز مرتکب نشده اید؛ به علاوه نمازشب، مستحب است نه واجب.

— نه پسر من نگران آنم چه کرده ام که از این فیض خدایی باز مانده ام. (۱)

دریغا عیش شبگیری که در خواب سحر بگذشت

ندانی قدر وقت ای دل مگر وقتی که درمانی (۲)

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی ترک کنندگان نماز شب را به چهار دسته تقسیم می کند: (۳)

دسته نخست:

دسته نخست:

۱. کسانی اند که به شب نشینی های بیهوده و بی محتوا دل مشغول و سرگرم هستند.

۱- نک: داستان های شیرین از نمازشب، ص ۸۷ برگرفته از: کتاب اصحاب امام صادق (ع)، ص ۱۶.

۲- حافظ.

۳- اسرار الصلوه، ص ۴۶۵_۴۵۸

راستی که این موضوع، حتی اگر از نماز شب هم بحث نمی داشتیم، چه سودمندی هایی را در پی دارد؛ جز اتلاف وقت، پراکنده گویی و هجمه به آبروی دیگران و از هم دریدن آن. خواب بر این امور شرف دارد.

«گفته اند: بر ابلیس هیچ چیز دشوارتر از خواب عاصی نیست، گوید: کی بود که بیدار شود تا _ خدای را _ معصیت کند.

و گفته اند که: نیکوترین حال عاصی _ را _ آن _ وقت _ بود که بخسبد اگر خیری نکند باری شری از وی نیاید.»^(۱)

علاوه بر آن، گاه شب زنده داری های پرمحتوا نیز که بی حد و مرز برگزار می شوند، رهن طریق آله و پیمایش راهی است که با سرشت و سرنوشت آدمی ناسازگار است؛ برای مثال، برخی ها به نام سیدالشهداء (ع) تا دیر وقت به سر و سینه می زنند؛ به گونه ای که با این افراطی گری، نوبت به خدای متعال و نماز واجب صبح هم نمی رسد.

گر مسلمانی به این است که حافظ دارد

آه اگر از پس امروز بود فردایی

۲. پرخوری و شکم انباشتن، خواب را سنگین و زیاد می سازد؛

برخی از حکیمان گفته اند: «الأكل للقوت لا للشهوه؛ خوردن برای نیرو گرفتن است، نه شهوت.»

الهی، آزمودم تا شکم دائر است دل بائر است: «یا مَنْ يُحْيِي الْأَرْضَ الْمَيِّتَةَ»، دلِ دائرم ده.^(۲)

۱- ترجمه رساله قشیریه، ص ۷۰۲.

۲- الهی نامه، ص ۱۲.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است: دل آن کس که شکمش پُر است، به ملکوت آسمان راه ندارد. (۱)

ره نیابد بر دری از آسمان دنیا پرست

در نه بگشایند بر وی گر چه درها واستی (۲)

امام صادق (ع) می فرماید: برای قلب مؤمن چیزی زیان بارتر از پُرخوری نیست؛ پُرخوری دو چیز را به ارث می گذارد: سنگ دلی و هیجان شهوت. (۳)

از لقمان حکیم نقل شده است که به پسر خود گفته است: جان پسر، هرگاه معده انسان پُر شود فکر او به خواب می رود. از (دریافت) حکمت باز می ماند و عضوهایش از عبادت فرو می نشینند. (۴)

از امام علی (ع) روایت است که: با دارا بودن سه چیز در سه چیز طمع نورز:

الف) در بیداری با پُرخوری؛

ب) در نورانیت چهره با خوابیدن در تمام شب؛

ج) در امان بودن از دنیا با هم نشینی گنه کاران.

۳. بستری که بیش از حد نرم و راحت باشد، زمینه ساز خوش خوابی و سنگین تر شدن آن است.

۱- «لا يدخل ملکوت السموات قلب من ملأ بطنه.» المحجّج البيضا، ج ۵، ص ۱۴۶.

۲- میرفندرسکی.

۳- «لیس شیء أضرّ لقلب المؤمن من کثرة الأکل؛ و هی مورثة شیئین: قسوه و هیجان الشهوه.» کافی، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱۱.

۴- «یا بنی اذا امتلأت المعده نامت الفکره و خرس الحکمه و قعدت الأعضاء عن العباده.» جامع السعادات، ج ۲، ص ۵.

امام صادق (ع): من به یقین دشمن دارم کسی را که قرآن می خواند، و برخی از شب را بیدار است، ولی از رختخوابش (برای نماز شب) جدا نمی شود تا این که صبح برای نماز برمی خیزد. (۱)

تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

«این چنین روا نیست که انسان بخوابد تا نزدیک طلوع آفتاب و بعد به زحمت نمازش را اداء بخواند. انسان را که خواه و ناخواه می برند، چه بهتر که خودش برود.» (۲)

اگر شب بخوایم و بعد از سحر بیدار شویم، آن چه خواب و این چه بیداری؟

بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود

زین سیل دمام که درین منزل خواب است (۳)

«آیا طالبان این دنیا را نمی بینی که اگر یکی از آنها را سلطان وقت به خلوت فراخواند، گرچه وقت ملاقات با او را دل شب قرار دهد، او به خواب نخواهد ماند، بلکه آن شب را از ترس این که مبادا به خواب بماند کلاً بیدار و پیوسته به فکر مجلس سلطان و صحبتش با او خواهد بود. و تو اگر به احوال خویش تأمل کنی به یقین خواهی دید که اگر احتمال دهی که کسی نیمه شب مبلغ قابل توجهی پول برایت خواهد آورد از شوق

۱- «انی لأمقت الرجل قد قرأ القرآن ثم يستيقظ من الليل فلا يقوم حتى اذا كان عند الصبح قام يبادر بالصلاه.» میزان الحکمه، ج

۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۴.

۲- نک: اسرار عبادات، ص ۳۰۰.

۳- حافظ.

دست یابی به آن مال و ترس این که مبادا به واسطه خواب از دستت برود، قدرت بر خوابیدن نخواهی داشت.» (۱)

شورش بلبلان سحر باشد

خفته از صبح بی خبر باشد (۲)

الهی، آنکه سحر ندارد از خود خبر ندارد. (۳)

در روایت است که حضرت موسی (ع) به خداوند عرضه داشت بار خدایا مبعوض ترین بندگان نزد تو کیست؟ جواب آمد: «جِيفَةُ اللَّيْلِ، بَطَّالٌ بِالنَّهَارِ؛ (۴) مبعوض ترین خلق، نزد من، کسی است که شب مُردار است و روز را به بطالت می گذراند.

۴. نافرمانی و گناه خدا (حق الله و حق الناس).

مردی نزد امام علی (ع) آمد و عرضه داشت: من از نماز شب باز مانده ام! امام فرمود: گناهانت تو را زنجیر کرده اند (۵).

امام صادق (ع) می فرماید:

— حقیقتاً فردی تنها به خاطر یک دروغ از نماز شب باز ماند (۶) و کسی که از نماز شب (رزق معنوی) محروم گردد، از رزق و روزی (مادی) نیز محروم می ماند. (۷)

۱- اسرار الصلوه، ص ۴۵۸.

۲- سعدی.

۳- اسرار الصلوه، ص ۲۸.

۴- بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۵۴، روایت ۵۲، باب ۷.

۵- «انت رجل قد قَيِّدْتُكَ ذنوبك.» وسائل الشیعه، ج ۵، ح ۳ و ۵ و ۸ و میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۵، ص ۴۲۱ و ۴۲۲، ح ۱۰۴۶۵ و ۱۰۴۶۶.

۶- وسائل الشیعه، ج ۵، ح ۳ و ۵ و ۸ و میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۵، ص ۴۲۲، ح ۱۰۴۶۸.

۷- «ان الرجل لیکذب الکذبه و یحرم صلوه اللیل فاذا حرم بها صلوه اللیل حرم بها الرزق.» بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۴۲_۱۳۸ و وسائل الشیعه، ج ۵، ح ۳ و ۵ و ۸، باب ۴۰ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه.

_[گاه] انسان، گناه می کند و به همین سبب از نماز شب باز می ماند؛ همانا تأثیر عمل زشت در جان آدمی از وارد شدن چاقو در گوشت، چالاک تراست. (۱)

دسته دوم:

دسته دوم:

عُجب و روی و ریا؛

دسته دوم کسانی اند که همه موارد بالا را رعایت کرده اند، ولی بنا بر روایت های وارد شده برای نگهداری بنده از عجب یکی دو شب از نماز شب باز می ماند.

از عُجب و روی و ریا پرهیزیم تا از فیضان رحمت خدایی در هر سحر بی بهره نمانیم. بیماری های اخلاقی را حقیقتاً بیماری بدانیم و از آن سرسری نگذریم و به اهل و طیبیان روح مراجعه کنیم و دل و جانمان را درمان و کاستی ها را جبران کنیم.

دسته سوم:

دسته سوم:

بیماران و کسانی که به سحرخیزی و برپایی نماز شب اهتمام دارند، ولی معذورانند، اینان چون بر نیت خویش استواراند و به درستی و خردورزانه، همگون با آموزه های متعالی دینی، زندگی را می گذرانند به وعده و خبر آل الله (ع)، نیت این عمل، آنان را به پاداش نماز شب خواهد رساند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: اگر کسی پیش خود قصد کند که لحظه ای از شب را برخیزد، ولی ناخواسته به خواب رود، خداوند نیتش را پذیرفته و پاداش عملی را که قصد کرده بود برایش بنویسد. (۲)

۱- «ان الرجل یذنب الذنب فیحرم صلاه اللیل و ان العمل السییء اسرع فی صاحبه من السکین.» وسائل الشیعه، ج ۱۱، ح ۱۲، باب ۴۰ از ابواب جهاد النفس و ما یناسبه، میزان الحکمه، پیشین، ح ۱۰۴۶۷.

۲- «ما من عبد یحدّث نفسه بقیام ساعه من اللیل فینام عنها الا کان نومه صدقه تصدّق الله بها علیه و کتب له اجر مانوی.» میزان الحکمه، ج ۵، باب ۲۳۱۷، ص ۴۲۳، ح ۱۰۴۷۰.

دسته چهارم:

اشاره

دسته چهارم: (۱)

کسی که گمان می برد فضیلت مطالعه از نماز شب برتر است، «و این چیزی جز غرور و فریب نیست» (۲)، «باید از این مصیبت عظمی و فضیحت آشکار به خدا پناه برد، که شیطان پلید این گونه علما را فریب دهد که اشتغال به مطالعه این علوم رسمی که برای اغلب آن نمی توان قصد شرعی که به وجهی از وجوه صحیح باشد یافت، از استغفار در سحرگاهان و خلوت با خداوند عزیز غفار افضل بدانند... علمی که انسان را بر تهجد و شب زنده داری برنیا نگیزاند، علمی است که نور و بهره و خیری در آن نیست... باید دانست که مؤمن در راه تحصیل علم، نماز شب را از مطالعه کارسازتر می بیند.» (۳)

حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار

تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

و نیز می نویسد:

«مردان متقی برای تصحیح نیت خود در تحصیل علم به نماز شب پناه می بردند و درد خود را با داروی شب زنده داری و تضرع در دل شب درمان

۱- مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی پس از پنج صفحه بحث و گلایه از برتر دانستن مطالعه و ترک شب زنده داری می نویسد: «و این به خاطر عقده ای بود که از قدیم الأيام در دل داشتیم، خداوند از این که از روی هوای نفس سخنی گفته باشم و قلم از طریق حق خارج شده باشد در گذرد.» نک: اسرار الصلوه، پیشین، ص ۴۶۵.

۲- اسرار الصلوه، پیشین، ص ۴۶۰ و ۴۶۱.

۳- اسرار الصلوه، پیشین، ص ۴۶۳ _ ۴۶۴.

می نمودند، و به جان خودم سوگند که برای تصحیح نیات واجبه عینیه، این راه بهترین راه هاست و دستگیره محکمی است که نباید از آن دست کشید.

و شیخ و پیشوای من در علوم حقه، برایم حکایت نمود که از طالبان آخرت، احدی به مقامی از مقامات دینی نرسید، مگر آنان که اهل تهجد و شب زنده داری بودند.» (۱)

و نیز گفته اند:

«شما هیچ عارف و انسان بلند مرتبه ای را در این عالم نمی یابید که آنچه به دست آورده از دولت بیداری شب ها نبوده باشد، چه پارسایان مسلمان و چه غیرمسلمان، شب خیزی در همه ادیان جزو سنن محبوبه است.» (۲)

«حافظ نیز شاگرد مکتب اسلام و بهره مند از معنویت ها و صفاهای شبانه بود و پیروزی های خود را مدیون شب خیزی های خود می دانست.» (۳)

نقل است که کسی از شیخ مرتضی انصاری پرسید: فضیلت نماز شب بیش تر است یا مطالعه و تحصیل علم؟

شیخ با پرسشی او را به جواب رساند، از او پرسید: آیا تو قلیان می کشی؟

گفت: بلی،

شیخ: به جای دو بار قلیان کشیدن، نماز شب بخوان.

یعنی اگر تو تا این اندازه نگرانی که به پاداش بیش تر نرسی و فضیلت نماز شب از مطالعه را هم ندانی، چگونه لحظه هایی از زندگی ات را به

۱- اسرارالصلوه، ص ۴۶۲ و ۴۶۳.

۲- اوصاف پارسایان، عبدالکریم سروش، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۳- اوصاف پارسایان، عبدالکریم سروش، ص ۱۴۲.

کشیدن قلیان می گذارنی و آن گاه به بهانه کمی وقت می خواهی یکی از آنها را برگزینی. (۱)

«چگونه ممکن می شود که انسان تحصیل علم را از تهجد و شب زنده داری و نماز شب افضل بداند، در حالی که مردان متقی برای تصحیح نیت خود در تحصیل علم به نماز شب پناه می بردند و درد خود را با داروی شب زنده داری و تضرع در دل شب درمان می نمودند. به جان خودم سوگند که برای تصحیح نیت واجب عینی، این راه بهترین راه هاست و دستگیره محکمی است که نباید از آن دست کشید.

شیخ و پیشوای من در علوم حقه، برایم حکایت نمود که از طالبان آخرت، احدی به مقامی از مقامات دینی نرسید، مگر آنان که اهل تهجد و شب زنده داری بودند.» (۲)

توصیه ها

توصیه ها

۱. بهتر است پس از صرف ناهار، ساعتی استراحت کنیم.

آدمی پیر چو شد حرص جوان می گردد

خواب در وقت سحرگاه گران می گردد (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: از طعام سحری برای گرفتن روزه و از خواب قیلوله (۴) برای شب خیزی یاری بجوید. (۵)

۱- اسرار الصلوه، ص ۴۶۳.

۲- اسرار الصلوه، ص ۴۶۲ و ۴۶۳.

۳- صائب تبریزی.

۴- خواب نیم روز.

۵- «استعینوا بطعام السحر علی صیام النهار و بالقیلوله علی قیام اللیل.» ارشاد القلوب دیلمی، فی فضل صلوه اللیل، باب ۲۲.

۲. به هوش باشیم که از ما به دیگری اذیت و آزاری نرسد.

شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من دوست دارم روز قیامت در نور محشور شوم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی را ستم مکن، روز قیامت در نور محشور خواهی شد. (۱)

۳. هیچ گاه در زندگی، کار، تحصیل و هر کجا که باشیم، بدجنسی نکنیم و خداوند و حضورش را به حساب آریم.

الهی، تا به حال می گفتم گذشته ها گذشت، اکنون می بینم که گذشته هایم نگذشت، بلکه همه در من جمع است، آه آه از

یوم جمع. (۲)

پیری و جوانی پی هم چون شب و روزاند

ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم

باشد که عنایت برسد، ورنه میندار

با این عمل دوزخیان که اهل بهشتیم (۳)

الهی، وای بر من اگر دلی از من برنجد. (۴)

۴. در رواسازی نیازهای اهل ایمان به ویژه پرهیزکاران اهتمام کنیم. (۵)

۵. شام سبک بخوریم، ساعت های خوابمان را تنظیم کنیم؛ شب ها زودتر بخوابیم و بر بیداری و قیام سحر پایدار باشیم.

۱- «جاء رجل الى النبي صلی الله علیه و آله فقال: ... أحب أن أحشر يوم القيامة في الثور؟ قال صلی الله علیه و آله: لا تظلم

أحدًا، تحشر يوم القيامة في النور.» میزان الحکمه، ج ۱۰، باب ۳۹۶۳، ص ۲۳۶، ح ۲۰۵۴۹.

۲- الهی نامه.

۳- سعدی.

۴- الهی نامه، پیشین، ص ۲۵.

۵- نک: محمد بهاری همدانی، تذکره المتّقین، ص ۳۱۳_۲۱۱.

خداوند، طفل را دندان نمی دهد؛ زیرا ساختار جسمانی کودک در این مرحله از رشد به گونه ای است که هضم غذاهایی که به صورت مایع نیستند در توانش نمی باشد؛ هم چنین در دوران کهولت و پیری این مسئله تکرار می شود و او باز دندان هایش را از دست می دهد؛ یعنی، ای آن که سنّ عقل را پس گذرانده ای، آنچه با جسم تو در دوره ضعف سازگار است، غذاهای سبک و مایعات است (هر چند در دهانش دندان مصنوعی تعبیه کرده باشد)، و هم چنین خوابیدن زیاد کودک، نیاز اوست و کم خوابی کهن سالان، بانگ رحیل و غنیمت و فرصتی است که در اختیارشان می گذارند تا هنگام سحر بتوانند بچه زاد و توشه سفرشان را گرد آورند.

هر که دانه نفشاند به زمستان در خاک

ناامیدی برد از دخل به تابستانش

حتی سفره سحری شب های ماه روزه، بهانه سجاده سحری است؛ یعنی گویا خواستند با نشان دادن سفره سحر، ما را بر سر سجاده بکشانند. چون انسان بیچاره، گرسنگی شکم و سیر کردن آن را بیش تر از نیاز دل و جان اهمیت می دهد.

استاد شهید مطهری رحمه الله می گوید:

«یادم می آید می دیدم این مرد بزرگ و شریف (پدر خودم) هیچ وقت نمی گذاشت که وقت خوابش از سه ساعت از شب گذشته، تأخیر بیفتد. شام را سر شب می خورد و سه ساعت از شب گذشته می خوابد و حداقل دو ساعت به طلوع صبح مانده بیدار می شود و حداقل قرآنی که تلاوت می کند یک جزء است، و با چه فراغت و آرامشی نماز شب

می خواند؛ حالا تقریباً صد سال از عمرش می گذرد، هیچ وقت نمی بینم که یک خواب نا آرام داشته باشد...

این ها دل را زنده می کند، آدمی که می خواهد از چنین لذتی بهره مند شود، ناچار از لذت های مادی تخفیف می دهد تا به آن لذت عمیق تر الهی برسد.»^(۱)

استاد شهید هم نخست از شب خیزی پدر و رفتارهای او و بعدها نیز از اساتید و آموزه های دینی متأثر و الگو برداشته بود، او همواره با وضو بود و ساعت زنگ داری را برای بیدار شدن در شب، تنظیم می کرد^(۲) و هیچ گاه نمازشبش ترک نمی شد^(۳) حتی در سفر و میهمانی. به گواهی رهبر انقلاب، در شبی که استاد میهمان ایشان بود، از صدای گریستن استاد اهل خانه بیدار شدند^(۴) و از برنامه های استاد می گفتند: «ایشان همیشه، وقت خواب مقید بود به خواندن قرآن، صدای ایشان را شنیدم که در هنگام تهجد و نمازشب خواندن، گریه می کردند، البته نمازشب خوان زیاد داریم، ولی نمازشب خوانی که در آن نیمه شب با آن حال اشک بریزد و گریه کند، کم داریم.»^(۵)

۶. با کسی که به بهانه فیلم، میهمانی، شب نشینی و خستگی و غلبه خواب و بیدار نشدن برای انجام این نماز، خود را در ترک آن معذور

۱- نک: احیاء تفکر اسلامی، ص ۹۵.

۲- نک: داستان های شیرین از نمازشب، ص ۶۸.

۳- داستان های شیرین از نمازشب، ص ۱۱۴ برگرفته از: کتاب طهارت روح، ص ۳۸۳ و ۳۸۴.

۴- داستان های شیرین از نمازشب، ص ۱۰۷ برگرفته از: کتاب طهارت روح، ص ۳۷۸.

۵- داستان های شیرین از نمازشب، ص ۶۷.

می داند یا نماز شب را بی ارزش و کوچک می شمارد توجهی نکنیم و همواره از افراد بَطَّال و بی حال بر حذر باشیم.

نو بهار است در آن کوش که خوش دل باشی

که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی

من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش

که تو خود دانی اگر زیرک و عاقل باشی

چنگ در پرده همین می دهدت پند ولی

وعظت آن گاه کند سود که قابل باشی

گر چه راهی است پُر از بیم ز ما تا بر دوست

رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی (۱)

الهی، خفتگان را نعمت بیداری ده و بیداران را توفیق شب زنده داری و گریه و زاری. (۲)

الهی، خواب های ما را تبدیل به بیداری بفرما. (۳)

۷. شکار برنامه های دیر هنگام تلویزیون و هم نشین افراد معتاد به آن نشویم. از شب نشینی های بی فایده و هر کاری که ما را از سحر خیزی باز دارد حذر کنیم.

گرم ترانه چنگ صبح نیست چه باک

نوی من به سحر آه عذر خواه من است (۴)

۱- حافظ.

۲- الهی نامه، ص ۲۵.

۳- الهی نامه، ص ۲۸.

۴- حافظ.

۸. از زیاده خوری و تقویت حیوانیت که سرزنش شده پرهیزیم و جز به قدر نیاز بُنیه جسمی و قوت بخشی روحانیت خود نخوریم؛ یعنی نه چنان زیاد بخوریم که از سنگینی، عمل را باز مانیم و نه اندک که نتوانیم بندگی را به جا آوریم. (۱)

خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر

حیوان را خبر از عالم انسانی نیست

۹. از غذای حرام فرار کنیم و جز حلال نخوریم، بلکه هر غذایی را از هر کسی و در هر جایی نخوریم؛ یعنی در خوراک (و امور) یقینی بسیار رعایت کنیم؛ حلال خوری راه تربیت ما و فرزندانمان را کوتاه و هموار می سازد. درباره غذاهای شبه ناک و مخلوط به حرام هشیار باشیم و از معاشرت فردی و خانوادگی با دیگران، یعنی هر کسی که واجب و حلال و حرام خداوند و حقوق امام معصوم و بینوایان را محترم نمی دارد، برحذر باشیم و میهمان سفره او نشویم؛ زیرا هر چند قیمت معادل آنچه را خورده است، از پول و مال حلال بپردازیم، ولی اثر وضعی حرام را در روحیه و زندگی مان چه خواهیم کرد؟ برای مثال، چونان است که کسی از سر عطش، ندانسته ظرف مایع خنکی را که شراب حرام و نجس در آن است سر بکشد، ولی چون نمی دانسته است، دین، گناه بودن عملش را بپذیرد، ولی دیگر شراب خواری اش را که از جمله آثار وضعی شراب است، دین، عهده نخواهد گرفت؛ هر چند او قیمت آن را از پول و مال حلال پرداخته باشد.

تأثیرگرایش های بی رویه به مادیات

تأثیرگرایش های بی رویه به مادیات

«اگر ما خودمان را غرق در لذت مادی دنیا کنیم، مثلاً سر شب بنشینیم دور هم و شروع کنیم به گفتن و خندیدن و فرضاً غیبت هم نکنیم که حرام است، صرفاً شوخی های مباح هم بکنیم و بعد هم سفره را پهن کنیم و آن قدر بخوریم که نفس کشیدن برایمان دشوار شود، بعد مثل یک مرده در رختخواب بیفتیم، آیا در این صورت توفیق پیدا می کنیم که سحر از دو ساعت مانده به طلوع صبح بلند شویم و بعد، از عمق روح خودمان «یا ربّ یا ربّ» بگوییم؟ اساساً بیدار نمی شویم و اگر هم شویم مثل مستی که چند جام شراب خورده است، تلو تلو می خوریم.

پس اگر انسان بخواهد لذت های معنوی و الهی را در این دنیا درک کند، چاره ای ندارد جز این که از لذت های مادی کسر کند. به خدا قسم لذتی که یک مرد با ایمان در آن وقت شب که بلند می شود و چشمش می افتد به آسمان پر ستاره و آیات آخر سوره آل عمران را که صدای هستی است و از قلب وجود برخاسته است، می خواند و با هستی هم صدا می شود، احساس می کند برابر است با یک عمر لذت مادی در این دنیا.

یک چنین آدمی، نمی تواند مثل ما زندگی کند. نمی تواند سر سفره شام بنشیند؛ در حالی که ظهر غذای سنگین، انواع گوشت ها، روغن های حیوانی و نباتی، انواع شیرینی ها و انواع محرک اشتها را خورده است؛ تازه مقداری سوپ بخورد تا اشتهايش تحريك شود. این روح خود به خود می میرد، این آدم نمی تواند در نیمه های شب بلند شود و اگر هم بلند شود نمی تواند لذت ببرد.

لهذا کسانی که چنین توفیقاتی داشته اند و ما چنین اشخاصی را دیده ایم، به لذت های مادی که ما دل بسته ایم هیچ اعتنا ندارند.»^(۱)

شیخ مفید در کتاب المقنعه ذیل روایتی می نویسد: آنکه فضیلت نماز شب را باور ندارد، مانند کسی که نماز شب نخواند از شیعیان اهل بیت (ع) به شمار نمی آید.

یا ندیمی قم تبّه و اسقنی و اسق الندامی

خلنی أسهز لیلی و دع الناس نیاما^(۲)

سخن آخر

سخن آخر

۱. آنکه به دردی دچار است، درست خواب شبانه ندارد و خوب به خواب نمی رود؛ یعنی هر که را درد عشق محبوب است، بخشی از شب هم که شده از این درد بی خواب می ماند.

شبی به چشم ندارم ز درد عشق تو خوابی

دعا و اشک سحر را خدا کند پذیری^(۳)

«الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ اهل ایمان خدا را به شدت دوست می دارند.» (بقره: ۱۶۵)

۲. تا دعای سحری نخوانیم، ورد سحری نگوییم و سرشک سحری نباریم، انتظار درس سحری از مرغ سحر، سود نبخشد و وزش نسیم و دریافت های سحری، میسور نشود.

هان، هر چه می خواهی خبر، گاه سحر

قدر این باده ندانی بخدا تابچشی

۱- احیاء تفکر اسلامی، ص ۹۵ _ ۹۳.

۲- سعدی.

۳- نگارنده.

بخش هفتم: سخنی با برنامه سازان

اشاره

بخش هفتم: سخنی با برنامه سازان

زیر فصل ها

آموزه های دین برای زیستن ایده آل است

چند یادسپاری:

بایسته ها و پیشنهادها

پرسش های پیشنهادی از مردم

آموزه های دین برای زیستن ایده آل است

آموزه های دین برای زیستن ایده آل است

به گواهی کتاب آسمانی و تاریخ اقوام پیامبران پیشین، فراخی نیازهای معنوی انسان و دل گرم شدن او به مادّیات زندگی و از پی آن خودسرشدن و خودفراموشی و خدافراموشی او را از فهم کاستی های معنوی اش باز می دارد، به گونه ای که طیبیان و دلسوزان خود را نیز دشمن می انگارد و خودسرانه به اشتباه از پی چیزهای می رود که به گمانش می توانند خلأ معنوی او را پُر کرده نیازمندیهای روحی اش را برطرف سازند.

انسان ممکن است خدا را هم آفریدگار خود بخواند و حتی اگر از او پرسیده شود که آفریدگار جهان هستی کیست؟ بگوید: خدا، اما در معنویات، جای دیگری گیر کرده باشد؛ چه، لزوماً خالق دانستن الله، پرستش او را به دنبال ندارد.

به شهادت قرآن کریم غالباً اقوام بت پرست، توحید در خالقیت را باور داشته و موحد بودند؛ یعنی آفریدگار جهان را یکی و تنها خداوند می دانستند، اما در عبادت به گونه ای دیگر بودند و تدبیر عالم را به دست

الله نمی دیدند. هر چند توحید در خالقیت همه پذیر بوده و گویا همه کس، الله را آفریدگار جهان هستی می دانست، ولی توحید ذاتی و توحید در خالقیت مستلزم توحید در عبادت نیست؛ یعنی احتمال می رود، انسان در عمل، ناخواسته مانند غالب بت پرستان به توحید در ربوبیت معتقد نباشد؛ یعنی از نظر عبادت و واکنش پرستش در برابر آفریدگار، روشی شرک آمیز داشته و بت های ساختگیِ نفسانی اش را عهده دار تدبیر عالم و شفیع و مقرب خود نزد خالق، برشمرده و دانسته یا ندانسته و به واقع ندانسته آنها را پرستد؛ هر چند بر زبانش چیز دیگری را براند.

«أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (۱) آیا می بینی کسی را که هوای نفسش را خدای خود گرفته است؟

گویند: کسی خدای خود را در خواب دید و دست به دامان او شد که من این خواهم و آن خواهم؛ ناگهان از خواب برخاست، دید دامن خود را چسبیده است.

بی گمان انحرافات فردی و اجتماعی انسان از تعلیمات عالیه آسمانی و فطرت انسانی، همه اش از نافهمیدن نیازمندیها به ویژه نیازهای معنوی اش ناشی است، و این بیماری و ناخوشی جان او سر در آبخور جهان بینی کثر او و نوع نگرش او به آفرینش و چگونگی توجیه او از هستی و اداره آن و پرستش غیرخدا دارد. از این رو بی راهه می پیماید و بر جام شراب تلخ و ش پرستش غیر خدا، لب می نهد و دل و جان شان را بیمارتر می سازد و متأسفانه بی راهه را راه می انگارد و از طبابت و طبیب آسمانی دور می ماند.

جهان کنونی بسیار بحران زده و ناآرام است و بخش معظمی از نیازها و خواسته های معنوی بشری در این آشوب به فراموشی و کژی و تباهی سپرده شده است. و انسان در دامان این ناآرامی، ناآرام تر، راه گم کرده، بی توجه به بلدِ راه و راهنمایی های فراسویی، نیازمندیهای معنوی اش را خفه ساخته و دل و جانش را می پژمراند.

از این رو برنامه سازان عزیز می بایست همگون با خواست خدای متعال و آموزه های ناب دینی که با ساختار جسمانی و روحانی انسان، پیوند دارد، در برآورده سازی نیازمندی های جامعه اسلامی، دست برند و با همت بلند در این راه گام نهند، و با گزینش بهترین سیره و شیوه تأمین نیازمندیهای معنوی جامعه اسلامی علاوه بر تأمین بخشی از نیازمندیهای مادی و روحی خود، جامعه اسلامی را نیز بیش از پیش در بازشناسی نیازمندیهای معنوی حقیقی اش و چگونگی تأمین آن یاری رسانند و بر سفره آرامش و پذیرایی حقیقت، میهمان و آرامش سازند.

راستی که از میان وسایل و وسایط تأمین نیازمندیهای یادشده، بهترین ها برای برنامه سازان، اولین به شمار می آید.

آموزه نماز شب عمل سخت گیرانه بر کسی نیست، بلکه در رواسازی نیازمندیهای معنوی (و حتی مادی) انسان، از اولین ها در میان بهترین ها بوده و امر بایسته، تأثیرگذار و روان شناسانه ای از سوی آفریدگار انسان است.

راستی که توجه به نماز شب، رویکرد به شاه کلید تأمین نیازمندیهای مادی و روحی زندگی فردی و اجتماعی انسان و گونه ای از گذر سالم و زیستن ایده آل در گذار زندگی دنیاست. و در این میان همه سود از آن انسان است.

چند یادسپاری:

اشاره

چند یادسپاری:

زیر فصل ها

۱. نیازهای معنوی انسان بسیار فراخ است

۲. خداوند به نیازمندی های معنوی انسان آگاه ترین است

۳. نیاز و نقص معنوی، همه فهم نیست

۴. سیره و شیوه تأمین نیازمندی های معنوی انسان یکسان نیست

۱. نیازهای معنوی انسان بسیار فراخ است

۱. نیازهای معنوی انسان بسیار فراخ است

چنان که می دانید نیازهای انسان و جامعه بشری از یک جنس و یک نوع نیست. نیازهای انسان یا اولی است و یا ثانوی.

نیازهای اولی، نیازهایی است که از عمق ساختمان جسم، روح و طبیعت اجتماعی بشر سرچشمه می گیرد و همیشه وجود دارد. و بشر را به سوی توسعه و کمال زندگی (در مادیات و معنویات) حرکت می دهند، اما نیازهای ثانوی از نیازهای اولی یعنی از کمال و توسعه مادی و معنوی زندگی، ناشی است و به سوی توسعه بیشتر و کمال بالاتر، محرک می باشد.

نیازهای اولی، همواره ثابت اند، اما نیازهای ثانوی، تغییر پذیرند. البته پاره ای از نیازهای ثانوی فردی یا اجتماعی مثل نیاز به اخلاق، عدالت و عبادت در همه زمان ها، وضع ثابتی دارند. (۱)

انسان که جهانی فشرده و بنشسته در گوشه ای است به نسبت گستره جهان هستی، فقیر و به مادیات و بیشتر از آن به معنویات نیازمند است. نیازمندیهای معنوی زندگی فردی و اجتماعی او که فراخ ترین است هر چند همواره ثابت است، اما هیچ در یک قالب و پیکره نمی گنجد.

۲. خداوند به نیازمندی های معنوی انسان آگاه ترین است

۲. خداوند به نیازمندی های معنوی انسان آگاه ترین است

سازنده پیکره انسان، خداست. دل و جان و روان آدمی دست پروده «امر ربّ» (۲) است. توجّه خداوند به نیازمندیهای مادی و روحی انسان همگون با

۱- رک: پانزده گفتار، شهید استاد مطهری، ص ۱۳ و ۱۴.

۲- «یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربّی.» اسراء / ۸۵.

ساختار جسمانی و روحانی اوست. تنعمات مادی برای گذران زندگی مادی و نزول آیات قرآنی و احکام آسمانی برای تعالی دل و جان آدمی است. هدف خداوند، متوجه فعل او یعنی انسان است نه فاعل که خود خدا است.

«أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ؟ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.» (۱) آیا او حال آفریده هایش را نمی داند؟ در حالی که او پیوسته باریک بین و آگاه است.

مدیریت خداوند در اداره عالم بسیار آموزنده و سزاوار توجه است.

۳. نیاز و نقص معنوی، همه فهم نیست

۳. نیاز و نقص معنوی، همه فهم نیست

انسان از داشتن کمبود گریزان است. او به مجرد این که نقص و نیازی را احساس کند از خود واکنش نشان می دهد و گاه در حد افراط، آزمندانه و ستمگرانه حقوق دیگران را نیز به یغما می برد. او دردهای مادی و مسمومیت های جسمانی را معمولاً بدون واسطه و راهنما زودتر و بهتر و بیشتر حس می کند. از این رو بیشتر به آن توجه دارد و در صدد علاج آن بر می آید، اما دردها و مسمومیت های معنوی و روحی را بدون واسطه و راهنما یا حس نمی کند و یا خیلی کمتر و دیرتر می فهمد. به همین خاطر خداوند برای تأمین نیازمندی ها و اولیای درمان دردهای روحی و معنوی او نعمت وحی و پیامبران را برای او ضروری دانسته است. و به همین جهت پیامبران و اولیای الهی که بر وجود انسان اشراف دارند کسریهای دل و جان او را زودتر، بهتر و بیشتر از همه درک و احساس می کردند و بر آن می شدند تا او را آگاه و معالجه سازند.

۴. سیره و شیوه تأمین نیازمندی های معنوی انسان یکسان نیست

۴. سیره و شیوه تأمین نیازمندی های معنوی انسان یکسان نیست

همان گونه که سامان دهی و بهبودبخشی نیازمندی های مادّی جامعه انسانی به یک ابزار و شیوه وابسته نیست، تأمین لوازم روحی و آرام سازی قلمرو دل و جان آدمی هم در یک روش و راهکار روان شناختی منحصر نمی باشد. چنان که از سیره قرآنی ائمه اطهار (ع) بر می آید.

سیره، روش، سبک، اسلوب، متد و شیوه، واژه های اند که در معنی مترادف و در اندیشه و عمل متفاوت اند.

داشتن شیوه در هر کاری حتی هدفمند، لازم است. به صرف داشتن هدف نمی توان از داشتن اسلوب و روش، صرف نظر کرد. نداشتن سبک و روش و پراکنده کاری حتی انسان هدفدار را نیز ناکام می سازد.

گزینش شیوه در پیش برد کار و کامیابی و موفقیت و دست یافتن به اهداف و نیز در ناکامی و بازماندن از هدف و ایستایی و پس گرد و شکست، بسیار نقش آفرین است.

پیروزی دانشمندان در دوره معاصر نه به این خاطر است که از دانشمندان پیشین بیشتر می دانند، بلکه حرکت های نوین و کشفیات اعجاز گونه آنان در دانش، وامدار شیوه هایی است که آنها در عصر کنونی برگزیده اند. باید دانست آن مقدار که گزینش روش در یادگیری، کار و مدیریت، اثرگذار است، هوش، حافظه، استعداد، نبوغ، نیروی کار و پرکاری که حتی لازم اند مؤثر نیستند.

توجه به مقتضیات زمان و سیر راست در راههای تودرتوی فکری و بازشناسی نیازهای توبرتوی فردی و اجتماعی انسان، و گزینش حرکت ها و اقدامات درست عملی و اندیشیدن در آثار آن از یک سو، و داشتن

شیوه های راست و درست عملیاتی در برآورده سازی آنها از سوی دیگر، رمز و راز و شرط دست یافتن به موفقیت اند. (۱)

بایسته ها و پیشنهادها

بایسته ها و پیشنهادها

به منظور آگاهی یافتن مردم از اعجاز معنویت و سحرخیزی و نماز شب و فراخوان آنان به این عمل شایسته، ساخت برنامه ای با ویژگی های زیر پیشنهاد می شود:

۱. عنوان برنامه «بر بال سحر» پیشنهاد می شود.

۲. شناسایی دردهای معنوی و هشدار به مردم و نیز ارائه درمان های مؤثر، امر بایسته ای به نظر می رسد.

۳. باید در ساعات آغازین شب که مردم پای تلویزیون نشسته و چشم و دل به آن داده اند و یا در ساعات پُرشنونده رادیو که به آن گوش سپرده اند، آنان را بیشتر از برنامه های بازرگانی، متوجه دردهای معنوی و درمان آن ساخت.

بہتر آن است که اجرای برنامه در فصل های بهار و تابستان، ساعت ۲۱ شب، و در فصل های پاییز و زمستان، ساعت ۲۰ شب باشد. و از اجرای آن در وقت سحر پرهیز شود که این گاه، ویژه سجاده و سجده به پیشگاه باری تعالی است که می بایست بیشتر همه را برای این میهمانی آماده ساخت.

۴. این برنامه مانند هر برنامه معنوی دیگر می بایست خوش صحنه، پُر جاذبه، شاداب و دل انگیز ساخته شود.

۵. در تیتراژ آغازین برنامه از موسیقی عرفانی (مانند موسیقی و صدای آقای سراج در قطعه «زمستان») استفاده شود.

۶. از مجریانی که حالی و عشقی به این عمل دارند استفاده شود، و می بایست که خوش بیان، خوش سیما، خوش صدا و اهل دل (گاه از آقایان و گاه از خانمها) باشند. از میان آقایان آقای جمشیدی (مجری صبح بخیر ایران) و از میان خانمها خانم دکتر طوبی کرمانی (اگر بپذیرند) مناسب به نظر می رسند.

۷. مدت اجرای برنامه ۱۰ دقیقه باشد.

۸. از کلاسی کردن این برنامه و بحث های کارشناسی خشک در این زمینه، پرهیز شود. بلکه به سَیْلان و روانی و اثرگذاری عرفان، برگزار گردد.

۹. از مصاحبه با عرفای معاصر مانند علامه حسن زاده آملی و سخنانی که در زمینه سحرخیزی و نماز شب دارند استفاده شود.

۱۰. بین رویکردهای معنوی و سحرخیزی زنان و تأثیرگذاری آن در اداره خانه و خانواده و تربیت فرزندان، به طور محسوس پیوند برقرار شود.

۱۱. تأثیر معنویت و نماز شب در شناسایی راههای درست و گزینش رفتار بهتر، به تصویر کشیده شود.

۱۲. بر سحرخیزی و معنویت جوانان بسیار تکیه شود.

۱۳. از جوانان طلبه و دانشجو، دختر و پسر مصاحبه شود.

۱۴. چگونگی اقامه نماز شب در حال انجام کار، رانندگی و آشپزی در خانه، به تصویر کشیده شود؛ (رفتگران محترم، نانوایان، کارگران و کارمندان شیفت شبانه کارخانه ها و پرستاران بیمارستانها، رانندگان بین شهری، بازیگران و کارکنان شبانه صدا و سیما و حتی بازیگران سینما و....)

۱۵. داستانهایی را که در این مجموعه از آنها یاد شده است به تصویر کشیده شود.

۱۶. سحرخیزی شهید تندگویان که در فیلم آقای مجیدمجیدی به تصویر کشیده شده و نیز از فیلم «شوق» با بازیگری آقای جهانگیر الماسی (در نقش زید) استفاده شود.

۱۷. در این برنامه به معنویت و نقش تأثیرگذار آن در زندگی (حتما و فراوان) پرداخته شود.

پرسش های پیشنهادی از مردم

پرسش های پیشنهادی از مردم

۱. معنویت چیست؟

۲. رویکردهای معنوی افراد چه تأثیری در اجتماع می تواند داشته باشد؟

۳. آیا در زندگی تان برنامه های معنوی هم دارید؟ (چند تا از آن را نام ببرید.)

۴. رابطه با خدا را چه مقدار در زندگی لازم می دانید؟ (از آنان خواسته شود در این باره توضیح دهند.)

۵. بین قبولی برنامه های معنوی ما و دیگر رفتارهای مان در زندگی چه رابطه ای وجود دارد؟

۶. بین قبولی برنامه های معنوی ما و حق الناس چه رابطه ای وجود دارد؟

این پرسش بسیار مهم است. توضیح اینک:

احکام فقهی ما، عهده دار صحت اعمال است نه قبولی آن. چه بسا رفتاری از نظر احکام فقهی صحیح باشد، اما در عالم بالا پذیرش نشود؛ برای نمونه، اگر دل مؤمنی را که بر اساس آموزه های دین، حرمتش از کعبه

فرا تر است، شکسته باشیم، بجا آوردن حج و نماز (هر چند صحیح) در مسأله حق الناس به چه کار می آید؟ آیا می شود شیشه ای را بشکنیم و بعد با عمل حج یا خواندن نماز آن را به حالت نخست باز گردانیم؟ دل را که ارزشمندتر از شیشه های خانه های ماست چگونه می توان با اعمال حج و یا حتی نماز شب، ترمیم ساخت؟

۷. با شنیدن واژه سحرگاه، چه چیزی به ذهن تان می آید؟

۸. از تأثیر گاه سحر چه می دانید؟

۹. از نظر شما وقت سحر چه ویژگی هایی دارد؟

۱۰. چه تفاوتی بین سحر و دیگر اوقات می بیند؟

۱۱. آیا تا به حال، سحری را برای خواندن نماز شب بیدار شده اید؟ این زمان را چگونه یافته اید؟

۱۲. تأثیر نماز شب را در زندگی خود، خانواده و اجتماع چگونه می بینید؟

۱۳. موارد آسان گیری در نماز شب را ذکر کنید.

۱۴. آیا می دانید نماز شب چند رکعت است؟

۱۵. اهل سحر چه ویژگی هایی دارند؟

۱۶. آیا دوست سحرخیز و اهل نماز شب دارید؟

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. احمد بن فهد حلی، عُدّه الدّاعی و نجاح الساعی، صححه و علق احمد الموحدی القمی.
۲. التهجد و قیام اللیل
۳. امینی، محمد هادی، فاطمه بنت الحسین (ع).
۴. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، کانون انتشارات محراب، تهران، چاپ اول.
۵. بهاری، محمد، تذکره المتقین (مجموعه از گفتارها و نامه های عالم و عارف جلیل القدر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد بهاری) انتشارات نور فاطمه « سلام الله علیها »، چاپ دوم، پاییز ۱۳۶۱.
۶. تفسیر نمونه، به قلم جمعی از نویسندگان.
۷. ثقه الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت (ع)، تهران.
۸. جامی، نورالدین عبدالرحمن، نفحات الأنس من حضرات القدس، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۹. جوادی آملی، عبدالله، اسرار عبادات، انتشارات الزّهراء، قم، چاپ دوم، پاییز ۱۳۶۹.
۱۰. _____، تفسیر موضوعی قرآن مجید، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول: زمستان ۱۳۶۴.

۱۱. _____، حکمت عبادات، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۹.
۱۲. _____، مراحل اخلاق در قرآن.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسایل الشریعه، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربّانی شیرازی، چاپ آل البیت.
۱۴. حسن زاده آملی، حسن، الهی نامه، مرکز نشر فرهنگی رجایی، تهران، چاپ اول، آبان ۱۳۶۲.
۱۵. _____، انسان در عرف عرفان، سروش، چاپ دوم، مهر ماده ۱۳۷۷.
۱۶. _____، هزار و یک نکته، ج ۱ و ۲، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم، زمستان ۶۵.
۱۷. حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، لعلامه.
۱۸. حسینی، سید عبدالله، داستان های شیرین از نماز شب، انتشارات مهدی یار، قم، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹.
۱۹. حسینی شاه عبد العظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشر.
۲۰. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، مهر تابان (یاد نامه و مصاحبات تلمیذ و علامه عالم ربّانی سید محمد حسین طباطبایی تبریزی)، انتشارات باقر العلوم (ع).
۲۱. خزاعی نیشابوری، حسین بن علی محمد بن احمد، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی.
۲۲. خمینی، روح الله، اربعین حدیث، انتشارات طه، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۲۳. _____، تحرير الوسيله، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين، بقم المشرفه، الطبعة الأولى ۱۴۰۴ هـ. ق الموافق ل: ۱۳۶۳ هـ. ش.
۲۴. دشتی، محمد (با همکاری جمعی از پژوهشگران مؤسسه)، نهج الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، قم، چاپ دوم آبان ۱۳۷۲.
۲۵. دیلمی، حسن ابی حسن، ارشاد القلوب المنجی من عمل به من الیم العقاب.
۲۶. راه بر، مهدی، سوز سحرگاهی (پیرامون نماز شب)، مؤسسه انتشارت قیام، قم، چاپ سوم ۱۳۸۰.
۲۷. رضوی، سید حسن، رهروان شب «در فضیلت و رازهای نماز شب»، بنیاد پژوهش های علمی فرهنگی نورالاصفیاء، چاپ اول زمستان ۱۳۷۹.
۲۸. ره عشق، (بخشی از نامه های حضرت امام خمینی به پسر و عروسشان).
۲۹. زینب بنت الامام امیرالمؤمنین (ع).
۳۰. سازندگی های اخلاقی امام حسین (ع).
۳۱. سجادی، سید جعفر، فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰،
۳۲. سروش، عبدالکریم، اوصاف پارسایان، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۱.
۳۳. سیمای فرزندگان.

۳۴. شجاعی، حیدر، اشارات (فرهنگ اصطلاحات صوفیه) انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۳۵. شریف دارابی، عتیاس: تُحْفَةُ الْمُرَاد (شرح قصیده میرفندرسکی، به ضمیمه شرح خلخائی و گیلانی، به کوشش: محمد حسین اکبری ساوی) انتشارات الزهراء، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۲.

۳۶. شیخ بهایی، مفتاح الفلاح، ترجمه علی بن طیفور بسطامی به ضمیمه رساله نور علی نور درذکرو ذاکر ومذکور، نوشته علامه حسن زاده آملی.

۳۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، خصال.

۳۸. _____، علل الشرایع و الأسلام.

۳۹. _____، من لایحضره الفقیه.

۴۰. ضیاءآبادی، سیدمحمد، شب مردان خدا، واحد تحقیقات اسلامی _ بنیادبعثت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۴۱. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان.

۴۲. طبرسی، فضل بن حسن: مجمع البیان، منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی مطبعه عرفان، قم، ۱۴۰۳ ه. ق.

۴۳. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، امالی.

۴۴. _____، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید.

۴۵. عبد علی ابن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین.

۴۶. عرفانیان، میرزا غلامرضا، صلوه اللیل (فضلها و وقتها و عددها و کیفیتها و الخصوصیات الراجعه الیها متخذه من الکتاب و السنه)، المطبعه العلمیه، قم، محرم الحرام ۱۴۰۱.

۴۷. علی بن موسی ابن طاوس، الاقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مره فی السنّه.

۴۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید (دو جلدی)، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم: ۱۳۶۳.

۴۹. فروزانفر، بدیع الزمان، تصحیحات و استدراکات ترجمه رساله قشیریّه، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۱.

۵۰. _____، حرف های ماندگار، انتشارات مرکز پژوهش های صدا و سیما، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵۱. _____، زمزمه های اشتیاق، انتشارات مرکز پژوهشهای صدا و سیما، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۵۲. _____، مناجات سبز، انتشارات مؤسسه فرهنگی سماء، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵۳. فهري، سيد احمد، شمع سحر (در فضیلت، احکام و آداب نماز شب)، نهضت زنان مسلمان، طهران ۱۳۵۹.

۵۴. فیض الإسلام، نهج البلاغه، باب المختار من الحكم، حکمت ۷۴.

۵۵. فیض کاشانی، المولی محسن، المحجّه البيضاء.

۵۶. _____، الوافی.

۵۷. _____، تفسیر صافی.

۵۸. قاسم میرآخوری و حیدر شجاعی (ترجمه و تألیف)، فرهنگ عرفانی محی الدین ابن عربی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶

۵۹. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار.

۶۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی.

۶۱. کتاب العین.

۶۲. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق، روضه الکافی.

۶۳. گلستان سعدی.

۶۴. لسان العرب.

۶۵. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال المرشد علی کنز العمال.

۶۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار، مؤسسه الوفاء، بیروت _ لبنان.

۶۷. محاسن برقی

۶۸. محمد پادشاه متخلص به شاد، فرهنگ جامع فارسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۶۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۷۱.

۷۰. مطهری، مرتضی، احیاء تفکر اسلامی، انتشارات صدرا.

۷۱. _____، بیست گفتار، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، خرداد ۱۳۵۸.

۷۲. _____، حکمتها و اندرزها، انتشارات صدرا، چاپ ششم، پاییز ۱۳۷۵.

۷۳. _____، ختم نبوت، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، خرداد ۱۳۸۰.

۷۴. _____، داستان راستان، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم.

۷۵. مطهری، مرتضی، عرفان حافظ، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پانزدهم، بهمن ۱۳۷۷.

۷۶. _____، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ هشتم، اسفند ۱۳۷۷، ج

۱۶.

۷۷. ملکی تبریزی، حاج میرزا جواد آقا، اسرارالصلوه، ترجمه: رضار رجب زاده، انتشارات پیام آزادی، تهران، چاپ اول، شهریور ۱۳۶۳.

۷۸. _____، رساله لقاءالله.

۷۹. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الأسرار و عدّه الأبرار، معروف به تفسیرخواجه عبدالله انصاری، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۷.

۸۰. نجفی قوچانی، محمد حسن، سیاحت شرق.

۸۱. نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات.

۸۲. نهاوندی، فرید، رموز نماز (یا اسرارالصلوه)، شرکت چاپخانه خراسان «مشهد»، ۱۳۳۰ ه. ش.

۸۳. یوشیج، نیما، شب و شهرصبح، انتشارات مروارید، تهران، چاپ سوم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

